

نگاهی به تاریخ روابط ایران و روسیه (از آغاز تا امروز)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۶۲۰

بهمن ماه ۱۳۸۹

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۱	مقدمه
۳	بخش اول - روابط ایران و روسیه از ابتدای صفویه تا برآمدن قاجارها
۳	شاه عباس اول و روس‌ها.....
۴	روس‌ها تجاوزات خود را ادامه می‌دهند
۵	پتر کبیر و شاهسلطان حسین صفوی
۷	تجاوز روسیه به ایران.....
۹	دوره افشاریه و زندیه
۱۰	بخش دوم - ایران و روسیه از برآمدن قاجارها تا مرگ محمدشاه دوم
۱۰	جنگ در دوره محمدشاه اول
۱۲	فتحعلی‌شاه و جنگ‌های بزرگ
۱۳	معاهده گلستان
۱۴	دور دوم جنگ‌های ایران و روس
۱۷	معاهده ترکمانچای
۲۰	بخش سوم - امتیازات روس‌ها در ایران.....
۲۰	امتیاز شیلات شمال
۲۴	بانک استقراضی روس و چپاول ثروت ملی ایران
۲۹	معاهده آخال
۳۲	بریگاد قزاق، بازوی نظامی روسیه در ایران
۳۶	قرارداد گمرکی و نابودی اقتصاد ایران.....
۴۳	بخش چهارم - از ۱۹۰۷ تا توافقنامه ۱۹۲۱
۴۳	توافقنامه ۱۹۰۷ و تقسیم ایران
۴۶	اولتیماتم به ایران
۵۱	اشغال شمال ایران توسط ارتش روسیه.....
۵۳	معاهده ۱۲۹۹-۱۹۲۱
۶۰	بخش پنجم - روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه.....
۶۱	روابط سیاسی
۶۲	روابط اقتصادی.....
۶۶	نتیجه‌گیری.....
۶۸	منابع و مأخذ.....



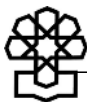
نگاهی به تاریخ روابط ایران و روسیه (از آغاز تا امروز)

چکیده

روابط ایران و روسیه سابقه‌ای ۵۰۰ ساله دارد و در طول این زمان بلند، فرازونشیب‌های متعددی را پشت سر گذاشته است. این روابط به خصوص در طول قرن نوزدهم دارای شتاب بسیاری است که منجر به نوعی رابطه استعماری روسیه علیه ایران می‌شود. ایران در این زمان به دلیل ناتوانی‌های متعدد در برابر حملات روسیه شکست‌هایی را متحمل می‌شود که در نتیجه آن مناطقی از ایران جدا می‌شود. این روابط خصمانه تا زمان سقوط امپراتوری تزارها در روسیه در سال ۱۹۱۷ تا دوام داشت و با امضای معاهده ۱۹۲۱ مسکو میان دو کشور پایان می‌گیرد، اما به دلیل خاصیت سیاست‌های روسیه، این روابط همچنان به صورت درخواست‌های نابجای روس‌ها از ایران تا جنگ جهانی دوم که منجر به اشغال ایران از طرف ارتش‌های متفق می‌شود، ادامه دارد. گزارش حاضر بررسی روابط ایران و روسیه از ابتدای سلسله صفویه تا اشغال ایران در جنگ جهانی دوم است.

مقدمه

شناخت تحولات تاریخی و حوادث رخ داده میان کشورهای، یکی از ابزارهای مهم برای شناخت تمایلات و ریشه رفتارهای سیاسی میان آنهاست. از جمله پایه‌های اصلی و مؤثر در شکل‌گیری دیپلماسی و نوع رفتار کشورها با یکدیگر، وجود پیشینه‌های تاریخی و سطح اثرگذاری روابط بر امنیت و منافع ملی متقابل است. اگر این روابط در سیر تاریخی خود با تقابل و تنازع و تهدید همراه بوده باشد، طبیعتاً باید انتظار داشت که کشورها با در نظر گرفتن ملاحظات تاریخی، روابط خود را تنظیم و حداکثر منافع خود را در تدوین دیپلماسی مستقیم خود در نظر گیرند. با وجود چنین پیشینه‌هایی علی‌رغم بروز تغییر و تحولات سیاسی عمده در جهان نمی‌توان انتظار فراموشی و ترک احتیاط در مقابل چنین کشورهایی را داشت. در سیر تطورات و تحولات تاریخی ایران کشورهای انگشت‌شماری وجود دارند که آثار حضور آنان در جغرافیا و معادلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورمان آنچنان وسیع و مخرب است که با گذشت چند قرن هنوز حافظه تاریخی ایرانیان نمی‌تواند آنها را فراموش کند. یکی از این کشورها روسیه است. گزارش حاضر براساس یک نیاز و ضرورت تاریخی نگاشته شده و تلاش نموده تا ابعاد و زوایای مختلف روابط میان



روسیه و ایران را در خلال یک دوره تاریخی پانصدساله واکاوی کند. تمرکز اصلی در این گزارش بر محور قراردادهای مکتوب و شرایط عمومی ایران در نتیجه اجرای این قراردادهاست. دامنه گزارش تا پایان جنگ جهانی دوم است، اما تلاش شده است ادوار تاریخی مختلف تا دوره معاصر مورد ارزیابی و آثار و پیامدهای حضور مخرب روس‌ها در تحولات داخلی ایران بررسی و در نتیجه‌گیری نهایی تحولات تاریخی مبنای تحلیل مواضع و رفتارهای روسیه در قبال مسائل امروزی ایران در عرصه منطقه و جهان قرار گیرد.

شواهد تاریخی گواهی می‌دهد که روس‌ها طبق اسنادی که نشانی آنها در گزارش حاضر آمده است در تلاش بوده‌اند تا به «انگلستان تفهیم کنند که آنان هندوستان را نمی‌خواهند، بلکه فقط خلیج فارس را می‌خواهند». اقدامات روس‌ها خصوصاً پس از تقسیم ایران به دو حوزه نفوذ روس و انگلیس در شمال و جنوب ۱۹۰۷ کشور را تا مرز فروپاشی به پیش راند. همه ارکان و مقدرات کشور در اختیار روس‌ها قرار گرفت اعم از قشون، مالیه، بانک تجارت و گمرک. آنها پس از جداسازی قفقاز همچنان به تئوری احتضار بدون مرگ و همسایه ورشکسته رو به موت به جای یک کشور ضمیمه که برخاسته از نظر پتر بود پایند و وفادار بودند.

به همین دلیل در الحاق اراضی بیشتری از خاک ایران به روسیه دچار تردید شدند و البته از این سیاست خود سخت پشیمان گردیدند. این پشیمانی هنوز هم فکر سیاسیون روس را آزار می‌دهد همان‌گونه که در این گزارش آمده است سطح نفوذ و عمق تأثیرگذاری دولت روس در تحولات و معادلات داخلی ایران بسیار فراتر از تصورات موجود تاریخی یا حداقل مغفول از نگاه مورخان و تحلیلگران روابط روس و ایران است.

نگاهی بر نوع ارتباطات و سیاست‌های اجرایی و مدیریت حوادث و تحولات داخلی ایران ازسوی روس‌ها گویای وجود استراتژی روشن مبتنی بر اعمال سلطه همه‌جانبه از طریق تعمیق سطح وابستگی‌ها بوده و بانک استقرایی روس مهمترین ابزار اعمال این سیاست‌ها به شمار می‌رفته است. اسناد تاریخی ارائه شده در این گزارش توانسته است بخش‌هایی از سطح و عمق نفوذ هدفمند روس‌ها در ارکان و ساختارهای سیاسی و اقتصادی ایران را آشکار سازد. این گزارش تلاش دارد تا درباره سیاست‌های گذشته و تاریخی روس‌ها در قبال ایران طی سه دوره روسیه تزاری - روسیه شوروی و روسیه جدید خطوط متصل و تغییرناپذیر سیاسی را مورد دقت و مطالعه قرار دهد. از این طریق وجود ارتباط معنادار میان خط نگاه دولت‌های روس در ادوار مختلف تاریخی قابل مشاهده است. روندی که با گذشت زمان و تغییرات بزرگ و کوچک در مناسبات میان ملت‌ها و دولت‌ها همچنان به شکل‌های متفاوت و به‌صورت یک استراتژی اقتضایی و بر پایه سیاست‌های پایدار و بلندمدت درحال پیگیری است.

همچنین در این گزارش تلاش شده است تا بستری مناسب و متناسب با واقعیت‌های تاریخی



روابط ایران و روس تعریف گردد تا از این طریق مبنایی منطبق بر واقعیت‌های تاریخی و جریان روابط در طول دهه‌های اخیر و سال‌های آتی برای سیاستگذاری ایجاد شود. امری که همواره پس از اتخاذ سیاست‌های غیرمتعارف از سوی روس‌ها غفلت در تدوین چنین مبنایی را یادآور می‌شد.

بخش اول - روابط ایران و روسیه از ابتدای صفویه تا برآمدن قاجارها

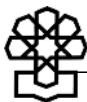
روابط خارجی در روسیه را باید با توجه به سیاست مدرن‌سازی این کشور در عصر پتر کبیر مطالعه کرد، زیرا گرچه پیش از امپراتوری پتر کبیر، روسیه روابطی در چارچوب مراودات بازرگانی و درگیری‌های نظامی با همسایگان خود داشت،^۱ فکر برقراری رابطه با مسکو در ایران نخستین بار در زمان شاه سلطان محمد خدابنده (پدر شاه‌عباس اول) مطرح شد. در دسامبر ۱۵۸۶ م. وقتی خدابنده در مقابل حملات عثمانی از همه کشورهای درگیر اروپایی مثل اتریش، مجارستان، لهستان و... ناامید شد، سفیری به نام هادی‌بیگ به دربار تزار فئودور اول (۱۵۷۴-۱۵۹۸ م) فرستاد و طی نامه‌ای به تزار نوشت که ما باید مانند پدران خود در راه اتحاد و دوستی با هم کوشش کنیم (منظور تلاش‌های شاه‌اسماعیل اول برای پیدا کردن متحد در اروپا برای حمله به عثمانی بود). سلطان محمد خدابنده به تزار اعلام کرد: اگر امپراتور حاضر شود به اتفاق ایران، عثمانی را از قفقاز بیرون کنیم، وی آماده است دربند و باکو را به روسیه واگذار کند.

شاه‌عباس اول و روس‌ها

هادی‌بیگ، سفیر ایران، زمانی به مسکو رسید که شاه‌محمد خدابنده مرده و فرزندش شاه‌عباس، به تخت نشسته بود. فئودور پاسخ مثبتی به پیشنهاد شاه ایران نداد، زیرا اولاً به شدت گرفتار هرج‌ومرج و بحران اقتصادی در داخل کشورش بود، ثانیاً روسیه هنوز سیاست نگاه به شرق را در پیش نگرفته بود و اگر فرصت و امکانی داشت، آرزو می‌کرد از طریق بالتیک به اروپای مرکزی دست پیدا کند.

از آنجا که روسیه در نگاه به مدیترانه، عثمانی را پیش رو داشت و از سوی دیگر عثمانی از جانب بالکان به سوی اروپای شرقی در حال پیشروی بود، امپراتور بی‌میل نبود برای روز مبادا با ایران وارد یک بازی سیاسی شود، بنابراین به‌رغم گرفتاری‌های فراوانی که داشت، شخصی به نام گریگوری واسیل چیکوف را همراه هادی‌بیگ به ایران فرستاد. دو سفیر از طریق حاجی‌طرخان و دریای

۱. میشل رومانوف به‌عنوان بنیانگذار سلسله رومانوف‌ها در شانزده سالگی در تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۶۱۳ م در مسکو تاجگذاری کرد. سال‌های اول سلطنت او در روسیه با فقر اقتصادی و هرج‌ومرج اجتماعی همراه بود. قزاق‌ها در این موقعیت به قتل و غارت مردم دست می‌زدند. یکی از رهبران قزاق از طریق اتحاد با پادشاه ایران، در اطراف حاجی‌طرخان دولت مستقلی تشکیل داد. رک: بریان شانی‌نوف، تاریخ از آغاز تا انقلاب اکتبر، ترجمه خانابای بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ص ۹۷.



مازندران به رشت وارد شدند. در آن موقع خان‌احمد گیلانی، که مدعی خودمختاری از دولت مرکزی بود و با دربار عثمانی نیز ارتباط داشت، خبر اعزام سفیر روسیه به دربار شاه‌عباس در قزوین را به خلیفه عثمانی رساند و به توصیه وی دو سفیر زندانی شدند. با فشار دربار شاه‌عباس، سفیران آزاد شدند و به قزوین رسیدند. در این موقع شاه‌عباس برای جنگ با ازبکان، در خراسان به سر می‌برد. واسیل چیکوف چند ماهی در قزوین منتظر ماند تا اینکه شاه‌عباس از سفر جنگی بازگشت.

سفیر روس در ملاقات با شاه قول و قرارهایی با وی گذاشت و شاه که به اتحاد روسیه امیدوار شده بود، علاوه بر هادی‌بیک، سفیر دیگری به نام بوداق‌بیک را همراه واسیل چیکوف روانه مسکو کرد تا برای قطعی شدن اتحاد، مذاکراتی را با امپراتور انجام دهد. شاه‌عباس به امپراتور پیشنهاد کرده بود: آیا حاضر است از راه کریمه و قفقاز به عثمانی حمله کند؟^۱

در دوره شاه‌عباس اول ایران و روسیه چندبار اقدام به گسیل سفیر کردند که در این سفارت‌ها هرکدام از طرفین درخواست اتحاد داشتند. روس‌ها علیرغم وعده‌هایی که به ایران می‌دادند هیچ‌گاه از راه اتحاد با ایران در نیامده و همواره وعده‌های بی‌سرانجامی به سفرای ایران می‌دادند. در دوره بوریس گودنف امپراتور روسیه که معاصر شاه‌عباس است، سفرایی چند مبادله شدند، اما این امر گشایشی در روابط نداشت. نبردهای ایران با عثمانی در دوره شاه‌عباس برای کشورهای اروپایی بسیار مهم ارزیابی می‌شد و از این رو کشورهای اروپایی در تلاش برای ترغیب ایران به جنگ با عثمانی تلاش‌های گسترده‌ای می‌کردند، اما همیشه در عمل بدقول بودند. بعد از لشکرکشی سال ۱۶۰۳ م که به آزادسازی ارمنستان از دست عثمانی منجر شد، شاه‌عباس بار دیگر سفیر و هدایایی همراه پیشنهادهای جدید برای اتحاد علیه عثمانی به دربار امپراتور فرستاد. بوریس گودنف از شنیدن پیروزی شاه‌عباس خشنود شد و به‌منظور ابراز قدردانی از شاه، هدایای مرکب از پنج‌هزار سپاهی مجرب و چند عرابه توپ، به دربار شاه فرستاد، ولی در عمل برای امضای قرارداد با شاه ایران اقدامی نکرد و این بار نیز آرزوهای شاه‌عباس تحقق نیافت.^۲

روس‌ها تجاوزات خود را ادامه می‌دهند

هنگام جلوس شاه‌عباس دوم به تخت سلطنت، تزار روسیه سفیری برای عرض تبریک به اصفهان فرستاد و روابط دوستانه بین دو کشور تا سال ۱۶۶۵ م، که میشل رومانوف^۳ (میشل سوم)

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (از صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم)، چ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۲۹۸.

۲. در مأموریت حسینعلی بیک و شرلی به اروپا برای ملاقات با رهبران اروپا به‌منظور اتحاد علیه عثمانی، شاه‌عباس نامه و هدایایی فرستاد. امپراتور فقط حسینعلی‌بیک را به‌عنوان سفیر شاه ایران به حضور پذیرفت و از قبول شرلی خودداری کرد. نجفقلی حسام معزی، تاریخ روابط سیاسی ایران، تهران، دینا، ۱۳۲۴، ص ۹۳.

3. Michel Romanov



درگذشت، ادامه یافت. در این زمان طهمورث‌خان، امیر سابق گرجستان، علیه رستم‌خان، حاکم ایرانی آن ایالت، یاغی شد و در برابر نیروی ایران شکست خورد و به روسیه پناه برد. آلکسی، تزار جدید روسیه (۱۶۴۵-۱۶۷۶ م)، که احساسات دوستانه پدرش نسبت به ایران را نداشت، تحت تأثیر تحریکات و وسوسه‌های طهمورث‌خان قرار گرفت و سپاهی به داغستان فرستاد و قسمتی از آن ایالت را تصرف کرد. به دستور این تزار، که پدر پطر کبیر بود، قلعه و استحکامات نظامی در ساحل رودخانه قوین‌لو واقع در داغستان بنا شد.

شاه‌عباس، که نسبت به اقدامات تجاوزکارانه روس‌ها در برابر ایران و ساختن قلعه نظامی در داغستان بدگمان بود، به خسروخان، بیگلربیگی شیروان، دستور داد به این قلعه حمله و آن را ویران کند. او هم دستور شاه را اجرا کرد و کلیه استحکامات روس‌ها را با خاک یکسان کرد. تزار روسیه سفیری به نام روسکوفسکی به ایران فرستاد تا نسبت به این اقدام اعتراض کند. شاه‌عباس دوم سفیر را پذیرفت و استدلال کرد که چون این قلعه در خاک ایران بنا شده، بنابراین ایران در تخریب آن محق بوده است و به فاصله کوتاهی او را روانه کشورش کرد.^۱

به‌محض درگذشت شاه‌عباس دوم و جلوس شاه‌سلیمان در سال ۱۶۶۷ م، آلکسی درصدد برآمد نیاات تجاوزکارانه‌اش را اجرا کند، از همین رو مجدداً قزاق‌های نیمه‌وحشی ساحل دریای سیاه را تحریک کرد که به سواحل دریای مازندران حمله کنند. در سال ۱۶۶۸ م، ۶ هزار قزاق با چهار کشتی، که هرکدام به دو عراده توپ کوچک مجهز بود، در ساحل گیلان پیاده شدند و رشت را غارت کردند و با غنایم بسیار به قفقاز رفتند. در قفقاز با حاکم شماخی تماس گرفتند و اظهار کردند قصد دارند نمایندگانی به دربار ایران بفرستند. به راهنمایی حاکم شماخی، چهار نفر به نمایندگی استینکا رازین^۲ فرمانده قزاق‌ها، به اصفهان آمدند و تقاضای شرفیابی به حضور شاه‌سلیمان را کردند، ولی شاه آنان را نپذیرفت و شیخ علی‌خان زنگنه، صدراعظم خود را مأمور مذاکره با آنان کرد. نمایندگان قزاق اظهار کردند که از ظلم و ستم تزار به جان آمده‌اند و می‌خواهند تبعه ایران شوند و علت اینکه رشت را چپاول کرده‌اند بدرفتاری اهالی آن شهر نسبت به آنان بوده است.^۳

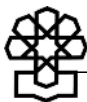
پطر کبیر و شاه‌سلطان حسین صفوی

روسیه از زمان تأسیس سلسله رومانوف توسط میشل رومانوف (۱۶۱۳-۱۶۴۵ م) دو استراتژی عمده را اجرا کرد. این دو سیاست که از زمان میشل آغاز شد و در دوره پطر کبیر، چهارمین تزار

۱. عبدالحسین نوایی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، تهران، نشر بنیاد فرهنگ، ۱۳۶۰، ص ۱۰۶.

2. Stinka Razine

۳. احمد تاج‌بخش، ایران در زمان صفویه، تبریز، ۱۳۴۰، صص ۹۵ - ۹۴.



از این خانواده، به اوج خود رسید عبارت است از:

۱. اعمال سیاست گسترش سرزمینی به منظور تصرف مناطق استعماری. این سیاست قبل از پتر در سمت شمال این کشور آغاز شده بود، ولی در دوره پتر استراتژی اساسی روسیه گردید. روسیه اعمال سیاست گسترش سرزمینی را از چهار جهت دنبال کرد: اول در قرن شانزدهم به سمت سیبری تا ولادی وستوک و سپس سلطه بر مغولستان و منچوری، دوم از سوی شمال با تعرض به خاک سوئد و نروژ که با چند سده جنگ همراه بود، سوم به جانب بالتیک که در واقع پنجره روسیه به اروپا بود، با هدف دسترسی به آب‌های آزاد (دریای سیاه و دریای مدیترانه) برای دستیابی به تجارت جهانی، چهارم پیشروی به سمت سواحل دریای مازندران و مرزهای ایران. این سیاست که از قرن شانزدهم آغاز شده بود تا قرن بیستم ادامه یافت و روسیه به بخش وسیعی از سیاست گسترش سرزمینی دست یافت و بزرگ‌ترین کشور جهان گردید.

۲. سیاست مدرن‌سازی روسیه. این سیاست، گرچه در زمان پتر وارد مرحله گسترده و اجرایی شد و به اوج خود رسید، از دوره آلکسی، فرزند میشل رومانوف، آغاز شده بود. آلکسی روسیه را از انزوای سیاسی خارج کرد. تعداد زیادی صنعتگر و مهندس از اروپا به کشور خود آورد، علوم، فلسفه و ادبیات اروپای غربی را رواج داد و طرز لباس پوشیدن اروپاییان را در مسکو متداول کرد.

پتر، برای نوسازی همه‌جانبه کشورش، در ۹ مه ۱۶۹۷م همراه هیئتی بلندپایه برای دیدار پیشرفت‌های اروپا، ابتدا وارد آلمان شد و سپس به هلند رفت. در هلند مدتی در کارخانه کشتی‌سازی به صورت ناشناس کار می‌کرد، بعد از هلند، چهارماه در انگلیس اقامت کرد و به صورت کارگر ساده در یک کارخانه کشتی‌سازی با طرز ساخت کشتی آشنا شد. در همین موقع هیئت‌های روسی در آلمان، هلند، انگلیس مشغول استخدام مهندس و تکنسین و خرید اسلحه و استخدام کارشناس نظامی بودند.

البته پتر هدف سیاسی مهمی را نیز در این سفر دنبال می‌کرد و آن برقراری یک اتحادیه نظامی علیه عثمانی بود. پتر در پایان سفر اروپایی‌اش در وین اقامت گزید تا حتی با اتریش علیه عثمانی متحد شود که هیچ‌کدام از دولت‌های اروپایی حاضر نشدند علیه عثمانی با هم متحد شوند. انگلیس حاضر نبود از یک طرف با تقویت بیش از حد پتر کبیر از روسیه یک غول قدرتمند نظامی، به‌ویژه در همسایگی ایران، بسازد و از سوی دیگر نمی‌خواست عثمانی را تضعیف کند، زیرا با حمایت پنهانی از عثمانی، خلیفه را تحریک می‌کرد تا هرازچندگاهی روسیه را تهدید کند. از جهت دیگر اروپا درگیر جنگ جانشینی اسپانیا علیه لویی چهاردهم بود، زیرا چنانچه لویی اسپانیا را به خاک خود ضمیمه می‌کرد، با احتساب متصرفات اسپانیا در اروپا و آمریکای لاتین، فرانسه به قدرت بزرگ و



بی‌رقیبی تبدیل می‌شد.^۱

پتر کبیر در بازگشت از اروپا به سرعت به تغییر لباس شهروندان و تحمیل آداب اجتماعی اروپایی دست زد و در سال ۱۶۹۹ م تقویم روسیه را به سبک اروپایی درآورد و با استخدام کارشناسان اروپایی، ارتش روسیه را متحدالشکل و مجهز به تسلیحات جدید کرد. او موفق شد با تصرف سرزمین‌های دریای بالتیک کشورش را با اروپا همسایه کند، پس از آن متوجه سواحل دریای مازندران و دست‌اندازی به مرزهای ایران شد.

در این دوره شاه‌سلطان حسین صفوی بر ایران حکومت می‌کرد، در این شرایط پتر که در اوج قدرت نظامی بود، بنیاد سیاست تجاوزکارانه به مرزهای ایران را پی‌ریزی کرد که حدود دو قرن و نیم، تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م، ادامه داشت. وی در سال ۱۷۰۸ م یک نفر ارامنی به نام اسرائیل اوری^۲ را، که به زبان فارسی و ترکی آشنایی داشت، به ایران فرستاد. اسرائیل مدتی در ایران به تجارت مشغول بود؛ زیرا در آن زمان بخش عمده بازرگانی ایران با اروپا از راه روسیه و عثمانی را ارامنه در دست داشتند.

هدف اصلی پتر از نزدیکی به ایران جدا کردن دو سرزمین مسیحی‌نشین گرجستان و ارمنستان از ایران و منضم کردن آنها به خاک روسیه — به دلیل تشابه مذهبی به کشور خود — بود. شاه‌سلطان حسین، برای جلوگیری از تجاوزات روسیه، هیئتی را با هدایایی گران‌بها به سن‌پترزبورگ فرستاد تا قرارداد صلحی با پتر امضا کنند. پتر از هیئت ایرانی اطلاعات دقیقی درباره اوضاع کلی داخل ایران به دست آورد و سپس سفیری به نام آرتمی ولینسکی^۳ را با اختیارات تام برای امضای عهدنامه، در ۲۵ مارس ۱۷۱۷ م عازم اصفهان کرد تا از نزدیک با وضعیت ایران آشنا شود. این سفیر موفق شد از ایران امتیازات گمرکی برای صدور کالاهای روسی به ایران اخذ کند. در همین سال نخستین کنسولگری روسیه در ایران تأسیس شد^۴ (احتمالاً این نخستین کنسولگری یک کشور خارجی در ایران بود).

تجاوز روسیه به ایران

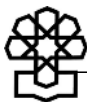
پس از شورش داخلی در ایران و هجوم شهروندان شورشی قندهار به اصفهان، هرج‌ومرج سراسر کشور را فرا گرفت، در این میان دو امپراتوری تزاری و عثمانی نیز تصمیم گرفتند از این خوان یغما بهره‌ای ببرند. امپراتوری عثمانی به دنبال محاصره وین در سال ۱۶۸۲ م و شکست در برابر ائتلاف سه‌گانه روس، اتریش و آلمان، مجبور شد با اتریش قرارداد صلح «پاسارویچ» را امضا کند. این

۱. بریان شانی‌نوف، پیشین، ص ۱۱۹.

۲. Israïl Ori

۳. Artemi. P. Volinski

۴. لورنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۶۷.



معاهده نقطه آغازی در بیرون کردن ترکان از اروپا بود. عثمانی به منظور جبران تحقیر حاصل از معاهده تصمیم گرفت سرزمین‌هایی را در غرب ایران تصاحب کند، به علاوه یکی از مواد قرارداد، عثمانی را مکلف کرده بود که راه تجارت میان ایران و اتریش را تعیین و امنیت آن را تضمین کند. باب عالی، به ظاهر برای تحقق این بند معاهده، سفیری به اصفهان فرستاد، ولی در باطن در پی مطالعه وضعیت ایران برای حمله بود.^۱

پتر نیز با امضای معاهده «نیشتاد» در اوت ۱۷۲۱ م با دولت سوئد، تقریباً به اهداف خود در اروپا دست یافته بود و اینک قصد داشت سیاست نگاه به شرق را با پیشروی به سوی دریای مازندران عملی کند. با اشغال ایران از سوی افغانه، شرایط برای تحقق امیال تزار مقتدر نیز فراهم آمده بود. پتر خود در سال ۱۷۲۲ م فرماندهی قشون روسیه را در حمله به ایران برعهده گرفت، یک هنگ سواره‌نظام به فرماندهی ژنرال «وترانی» نیز او را حمایت می‌کرد. نیروهای پتر در قفقاز با صدور اعلامیه‌ای به مردم گفتند که هیچ‌گونه قصد تصرف سرزمین ندارند و تنها هدفشان حفظ جان و مال اتباع روسی است. افراد پتر پادگان ایرانی داغستان را تصرف کردند.

پس از استعفای شاه سلطان حسین، فرزند سومش طهماسب، در قزوین، خود را پادشاه قانونی ایران اعلام کرد. محمود غلجایی سپاهی به قزوین فرستاد و طهماسب به تبریز فرار کرد و با استقبال مردم روبرو شد. محمود (افغان) نیرویی برای تصرف گیلان اعزام کرد. حاکم ایرانی گیلان از پتر تقاضای کمک کرد. تزار سیمون آورامف،^۲ کنسول روسیه در گیلان، را مأمور کرد تا در اصفهان با محمود افغان ملاقات کند و از او بخواهد طائفه لزگی داغستان را که سبب آزار و اذیت اتباع روسیه شده‌اند و همچنین خان‌خیوه را، که کاروان‌های روسی را غارت کرده است، تنبیه کند. محمود افغان به سفیر روس گفت که وی هیچ‌گونه نفوذی در این دو منطقه ندارد. این دقیقاً همان پاسخی بود که تزار منتظر آن بود، زیرا به تزار اجازه می‌داد به این بهانه‌ها دو منطقه را تصرف کند.

در سال ۱۷۲۳ م قشون روس با چند کشتی در بندر انزلی پیاده شده و گیلان را تصرف کرد. سپاه دیگری نیز باکو را گرفت. از جانب دیگر ترکان هم فرصت را غنیمت شمردند و برای آنکه در تصرف بخشی از ایران از روس‌ها عقب نیافتند و نیز راه پیشروی روس را به سمت جنوب و غرب ایران مسدود کنند، سفیری نزد تزار فرستادند و اعلام کردند که اگر قوای روس از دربند به طرف جنوب جلوتر بروند، این اقدام به منزله اعلام جنگ تلقی می‌شود. پتر کبیر که نمی‌خواست با ترکان درگیر شود، بخشی از نیروهای خود را در بیرون دربند گذاشت و به سن پترزبورگ بازگشت.^۳

۱. پتروشفسکی و دیگران، تاریخ ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، نشر پیام، ۱۳۵۴، ص ۵۸۹.

2. Simon Avramov

۳. محمدامین ریاحی، سفارت‌نامه‌های ایران (گزارش‌های مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران)، تهران، نشر طوس، ۱۳۶۸، ص ۵۹.



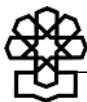
دوره افشاریه و زندیه

پیدایش «نادر» در صحنه سیاسی - نظامی ایران، محاسبه عثمانی‌ها و روس‌ها را در هم ریخت. نادر در آغاز عثمانی را درهم کوبید و بعد از آن متوجه روسیه شد. وی به روس‌ها اخطار کرد که نیروهای خود را از ایران بیرون برند. جانشینان پتر هم از بیم اینکه توان مقابله با ایران را نداشته باشند شبانه نیروهای خود را از گیلان و بخش‌های عمده قفقاز بیرون بردند. به دنبال اخطاری جدی‌تر از سوی نادر، روس‌ها بقیه سرزمین‌های اشغالی در قفقاز را نیز تخلیه کرده و به پشت مرزهای خود عقب نشستند.

پس از آنکه در زمان نادرشاه افشار، روس‌ها مناطق مازندران و گیلان و دیگر نواحی شمالی ایران را تخلیه کردند، به علت آشفتگی اوضاع داخلی روسیه پس از مرگ پتر تا روی کار آمدن کاترین دوم، برخورد نظامی شایان توجهی با ایران صورت نگرفت. لشکرکشی‌های نادر به قفقاز و قدرت‌نمایی وی در برابر روس‌ها آنها را برای مدت نیم‌قرن از فکر تجاوز به ایران بازداشت. قدرت‌نمایی کریم‌خان زند در برابر عثمانی نیز به روس‌ها یادآور کرد که فکر حمله به ایران ممکن است برای آنها بسیار گران تمام شود و از این رو روس‌ها به جای تقابل تصمیم به همراهی گرفتند و از این رو براساس اسناد و مدارک موجود هیئت‌های مختلف روسی وارد ایران شدند.

در سال ۱۱۸۰ هـ ق هیئتی به ریاست مستر اسکپ با هدایای بسیار از روسیه به ایران آمد. این هیئت یک‌ماه در دربار کریم‌خان اقامت کرد، سپس به روسیه بازگشت. همچنین در سال ۱۱۹۲ هـ ق سفیر دیگری از جانب روسیه به حضور کریم‌خان رسید و به وی پیشنهاد داد بر ضد دولت عثمانی با هم متحد شوند. در این زمان چون وکیل از قتل علی‌محمدخان زند در بصره سخت متأثر و آشفته بود، پیشنهاد روس‌ها را پذیرفت، اما به دلیل مرگ کریم‌خان این اتحاد سیاسی و نظامی به مرحله اجرا در نیامد.

در سال ۱۱۹۹ هـ ق پوتمکین ژنرال روسی، در اصفهان به حضور علی‌مرادخان زند رسید و تقاضای دولت روسیه را مبنی بر انحصار تجارت در گیلان و مازندران و اجازه احداث یک باب ساختمان در شهر دربند به اطلاع خان زند رساند. علی‌مرادخان به علت جنگ‌های داخلی و آشفتگی اوضاع با این درخواست موافقت کرد. در همین زمان دولت فرانسه نیز نماینده‌ای به نام فریر دو سوووف به منظور جلوگیری از گسترش تجارت روس‌ها در ایران به دربار فرستاد و با علی‌مرادخان به مذاکره پرداخت. از روابط ایران و روسیه بعد از علی‌مرادخان اطلاع چندانی در دست نیست، اما هرج‌ومرج اوضاع داخلی در زمان جعفرخان چنان بالا گرفت که میرزا محمد کلانتر در مقام مقایسه اوضاع ایران با روسیه آرزو می‌کند که کاش در ایران نیز مثل روسیه، زنی صاحب قدرت و حاکمیت می‌شد.



بخش دوم - ایران و روسیه از برآمدن قاجارها تا مرگ محمدشاه دوم

حافظه تاریخی مردم ایران به خصوص از زمان روی کار آمدن سلسله قاجار تصویری مثبت از روابط کشورمان با روسیه ندارد و خاطرات تلخی از سلطه استعماری و تلاشی که سیاستمداران روسی برای دست اندازی هرچه بیشتر بر منابع اقتصادی به کار بستند در ذهن جامعه ایرانی باقی مانده است. ایران در طول دوران قاجار عملاً دارای دو نوع رابطه با روسیه بود. این دو رابطه در سراسر دوره حضور تزارها ادامه داشت:

۱. دوره (سیاسی و نظامی) که تا انعقاد «معاهده ترکمانچای» (۱۸۲۸ م) ادامه داشت.
 ۲. دوره (سیاسی و اقتصادی) یا دوره مسالمت آمیز که از زمان عقد معاهده ترکمانچای تا انقلاب مشروطه ایران و اشغال تبریز به دست سپاهیان روسی به طول انجامید.^۱
- به طور کلی در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، روسیه با تمام امکانات خود تلاش می کرد با حفظ برتری اقتصادی، نفوذ سیاسی خود را نیز در ایران گسترش دهد تا به قلب تجارت و ثروت عظیم خلیج فارس و اقیانوس هند دست یابد. سلسله جنگ های ایران و روسیه در قرن نوزدهم که منجر به تحمیل عهدنامه های گلستان و ترکمانچای به ایران شد، بزرگ ترین ضربه نظامی، اقتصادی و سیاسی را در قرن نوزدهم بر استقلال ایران وارد کرد. ضربه های ناشی از این دو قرارداد بر استقلال ایران، فرصت لازم را برای سوءاستفاده انگلستان نیز فراهم ساخت.
- شکست لطفعلی خان زند از سپاه آقامحمدخان، به جابجایی قدرت در ایران منجر شد. در این جابجایی، تهران به عنوان پایتخت و با روی کار آمدن سلسله ای جدید گشایش تازه ای در روابط ایران و جهان پدیدار شد که تاریخ معاصر ایران از آن آغاز می شود.

جنگ در دوره محمدشاه اول

آقامحمدخان قاجار دو بار تاجگذاری کرد و به عنوان شاه ایران به تحدید حدود ایران و تثبیت اوضاع دست زد. در دوره او ایران دو بار به قفقاز لشکرکشی کرد تا امرای شورشی قفقاز را به اطاعت واداشته و ارتش روسیه را که بار دیگر در این مناطق پیشروی کرده بود، به عقب نشینی وادار کند.

آقامحمدخان در ۱۲۰۹ هـ ق/ ۱۷۹۵ م پس از آسودگی خیال از جانب زندیان و دیگر مدعیان برای رام کردن ابراهیم خان جوانشیر که حاکم قراباغ در قفقاز بود و دفع هراکلیوس (ارکلی دوم والی گرجستان) که با روس ها از در همکاری درآمده و بر پایه پیمان ۱۷۸۳ م (۱۱۹۷ هـ ق) سرپرستی آنان را پذیرفته بود، روانه قفقاز گردید. حاکم قراباغ پل ارس را ویران کرد تا سپاهیان

۱. محمود افشار یزدی، سیاست اروپا در ایران، ترجمه دهشیری، تهران، بنیاد، ۱۳۵۸، ص ۴۶۶.



قاجار نتوانند از آن بگذرند، اما به فرمان آقامحمدخان در دوماه پل مرمت شد و لشکریان بدان سوی رسیدند و با تاکتیک‌های نظامی حساب شده، پیشروی در سه جبهه آغاز گردید. سمت راست به سوی شیروان، سمت چپ به سوی ایروان و مرکز به سوی شوشا (یا شیشه، شوشی و پناه‌آباد) از قراباغ. پس از یک رشته نبردهای محلی در ایروان و شوشا و شیروان، شهر تفلیس گشوده شد (۱۲۰۹ هـ ق/۱۷۹۵ م).^۱

هرچند برخی از نویسندگان بر این باورند که آقامحمدشاه و سپاهیان ایرانی پس از تصرف تفلیس دست به کشتار مردم این شهر زدند، اما براساس اسناد و مدارکی که به تازگی کشف شده است، ارتش ایران هیچ دست‌اندازی‌ای به مردم شهر نداشت و پس از بازگشت ارتش ایران، این آراکلی فراری و سپاه روس همراه وی بودند که دست به تنبیه مردم شهر زده و آنها را به جرم همکاری و استقبال از ارتش ایران سرکوب کردند. آنها پس از این اقدام، آن را به نام ارتش ایران مشهور کرده تا راه را برای مقابله مردمی با سپاه ایران فراهم کنند.^۲

روس‌ها از پیش در فکر تسخیر قفقاز بودند و از این رو با حاکمان محلی پیوندها و پیمان‌های نهان و آشکار بسته، در برخی نقاط قوای نظامی مجهز مستقر کرده بودند. در نخستین حمله آقامحمدخان به تفلیس و قفقاز، حدود ۶۰۰۰ سرباز به فرماندهی سرهنگ گوداویچ در داغستان آماده بودند که هراکلیوس متواری از او کمک خواست. این فرمانده در برابر قدرت‌نمایی آقامحمدخان از دربار کاترین دوج اجازه خواست که به هراکلیوس یاری رساند. کاترین بر پایه پیمان خود با فرمانروای گرجستان اجازه داد. نیز سرداری ۲۲ ساله به نام زوبوف را با ۳۵۰۰۰ سپاهی روانه منطقه کرد. هر دو سپاه به دنبال پیروزی‌هایی در ناحیه رود ترک به هم پیوستند و حاکمان محلی را رام کردند و در بند، باکو، بخشی از طالش و شماخی و گنجه تسخیر شد. دسته‌ای از سپاه روس پس از عبور از جلگه شیروان وارد دشت مغان گشت و از رود ارس گذشت و آذربایجان را زیر فشار گذاشت. سپاه دیگر پس از اشغال لنکران از راه دریا، بندر انزلی و رشت و بخشی از گیلان را به زیر سیطره خود درآورد. در این وضع بسیار پیچیده، آقامحمدخان پس از احضار باباخان به تهران و دادن زمام امور شهر به میرزاشفیع مازندرانی و ابقای محمدخان قاجار دلولو در مقام بیگلربیگی تهران و دادن مسئولیت حفاظت شهر به او، خود در اواسط ذی‌قعدة ۱۲۱۱ هـ ق/مه ۱۷۹۷ م با لشکری مجهز عازم آذربایجان گشت. در این هنگام خبر درگذشت کاترین و

۱. سپهر محمدتقی لسان‌الملک، ناسخ‌التواریخ (بخش قاجار)، به کوشش محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامی، ۱۳۵۸ ق، ج ۱، صص ۷۱-۷۳.
۲. این مطلب را دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد استاد تاریخ دانشگاه تهران به نقل از یک سند انگلیسی بیان می‌کنند. به گفته ایشان جاسوسان انگلیسی که در گرجستان حضور داشته‌اند اتفاقات روی داده را به لندن گزارش می‌کرده‌اند که یکی از آنها نیز قتل‌عام مردم تفلیس به دست آراکلی و با تحریک روس‌ها بوده است.



جانشینی پسرش پل و فرمان عقب‌نشینی ارتش روس از سوی او رسید.^۱ آقامحمدشاه برای دفع روس‌ها و کنترل نهایی قفقاز به این منطقه لشکرکشی بزرگی انجام داد، اما سه روز پس از این لشکرکشی به دلیل خستگی که بر فراشان خلوت خود گرفته بود به شمشیر آنها کشته شد و عملاً لشکرکشی ایران به منطقه نیز ناکام ماند. مورخان بر این باورند در صورتی که آقامحمدشاه زنده می‌ماند، جنگ‌های ایران و روسیه به دلیل رشادت‌ها و نظامی‌گری خاص وی شکل دیگری به خود می‌گرفت و ایران می‌توانست از پس این تجاوزها بهتر و بیشتر برآید.

فتحعلی‌شاه و جنگ‌های بزرگ

دو دوره جنگ میان ایران و روسیه (۱۲۱۸-۱۲۲۸، ۱۸۰۳-۱۸۱۳ و ۱۲۴۱-۱۲۴۳، ۱۸۲۶-۱۸۲۸) بر سر تصرف منطقه قفقاز، که به شکست ایران و انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای انجامید. این جنگ‌ها از اثرگذارترین وقایع دو قرن اخیر ایران در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بودند. مهمترین علت این جنگ‌ها، سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه بود، سیاستی که از زمان پتر کبیر و با رشد سرمایه‌های تجاری روسیه شروع شد. سیاستمداران این کشور، برای پیشرفت، تسلط بر هند را شرط لازم می‌شمردند و از این رو، ایران و خلیج فارس به مثابه دروازه هند مورد توجه ایشان قرار گرفت. توسعه‌طلبی دولت روسیه همسنگ سیاست‌های استعماری دولت‌های اروپایی بود.^۲

مرگ کاترین هرچند تجاوزات روس‌ها به خاک ایران را به تأخیر انداخت، اما باعث نشد تا آنها اقدامات ضدایرانی خود را ادامه ندهند. در ۱۲۱۳-۱۷۹۸، گئورگی، حاکم گرجستان، از پل اول، جانشین کاترین، درخواست حمایت و اعزام نیرو کرد. در ۱۲۱۴-۱۷۹۹، سربازان روسی به تفلیس وارد شدند و مورد استقبال قرار گرفتند و گئورگی از بیم اسکندر میرزا، برادرش، که به دربار ایران پناهنده شده بود و مدعی تاج و تخت گرجستان بود، خود را تابع روسیه اعلام کرد.^۳ تزار روسیه سیسیانف یکی از ژنرال‌های خود را برای تصرف قفقاز فرستاد و او موفق شد شهرهای مختلف این منطقه را تصرف کند. سخت‌گیری‌هایی که توسط روس‌ها به همراه کشتارهایی که از اهالی مسلمان منطقه صورت می‌گرفت در دربار ایران شنیده می‌شد. این وضع برای مردم گرجستان دشوار شد و افراد ناراضی دست به دامان شاهان ایران شدند، شاه ایران هم به ندای آنان پاسخ داد و این اقدامات را تعرضی آشکار به متصرفات خود دانست.^۴ فتحعلی شاه از روسیه خواست که گرجستان

۱. سایکس سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۳۳ ه.ش، ج ۲، ص ۶۰.

۲. میوریل اتکین، روابط ایران و روس: ۱۷۸۰-۱۸۲۸، ترجمه محسن خادم، تهران ۱۳۸۲، ص ۲۸.

۳. عبدالرزاق بن نجفلی مفتون‌دنبلی، مآثر سلطانیه: تاریخ جنگ‌های اول ایران و روس، چاپ غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران ۱۳۸۳، ص ۱۷۹-۱۸۱.

۴. عبدالرضا مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵، ص ۳۰۵.



و گنجه را تخلیه کند، ولی با مخالفت آنان نخستین جنگ میان ایران و روسیه در گرفت.^۱

جنگ‌های دوره اول ایران و روس به مدت ده‌سال به طول انجامید و در نهایت به پیروزی روسیه منتهی شد، اما در طول این مدت ایرانیان نیز پیروزی‌هایی به دست آوردند. تعرض روس‌ها در شوال ۱۲۱۸ هـ.ق. به گنجه آغاز شد و مقاومت دلیرانه مردم توانست قوای روس را از تصرف گنجه منصرف کند، اما خیانت یکی از اطرافیان حاکم شهر به نام «نصیب‌بیگ شمس‌الدین لو» باعث شد، گنجه به دست روس‌ها بیافتد. بار دیگر در سال ۱۲۱۹ هـ.ق. «سیسائف» سپاه خود را به طرف «اوچ میادین» اعزام داشت و در نزدیکی «قصبه شوره گل» اردو زد. «عباس‌میرزا» توانست با رشادت و فداکاری سپاه روس را مجبور به عقب‌نشینی کند و با فرستادن نیروی کمکی از طرف فتحعلی‌شاه، عباس‌میرزا توانست سپاه روس را به طرف «تفلیس» به عقب براند. از جنگ‌های ۱۲۱۹ هـ.ق. نتیجه قطعی حاصل نشد و تنها آتش جنگ به مدت چهارماه خاموش شد و در سال ۱۲۲۰ هـ.ق. در «عسگران» نزدیک شوشی بین قوای روس و ایران جنگ شدیدی در گرفت و به شکست روس‌ها منتهی شد. قلعه شوشی به تصرف قوای ایران در آمد و روس‌ها تا «باکو» عقب نشستند. جنگ‌های تعرضی ایران در سال ۱۲۲۰ هـ.ق. قوای روس را چندین کیلومتر به طرف کوهستان قفقاز عقب راند و معابر شرق قفقاز به تصرف ایران در آمد، ولی در سال ۱۲۲۱ هـ.ق. به واسطه خیانت بعضی حکام قفقاز، سپاه روس مواضع سوق‌الجیشی خود را که از دست داه بود، دوباره تصرف کرد و بار دیگر میدان جنگ به ولایت «ایروان» منتقل شد.^۲

در همین ایام هیئت نظامی «ناپلئون» به ریاست «گاردان» وارد ایران شد. در سال ۱۲۲۳ هـ.ق. ناگهان روسیه جنگ را شروع کرد و قوای خود را به طرف ایروان حرکت داد که سواران «جلایر و افشار» شهر را نجات دادند و در این درگیری غنایم زیادی نصیب ایرانیان شد. هرچند تا سال ۱۲۲۶ هـ.ق. فتوحات دیگری نصیب ایرانیان شد، ولی معابر جنوبی و شرقی قفقاز به دست سپاه روس افتاد و راه پیشرفت را برای عباس‌میرزا بست. در سال ۱۲۲۷ هـ.ق. قوای روس دست به حمله عمومی زده و با هجوم به مواضع ارتش ایران در «اصلاندوز» شکست جبران‌ناپذیری به عباس‌میرزا وارد کردند.^۳

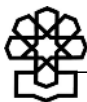
معاهده گلستان

دوره اول جنگ‌های ایران و روس هرچند با شجاعت و شهامت ارتش ایران موفقیت‌های فراوانی داشت و برخلاف آنچه که برخی از نویسندگان می‌گویند ایران هیچ‌گاه از نظر نظامی در جبهه جنگ

۱. پطروشفسکی، تاریخ ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، دنیا، بی‌تا، ص ۳۱۷.

۲. علی‌اصغر شمیم، ایران در دوره قاجار، تهران، افکار، ۱۳۷۴، چاپ چهارم، ص ۱۰۴.

۳. مفتون‌دنبلی، همان، صص ۲۳۱-۲۳۴.



شکست را به صورت کامل پذیرا نشد، اما این جبهه سیاسی بود که دربار ایران در آن کم آورد و با فشارهای سیاسی وارد شده از طرف‌های سیاسی خارجی به خصوص انگلیسی‌ها که دوست نداشتند ایران در این جنگ‌ها طرف پیروز باشد، شکست را با امضای معاهده‌های مختلف پذیرا شد. در آن زمان انگلستان به شدت نگران شده بود که مبادا ایران به یکباره به دست روس‌ها بیافتد. بنابراین فتحعلی‌شاه را برای انعقاد پیمان صلح تحت فشار قرار داد و فتحعلی‌شاه علیرغم مخالفت عباس‌میرزا و از روی اجبار با انعقاد صلح موافقت کرد، سرانجام دولت ایران و روسیه با میانجیگری انگلیس در سال ۱۲۲۸ ه.ق. «عهدنامه گلستان» را امضا کردند.

به موجب این عهدنامه ایران سهم بزرگی از سرزمین خود از جمله «گرجستان» و «ولایت ساحلی دریای سیاه»، «باکو»، «دربند»، «شیروان»، «قرباغ»، «گنجه»، «شکی»، «موقان»، «داغستان» و «قسمت علیای طالش» را به روسیه واگذار کرد. دولت ایران همچنین قبول کرد، هیچ کشوری غیر از روسیه نمی‌تواند در دریای خزر کشتی جنگی داشته باشد و شرایط کشتیرانی بازرگانی دو دولت را دریای خزر مشخص کرده و مساحت و حق داشتن نیروی دریایی در این دریا به اضافه یک سلسله مزایای گمرکی، منحصرأً به روسیه داده شد. در ضمن ایران طی این عهدنامه به دولت روسیه متعهد شد که عباس‌میرزا را برای به دست آوردن تاج و تخت کمک کند و دربار ایران از جانب روسیه تقویت شود.^۱

اما در این عهدنامه خط مرزی بین دو کشور صریحاً تعیین نشد، یعنی قرار شد نواحی‌ای که تا آن تاریخ به دست دولت ایران بود، متعلق به ایران بماند و نواحی دیگر که روس‌ها متصرف شده بودند به روسیه تعلق گرفت.^۲ تنها سود عهدنامه گلستان این بود که صلح موقت ناپایداری تا سیزده سال بعد، یعنی تا سال ۱۲۴۲ ه.ق. بین ایران و روسیه برقرار شد.

دولت ایران از این عهدنامه سرپیچی کرد و ادعا کرد که در این معامله فریب خورده است. پس از انعقاد این پیمان، دولت ایران «میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی» را به عنوان نماینده خود با هدایایی گران‌بها به دربار روسیه فرستاد تا برای باز پس گرفتن سرزمین‌های از دست رفته تلاش نماید، اما تلاش او بی نتیجه بود.

دور دوم جنگ‌های ایران و روس

بیدادگری‌ها و قتل‌عام‌های فجیعی که روس‌ها از مردم مسلمان و حتی شهروندان مسیحی مناطق متصرفی خود در طول دوران جنگ‌های اول و همچنین دوران فترت کردند به گونه‌ای بود که اعتراضات گسترده مردمی را در پی داشت. نظامیان روس که نه از نظر اخلاقی و نه از نظر سیاسی

۱. جمیل قوزانلو، جنگ ایران و روس، بی‌جا، شرکت مطبوعه مطبوع، صص ۲۲-۶۵.

۲. علیرضا امینی، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶.



پایبند به هیچ اصولی نبودند دست به غارت و کشتارهای وسیعی از مردم شهرها و روستا زده و به‌گونه‌ای عمل کردند که زمینه دور دوم جنگ‌ها را فراهم آورند.

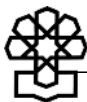
این جنگ‌ها در سال‌های ۱۲۴۱-۱۲۴۳، ۱۸۲۶-۱۸۲۸ شکل گرفت و به عهدنامه ترکمانچای انجامید. این جنگ‌ها به‌دلیل پاره‌ای علل سیاسی و اجتماعی به‌وجود آمدند. علل اجتماعی از هنگامی شکل گرفت که روس‌ها به‌عنوان دولت غالب بر مردم منطقه مسلط شدند. شیوه اداره آنها با شیوه سنتی اداره قفقاز در تضاد بود. حاکمان محلی منطقه قفقاز طی قرن‌ها نوعی استقلال داشتند و با پرداخت مالیات تابع شاهان ایران بودند و در حوزه حکومتی خود قدرت مطلقه داشتند و حکومت در خاندان آنان موروثی بود. از هنگامی که سرزمین‌هایشان اشغال شد، حقوق موروثی آنان از بین رفت و آنان تابع افسران روسی شدند، قدرت آنان تحت‌الشعاع زمامداران روسی قرار گرفت، عایدات املاکشان را از کف دادند و ترقی آنها در دستگاه دولتی روسی بسیار کم شد.^۱ در این میان حسین‌خان سردار، برای گریختن از محاسبات دیوانی، به بهانه استفاده ایلات گرجستان از یگین‌زمین (سرزمین آفتاب‌رو) که از مراتع دولت ایران بود، اختلاف بین دو دولت روس و ایران را زمینه‌سازی کرد حسینقلی‌خان بادکوبه‌ای، که در این زمان حاکم اردبیل و طوالش بود، تصرف محال آجارود را به‌وسیله روسیه، برخلاف مواد عهدنامه گلستان می‌شمرد و خان‌های قفقاز، که به آذربایجان مهاجرت کرده بودند، عباس‌میرزا و دربار را تحریک می‌کردند.^۲

تا پیش از اشغال، مسلمانان، قفقاز را اداره می‌کردند و موقعیت برتری داشتند، اما پس از اشغال، پایین‌تر از دیگر اقوام قرار گرفتند و به آداب و رسومشان توهین شد. علمای دین که پس از اشغال به موقعیت و نفوذشان آسیب وارد شده بود، به‌شدت از حکومت روس‌ها ناراضی بودند. خان‌های منطقه عریضه‌هایی تهیه می‌کردند و به مسلمانانی که به زیارت عتبات در عراق می‌رفتند می‌دادند تا علما و مجتهدان عراق و آذربایجان را از درد مسلمانان قفقاز آگاه کنند وضع دهقانان نیز بهبود نیافت، زیرا مأموران روسی افراد فاسدی بودند که اجحافات آنها به‌مراتب بیشتر از خان‌ها و حاکمان پیشین بود. این رفتارها به نارضایتی مردم انجامید که با انتقام‌جویی دولتمردان ایران نیز همراه بود.

از علت‌های سیاسی آغاز دوباره جنگ، ابهامات عهدنامه گلستان بود به‌علاوه، با جلوس نیکلای در روسیه، شورش‌های همگانی روی داد که خیر آنها به ایران رسید. دولت انگلیس که مترصد بود از نفوذ روس‌ها در ایران بکاهد، عباس‌میرزا را به حمله به روسیه تحریک کرد و حتی پیشنهاد

۱. جهانگیرمیرزا، تاریخ نو: شامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری، چاپ عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۲۷، ص ۵.

۲. همان، ص ۶.



پرداخت پول نیز داد.^۱

در این میان اخباری که از وضع مردم مسلمان قفقاز به کربلا رسیده بود، علما و در صدر آنان سیدمحمد مجاهد را بر آن داشت تا با تشکیل مجمع علما، علیه روس‌ها اعلام جهاد و شاه را مکلف به جهاد کنند^۲ انگلیس برای دفع نفوذ روزافزون روسیه از فرصت به‌دست آمده استفاده کرد. انگلیسی‌ها با فرمان فتحعلی‌شاه برای خان‌های مهاجر، که آنان را صاحب اختیار ولایات قدیم اعلام کرده بود، عازم ولایات اشغالی شدند. شورش از همه طرف برخاست. دربار ایران نیز با علما هم‌صدا شد و ۳۰۰ هزار تومان هزینه جهاد را پرداخت.^۳ مرحله اول از دوره دوم جنگ ایران و روس از دیحجه ۱۲۴۱ تا آخر محرم ۱۲۴۲ به طول انجامید. در این مرحله ایران تمام مناطقی را، که طبق عهدنامه گلستان به تصرف روس‌ها درآمده بود، از آنان پس گرفت،^۴ عباس‌میرزا به جمع‌آوری ایالات و اهالی گرجستان، شیروان و شکی پرداخت و خود به قره‌باغ رفت و قلعه شوشی را به محاصره درآورد، حاجی‌محمدخان دولو قاجار، بعد از تصرف قلعه گرمی، با چند سردار به لنکران حمله برد و لنکران را پس از چهارده سال، در شب تاسوعای ۱۲۴۲ از روس‌ها باز پس گرفت و غنایم و اسرای بسیاری به‌دست آورد در پی آن، قلعه سالیان نیز به تصرف سپاه ایران درآمد. حکومت طالبش به میرحسن‌خان داده شد. عباس‌میرزا، اغورلوخان، پسر حاکم گنجه، را برای فتح طالبش فرستاد. روس‌ها در شمکور شکست خوردند و به تفلیس گریختند.^۵

علما در محرم ۱۲۴۲، در عزاداری امام‌حسین (ع)، سربازان را به جهاد ترغیب می‌کردند. لشکریان فوج فوج نزد عباس‌میرزا می‌رفتند و خواستار جنگ می‌شدند و نایب‌السلطنه آنان را به صبر و آرامش دعوت می‌کرد، در این زمان پاسکوویچ فرمانده سپاه قفقاز شد. در ۲۸ صفر ۱۲۴۲، اردوی ایران و روس در برابر هم صف‌آرایی کردند. مرحله دوم این دوره از جنگ‌ها از صفر ۱۲۴۲ آغاز شد که به عقب‌نشینی و شکست ایران انجامید. عباس‌میرزا فرمان داد پسرانش که در جنگ شرکت داشتند، از محل درگیری کناره بگیرند ولی بی‌احتیاطی آنان در این کار سبب شد تا سپاهیان به تصور گریختن آنان، فرار و از گنجه تا ارس عقب‌نشینی کنند.^۶ ازسوی دیگر، حسن‌خان سارواصلان، مصطفی‌خان شیروانی و محمدحسین‌خان شکی دست به غارت زدند. عباس‌میرزا سپاه سه هزار نفری برای محافظت ایروان فرستاد و خود تا اوایل زمستان در کنار رود ارس ماند.

۱. فتح‌الله عبدالشرف، گوشه‌ای از مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در ایران در آغاز قرن نوزدهم، ترجمه غلامحسین متین، تهران، ۱۳۵۶، صص ۱۳۶-۱۳۸.

۲. جهانگیرمیرزا، تاریخ نو، همان، صص ۱۴-۱۵.

۳. فضل‌الله بن عبدالنبی خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، چاپ ناصر افشارفر، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۶۰۳، ۶۱۲-۶۱۷.

۴. خاوری شیرازی، همان.

۵. همان، صص ۶۲۰-۶۲۲.

۶. همان، صص ۶۲۶-۶۲۷.



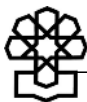
پس از آن سیف‌الملوک میرزا، حاکم قراچه‌داغ، را به حفظ و حراست معبرهای ارس گماشت و خود به تبریز رفت. سیف‌الملوک میرزا در انجام دادن وظیفه خود کوتاهی کرد و به قراچه‌داغ بازگشت و سپاه روس، به فرماندهی مددوف، از ارس گذشت. عباس میرزا برای مقابله با روس‌ها سپاه فرستاد و روس‌ها به قره‌باغ عقب‌نشینی کردند و اسلحه و توپخانه و آذوقه آنان به دست سپاه ایران افتاد^۱ از سوی دیگر، درباریان تهران با بیان اینکه عباس میرزا با روس‌ها سازش کرده است، شاه را به نایب‌السلطنه بدگمان ساختند و فتحعلی‌شاه به سرعت از تهران به خوی رفت. ولیعهد نیز به خدمت او رسید. در این هنگام پاسکویچ به پیشروی خود ادامه داد و قلعه عباس‌آباد و سردارآباد و ایروان را تصرف کرد، روس‌ها در ۱۲۴۳ قلعه ایروان را تصرف کردند سپس سپاه روسیه به سوی مرند و تبریز رهسپار شد. تصرف مرند به علت خیانت حاکم آنجا، نظرعلی‌خان یکانلو، رخ داد. او به فرمان عباس میرزا کشته شد و طایفه یکانلو، ساکن محال مرند، از اطاعت دولت ایران روی برتافتند. پاسکویچ تبریز را نیز در ۳ ربیع‌الآخر ۱۲۴۳، بدون مقاومت اهالی آنجا، تصرف کرد.^۲

معاهده ترکمانچای

دور دوم جنگ‌های ایران و روس هرچند با پیروزی‌های متعدد قوای ایران مواجه شد، اما عدم داشتن سازمان منظم نبرد و تکیه بر ایلات و طوایف که خیانت سران آنها را در پی داشت، باعث شد تا ارتش ایران نتواند از پیروزی‌هایی که در جنگ‌ها به دست آورده بهره‌برداری کند. تصرف تبریز و روانه شدن شاه به آذربایجان در هنگامی که او دیگر توان پرداخت هزینه‌های جنگ را نداشت باعث شد تا علیرغم میل باطنی عباس میرزا قراردادی چند ماده‌ای را با روس‌ها امضا کند که نه تنها سرنوشت ایران را در خود فرو برد، بلکه به باور بسیاری عامل عقب‌ماندگی و فلاکت ایران نیز شد. فتحعلی‌شاه با این استدلال که دیگر در خزانه پولی برای هزینه جنگ ندارد، براساس معاهده خانمان سوز ترکمانچای ده برابر هزینه یک جنگ را به عنوان غرامت به روس‌ها داد تا به باور برخی از مورخان هم از نفوذ بیش از اندازه علما که دستور شروع دور دوم جنگ‌ها را دادند مقابله کند، هم جاه‌طلبی‌هایی که برخی از درباریان به عباس میرزا نسبت می‌دادند. عامل سومی که در پذیرش معاهده ترکمانچای توسط فتحعلی‌شاه تأثیر داشت، نقش و دخالت گسترده سفارت انگلیس در تهران بود که با رساندن خود به مناطق جنگی نه تنها در راستای برنامه‌های روسیه گام برداشت، بلکه بیشتر آسیب و خسارت را از بابت دخالت‌های خود در این امر متوجه منافع ایران کرد. عهدنامه ترکمانچای در دو بخش سیاسی و بازرگانی، به ترتیب در ۱۶ و ۹ ماده، تنظیم شده

۱. جهانگیرمیرزا، همان، صص ۶۳-۶۴.

۲. همان، صص ۹۲-۹۳.



بود که هرکدام شرایط سنگینی را به مردم و حکومت ایران تحمیل می‌کرد. روس‌ها در عرصه سیاسی و اقتصادی دارای چنان امتیازاتی در ایران شدند که تا آن زمان از هیچ‌یک از همسایگان خود به‌دست نیاورده بودند.

محورهای اساسی بخش سیاسی عهدنامه ترکمانچای در مواد (۳)، (۴)، (۷)، (۸)، (۱۰) و (۱۳) آن آمده است. برطبق ماده (۳)، ناحیه و شهر مهم نخجوان و ایروان از ایران جدا و به روسیه واگذار شد. ماده (۴) به تعیین مرزهای ایران و روسیه اختصاص یافت و مجرای رود ارس سرحد دو کشور شد. طبق ماده (۷)، روس‌ها عباس‌میرزا را ولیعهد و جانشین مشروع شاه می‌دانستند. برطبق ماده (۸)، کشتی‌های تجاری روسیه همچنان از حق کشتیرانی آزاد در دریای خزر در طول کرانه‌های آن بهره‌مند بودند. این ماده، برای ایران در دریای خزر هیچ‌گونه حقی قائل نبود. ماده (۱۰)، بیشترین امتیاز را نصیب سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه تزاری می‌نمود. این ماده «استقرار و توسعه روابط بازرگانی را میان دو دولت یکی از محسنات بازگشت به صلح» می‌دانست و در پی آن، بر عقد قراردادی جداگانه در این زمینه تأکید داشت، به این‌صورت که ایران به روسیه حق می‌داد که هر نقطه‌ای را که سود بازرگانی آن کشور ایجاب می‌کرد، انتخاب کند تا از این طریق روسیه بتواند کانون‌های نمایندگی و کنسولی ایجاد کند. امتیاز روسیه در این ماده سبب شد که انگلیس، در به‌دست آوردن امتیازاتی در ایران، با روسیه به‌شدت رقابت کند که به انعقاد قرارداد بازرگانی ایران و انگلیس در ۱۲۵۷، در دوره محمدشاه، انجامید. ماده (۱۳) و برخی از موارد ماده (۱۴)، درباره اسیران و اتباع دو دولت بود که برطبق آن، ایران و روسیه باید در فرصتی چهارماهه، اسیران را به نمایندگان دو دولت تحویل می‌دادند.

در ماده (۱۳)، برای دخالت در شناسایی اسیران و اتباع دو دولت و استرداد آنان حقی نامحدود در نظر گرفته شده بود. با تکیه بر این ماده بود که یک‌سال پس از عقد عهدنامه، گریبایدوف به جستجوی گرجیان و ارمنیانی برآمد که به‌زعم وی باید به روسیه بازمی‌گشتند.

چنانچه ذکر شد، بخش دوم عهدنامه متضمن روابط تجاری ایران و روسیه بود که در ۹ ماده تنظیم و به قرارداد سیاسی منضم شد. این بخش، بیش از آنکه ناظر به گسترش تجارت روسیه و منافع سرمایه‌داری تجاری آن در ایران باشد، راه مطمئنی برای نفوذ روس‌ها و تحقق اهداف سیاسی آنان بود. محورهای اساسی این بخش از عهدنامه نیز مواد (۵)، (۶)، (۷) و (۸) بود که هرکدام امتیازات فراوانی به روسیه تزاری می‌داد. برطبق ماده (۵)، اتباع دولت روسیه می‌توانستند در ایران مسکن یا مرکز فروش بخرند یا اجاره کنند و مأموران دولت ایران، بدون اجازه وزیر مختار و کنسول روسیه، حق ورود به آنجا را نداشتند. ماده (۶)، ورود مایحتاج مأموران نمایندگی‌های روسیه به ایران را، بدون پرداخت عوارض گمرکی، مجاز می‌شمارد. همچنین، به اتباع



ایرانی در خدمت آنان، تا زمان خدمت، حقوقی برابر با اتباع روسیه داده می‌شد و در صورت وقوع و اثبات جرم، با رضایت وزیر مختار و کنسول، آنان را به محاکم ایرانی تحویل می‌دادند. در ماده (۷)، محاکمات و موارد اختلاف میان اتباع روسیه در ایران با قوانین روسیه حل و فصل می‌شد و اختلاف میان اتباع روسیه و ایران در صورتی به محاکم ایرانی ارجاع داده می‌شد که مترجمی از نمایندگی رسمی روسیه، با اجازه وزیر مختار یا کنسول روسیه، حضور داشت. ماده (۸) به سنگین‌ترین و مداخله‌جویانه‌ترین اقدام و در واقع نقض حاکمیت قضایی ایران، منتهی می‌شد. برطبق این ماده، در صورتی که اتباع روسیه قتل یا جنایتی مرتکب می‌شدند، قضاوت آن برعهده وزیر مختار، کاردار یا کنسول روسیه بود و محاکم ایران نمی‌توانستند آنان را تعقیب یا مجازات کنند. رسیدگی به این موارد، در صورت مدلل شدن جنایت، تنها در حضور نمایندگان کنسولی روسیه در ایران امکانپذیر بود. در صورت احراز تقصیر، محکوم به وزیر مختار یا کنسول امپراتور روسیه سپرده می‌شد تا در روسیه مجازات شود و این اولین امتیازی بود که روس‌ها را واداشت تا با تداوم جنایات خود در حق مردم و اتباع ایران، ادامه دهند.

با استناد به این ماده کاپیتولاسیون به ایران وارد شد و در ادامه دیگر کشورها از جمله انگلیس، فرانسه عثمانی و برخی از دیگر کشورهای کوچک مانند یونان نیز از آن برخوردار شدند. همین ماده بود که بعدها قتل گریبایدوف در تهران توسط مردم را رقم زد و دخالت‌های روسیه در امور داخلی ایران را به صورت بارزی درآورد.

تأثیر ترکمانچای بر جامعه ایران: معاهده ترکمانچای برای یک قرن ایران را زیر نفوذ روسیه برد، به صورت خلاصه تعهدات ایجاد شده برای ایران براساس این معاهده را می‌توان به این صورت برشمرد: به موجب فصل ششم این قرارداد باید مبلغ ده کرور تومان (بیست میلیون منات نقره) از طرف دولت ایران جهت جبران خسارت به روسیه واگذار گردد.

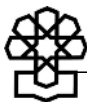
به موجب سایر فصول این عهدنامه توافقات ذیل بین دو طرف انجام می‌گیرد:

الف) اجازه عبور و مرور آزاد به کشتی‌های تجاری روسی در دریای خزر و در امتداد سواحل آن اعطا گردد.

ب) همه کسانی که در جنگ اسیر شده‌اند چه روسی و چه ایرانی، چه در جنگ اخیر و چه در جنگ سابق همچنین اتباع دو دولت که در هر مورد گرفتار شده‌اند به فاصله چهارماه آزادانه استرداد شوند.

ج) رضایت به انعقاد یک معاهده تجاری بین ایران و روس و حق اعزام کنسول و نمایندگان تجاری به هر منطقه از ایران که روس‌ها صلاح بدانند.

د) حمایت از ولیعهدی عباس میرزا و کوشش در به سلطنت رسانیدن وی پس از مرگ شاه



ایران از طرف روسیه.

(ه) اعطای حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) به روسیه.

این میزان از تعهدات درحالی بر مردم ایران تحمیل شد که کسی در آن دوره تبعات آن را مد نظر نداشت، روس‌ها موفق شدند برای صادرات کالاهای خود به ایران حق گمرکی اندکی را مد نظر قرار دهند که همین باعث فروپاشی اقتصاد سنتی و قدیمی و نیم بند ایران شد. درحالی که تولیدکنندگان ایرانی با مشکلات بسیاری جهت تولید مایحتاج داخلی روبرو بودند، ورود سیل آسای کالای روسی که از عوارض گمرکی کمی برخوردار بودند کمر تجار و تولیدکنندگان ایرانی را شکست.

بخش سوم - امتیازات روس‌ها در ایران

در طول نیمه دوم قرن نوزدهم که به عصر امتیازات معروف است، روس‌ها و انگلیسی‌ها در رقابتی تمام‌نشدنی تلاش کردند تا امتیازات مهمی را در ایران به دست آورند. در رقابت میان این دو قدرت همسایه، ایران چاره را در تعادل می‌دید و سعی می‌کرد با اختیار کردن راه میانه، هم هر دو قدرت را راضی نگه دارد و هم کشور را از دخالت‌های بیش از حد آنها نجات دهد. در این دوره طرفین امتیازات مهمی را به دست آوردند که به مهمترین امتیازاتی که روس‌ها در رقابت با انگلیسی‌ها به دست آوردند و تأثیر شگرفی بر جامعه و اقتصاد ایران داشت اشاره می‌شود:

امتیاز شیلات شمال

نخستین امتیاز مهمی که به اتباع روسیه داده شد امتیاز بهره‌برداری انحصاری صید ماهی در آب‌های ایران در دریای خزر بود^۱ که در زمان پادشاهان مختلف چندین بار تمدید شد. این امتیاز باعث از بین رفتن قدرت صیادان شمال کشور شد و عملاً آنها را وابسته به روس‌ها و تحت نظارت کارفرمایان روسی درآورد.

در زمان ناصرالدین‌شاه: در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی دولت روسیه تزاری با شتاب و اصرار از دولت ایران واگذاری قسمتی از سواحل دریای خزر و بهره‌برداری از آن را که طبق عهدنامه ترکمانچای حق دولت ایران شناخته شده بود خواستار گردید. حاج میرزا آقاسی بدون توجه به مسئله شیلات و صید ماهی و عواید سرشاری که از این بابت نصیب دولت ایران می‌شد، پس از اندکی مقاومت تسلیم شد و معروف است که در نامه‌ای که به‌عنوان موافقت نوشته اظهار

۱. علیرضا امینی و حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران از دوران قاجار تا رضاشاه، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲.



کرده است: «ما کام شیرین دولت را برای مشتی آب شور تلخ نمی‌کنیم».^۱ سرانجام امتیاز شیلات به امضای حاج‌میرزا آقاسی رسید، ولی محمدشاه آن را امضا نکرد و لذا اعتبار قانونی نداشت. دولت روسیه هم شیلات را به حاج‌میرزا ابوطالب دریابویی که در تبعیت دولت روسیه بود در سال به ۹۰ هزار تومان اجاره داد.

در زمان ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر، میرزا ابراهیم‌خان دریابویی از دولت تقاضا کرد شیلات دریای خزر را از قرار سالی ۹۰ هزار تومان به او اجاره دهد. امیرکبیر چون به بی‌اعتباری اجاره سابق وافق بود، سوابق امر را ندیده گرفت و شیلات را به‌طور رسمی به متقاضی جدید اجاره داد و به وزارت خارجه هم دستور داد که مراتب را به مقامات روسیه اطلاع دهد وزیر خارجه هم نامه‌ای به سفیر روس نوشت و موضوع را به آنها اطلاع داد.^۲

وزیر مختار روسیه خیلی تلاش کرد که امیرکبیر را از این تصمیم منصرف نماید، ولی امیرکبیر تصمیم خود را گرفته بود و به ادعاها و تقاضاهای او جواب‌های مناسب می‌داد، سرانجام سفارت روس که سند محکم قانونی در دست نداشت و مخالفت‌ها و کارشکنی‌های مردم ایران و مأمورین دولت، زمینه بهره‌برداری را خراب کرده بود ناچار به تسلیم شد و دست از اصرار برداشت و بدین طریق امتیاز شیلات دریای خزر به خود ایرانی‌ها برگشت.

اولین دفعه در زمان میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین‌شاه در سال ۱۸۷۶ م. شیلات به اجاره استپان لیانازوف واگذار گردید.^۳ پس از عزل سپهسالار، ناصرالدین‌شاه شیلات را به کامران میرزا نایب‌السلطنه فرزند خود واگذار کرد. نایب‌السلطنه هم برای مدت ۶ سال به استپان لیانازوف به اجاره واگذار کرد. این قرارداد در ۶ جمادی‌الثانی ۱۳۰۰ ه.ق (اوایل آوریل ۱۸۸۳ م) بین نایب‌السلطنه و میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه از یک طرف و لیانازوف از طرف دیگر منعقد گردید.^۴

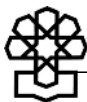
مفاد اجاره‌نامه: تمامی کل شیلات و صیادی ماهی به موعده ۶ سال کامل، به وجه هر سال مبلغ ۵۶ هزار تومان پول قرانی ایران محسوب نموده و پرداخت کنند. لیانازوف متعهد می‌شود، مبلغ ۵۶ هزار تومان پول قرانی رایج ایران در هر یک سال در دو قسط مساوی که عبارت از پانزدهم ژوئن و پانزدهم آگوست به وکلای دولت ایران در تهران رسانیده و اگر چنانچه اتفاقاً اجاره‌دار لیانازوف وجه اجاره را در موعده اقساط معینه نپردازد از برای هر قسطی از اقساط یک‌ماه مهلت داده خواهد شد، به شرط اینکه به جهت اوقات پس‌افتاده، تنزیل از قرار تومانی یکصد دینار در هر ماهی یعنی صدی دوازده در سال بپردازد.

۱. حسین مکی، زندگانی امیرکبیر، تهران، انتشارات سازمان چاپ محمدعلی علمی، ۱۳۳۷، ص ۱۴۲.

۲. همان، ص ۱۴۴.

۳. ایوانف م.س، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه کاظم انصاری، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۴، ص ۱۷.

۴. خانبابا بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، تهران، نشر علم، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۱۳.



کل اسباب و جمیع لوازم که برای عمل و مصارف صیادی شیلات حمل به داخل نموده و هر قدر جنس ماهی و متفرقه به صید آن به خارج حمل و نقل شود، مباشرین گمرک خانه‌های دولت ایران به هیچ وجه حق مطالبه وجه گمرک نخواهد داشت.

اگر فی‌مابین اجاره‌دار و دولت ایران اختلافی واقع شد، اجاره‌دار مذکور تعهد می‌کند که کسان آنها، اول به حکم دولت ایران رجوع نمایند. در صورت برهم‌خوردن هریک از فصول به غیر از فصل پنجم این قراردادنامه، هرکس از طرفین که اسباب برهم‌خوردن آن بشود، باید مبلغ یک‌صد هزار منات پول اسکناس روسی به طرف مقابل به رسم جریمه پرداخت شود. این امتیاز بعدها مرتباً تمدید شد و به پسر لیانازوف (ژرژ) اجاره داده شد و در سال ۱۳۱۱ ه.ق. تجدید شد.^۱

در زمان مظفرالدین‌شاه: در دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه امتیاز مزبور تجدید و تمدید شد (سال ۱۳۱۴ ه.ق.). در سال ۱۳۱۶ ه.ق لیانازوف فوت کرد و اموالش به ورثه او منتقل شد و قراردادهای او را وکلای آن امضا می‌کردند. در ۱۷ صفر ۱۳۲۴ ه.ق. (۳۰ مارس ۱۹۰۶ م.) بین عین‌الدوله و وکلای لیانازوفها قراردادی بسته شد برای مدت ۲۰ سال از قرار سالی ۱۶۰ هزار تومان به ایران بپردازد. در آن موقع که بار دیگر خزانه ایران تهی بود مظفرالدین‌شاه حق‌الامتیاز سه سال (۱۹۰۷، ۱۹۰۸ و ۱۹۱۰) را با کسر صدی ۶، یکجا دریافت کرد. فقط در ازای این پیش‌قسط‌های مال‌الاجاره شرط شد که دولت ایران بدون رضایت آنها حق نداشته باشد، قرارداد اجاره را لغو نماید.^۲

موقع انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ (۱۳۳۵ ه.ق) لیانازوفها نتوانستند ۴۶۰،۰۰۰ فرانک را برسانند و در تلگرافی به تجارتخانه طومانیانس در تهران اطلاع دادند تا به دولت ایران ابلاغ شود که حاضرند مال‌الاجاره سال ۱۳۳۶ را از قرار ۲۰ هزار لیره بپردازند. دولت جوابی به آنها نداد مجدداً توسط آن تجارتخانه اطلاع دادند که چون حمل پول طلا از روسیه ممنوع شده است قدری به آنها مهلت داده شود تا پول تهیه نمایند. مشارالملك وزیر مالیه در ۱۲ خردادماه ۱۲۹۷ قرارداد آنها را لغو کرد و دولت برای به‌دست آوردن طلب خود بعضی از مؤسسات آنها را در سواحل دریای خزر تصرف کرد و برای وصول مطالبات مردم از لیانازوفها تا یک‌سال اجاره داده نشد. بالاخره تا ۲۴ خردادماه ۱۲۹۸ به گریگور پطرویچ و انیتسف به ضمانت تجارتخانه طومانیانس شیلات را از ترک تا آستارا از قرار ۱ میلیون تومان برای پنج سال اجاره دادند، ولی او نتوانست شیلات را اداره کند لذا قرارداد خود را رها نموده به اروپا رفت دولت هم آن قرارداد را در ۱۳۰۰ ه. ش یعنی پس از دو سال ملغی ساخت.

لیانازوفها که به ادعای خود باقی بودند شکایت‌ها به دربار و مجلس و روزنامه‌ها می‌کردند تا

۱. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۴۵.

۲. همان، ص ۳۴۵.



بالاخره قرار به حکمیت شد. محکمه حکمیت در آبان‌ماه، ۱۳۰۱ در دیوان عالی تمیز تشکیل و بالاخره رأی دادند که دولت حق الغای قرارداد را نداشته است و از این تاریخ تا هشت سال دیگر شیلات متعلق به لیانازوف‌هاست و از بابت خساراتی که متوجه آنها شده هفت سال دیگر هم قرارداد تمدید شد و نیز حق دولت از عایدات خالص صدی پنجاه باشد. ضمناً در این موقع که ورثه لیانازوف به حد بلوغ رسیده بودند در ۶ نوامبر ۱۹۲۲ (۱۴ آبان‌ماه ۱۳۰۱) ماترک را بین خود تقسیم کردند. از این به بعد سفارت روس شروع به فعالیت کرد تا امتیاز شیلات را به دست آورد.^۱

زمان رضاشاه: دولت شوروی پس از انقلاب اکتبر در سال ۱۹۲۵ به محض خاتمه مدت امتیاز اقدام به مصادره اموال صاحبان امتیاز (ورثه لیانازوف) کرده و برطبق عهدنامه مودت ۱۹۲۱ حاضر نشده بود از حقوق خود در مورد شیلات صرفنظر کند، برای حفظ حقوق خود یک ناوچه توپدار هم در انزلی نگه داشته بود.^۲

اهمیت شیلات برای روس‌ها در ماده (۲۱) قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی (۸ اسفندماه ۱۲۹۹) چنین عنوان شده است: «دولت ایران وعده می‌دهد که در باب اعطای امتیاز شیلات با شرکت‌های مرکب از اتباع دولت ایران و روس داخل مذاکره شود و برای فروش و حمل و نقل ماهی به روسیه، موجبات تسهیل در قرارداد تجارتي و گمرکی را فراهم خواهد نمود».

سرانجام طبق قراردادی که بین ایران از یک طرف و اتحاد جماهیر شوروی از طرف دیگر در ۱ اکتبر ۱۹۲۷ (۹ مهرماه ۱۳۰۶) امضا شد و در ۳۰ مهرماه ۱۳۰۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید، رضاشاه با تأسیس شرکت ایران و شوروی به مدت ۲۵ سال موافقت کرد.

خلاصه مواد قرارداد شرکت ایران و شوروی: قرارداد مذکور بین علی‌نقی‌خان انصاری وزیر خارجه ایران و لومیخائیلویچ کارخان، قائم‌مقام کمیسر ملی امور خارجه شوروی در ۲۱ ماده مورد موافقت قرار گرفت بدین شرح:

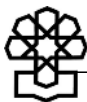
حدود شیلات که امتیاز آن به کمپانی واگذار می‌شود همان شیلاتی است که سابقاً امتیاز آن از طرف دولت ایران به برادران لیانازوف واگذار شده بود و دهانه رودخانه‌های سفیدرود، بابل در ولایت مشهد و رودخانه گرگان و شعبه آن قره‌سو از این قاعده مستثنا می‌شوند.

مدت قرارداد ۲۵ سال است و دولت ایران متعهد می‌شود که امتیاز شیلات را در صورت عدم تجدید امتیاز کمپانی در ظرف ۲۵ سال بعد به ممالک ثالث و اتباع آنها ندهد.

طرفین ایران و شوروی هرکدام در کمپانی سهم مساوی یعنی ۵۰ درصد خواهند داشت و تمام منفعت خالص صدی پنجاه قسمت خواهد شد.

۱. همان، صص ۳۴۶-۳۴۵.

۲. محمدعلی منشور گرگانی، رقابت روسیه و انگلیس در ایران، تهران، عطائی، ۱۳۶۸، صص ۲۸۵-۳۰۰.



هیئت‌مدیره مرکب از ۶ نفر هستند که سه نفر از طرف ایران و سه نفر از طرف شوروی برای مدت یک سال انتخاب می‌شوند که اقامتگاه آن تهران است و سمت ریاست هیئت‌مدیره از طرف دولت ایران انتخاب می‌شود و تصمیمات و مقررات هیئت‌مدیره به اکثریت آرا خواهد بود. دولت ایران قبول می‌کند که اراضی را که در حوزه امتیاز برای ابنیه شیلات و مؤسسات آن لازم است مجاناً به کمپانی واگذار کند.^۱

ارزیابی قرارداد شرکت ایران و شوروی: هرچند قرارداد شیلات شمال در طول دهه‌های متمادی در دست اتباع روسیه بود و در دوره قاجار به آنها واگذار شد، اما دامنه این امتیاز نیز مانند امتیاز نفت داری تا دوره معاصر کشیده شد و روس‌ها و سپس اتباع شوروی تا جایی که توانستند، از منابع دریای مازندران در سواحل غنی ایرانی آن بهره‌مند شدند. این امتیاز هرچند در مقایسه با دیگر امتیازات روسیه در ایران چندان بار مالی برای ایران دربر نداشت، اما صنعت صیادی شمال را تحت تأثیر خود قرار داد و زندگی سنتی آنها را تحت‌الشعاع برد. اصرار مقامات شوروی برای در دست داشتن این امتیاز پس از امضای قرارداد ۱۲۹۹-۱۹۲۱ نشان از اهمیت آن برای شوروی دارد. از این رو است که آنها حتی ناو توپدار خود را برای سال‌ها در بندر انزلی متوقف کرده تا از منافع این شرکت محافظت کنند و این دخالت مستقیم نظامی روسیه در ایران را می‌رساند.

بانک استقراضی روس و چپاول ثروت ملی ایران

در رقابت میان دو قدرت انگلیس و روسیه، هرکدام از طرفین تلاش داشتند تا امتیازات بیشتری را در ایران به دست آورند. از میان امتیازاتی که این دو رقیب در ایران به دست آوردند، هیچ‌کدام به اندازه بانک استقراضی روسیه و بانک شاهنشاهی انگلیس، امتیاز و نفوذ در ایران به دست نیاوردند. پرداختن به بانک استقراضی روسیه می‌تواند اهداف پشت پرده دولت تزاری روسیه برای تأمین منابع مالی طرح‌های توسعه‌طلبانه خود در ایران را از یکسو و دادن رشوه‌های آنچنانی به برخی از رجال و سیاستمداران ایرانی را روشن کند تا جایی که پادشاه ایران نیز از این بانک قرض گرفت و به جای آن گمرکات کشور را ودیعه گذاشت. رد پای این بانک را می‌توان در بیشتر معاملات و طرح‌های روسیه در کشور دید و با وجود آنکه در رقابت با بانک شاهنشاهی انگلیس توان رقابت مالی نداشت، اما با تزریق پول‌های هنگفت از طرف دولت روسیه این بانک همچنان خود را سرپا نگه داشته بود و به تجار و بازرگانان ایرانی وام‌های مختلف می‌داد و تلاش داشت تا آنها را به تابعیت روسیه درآورد.

اخذ امتیاز بانک: ناصرالدین‌شاه پس از سفر اول خود به اروپا در برابر سیاست روس و انگلیس

۱. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، همان، صص ۳۳۵-۳۴۲.



سیاست موازنه مثبت پیش گرفت و در برابر هر امتیازی که به یکی از مؤسسات یا اتباع یکی از آن دو کشور می‌داد، برای رفع اعتراضات و جلب رضایت دولت رقیب، امتیازی هم به یک مؤسسه یا تبعه دولت رقیب واگذار می‌شد.^۱

در این رقابت خانمانسوز، در ۱ شوال ۱۳۰۷ (۱ خردادماه ۱۲۶۹ یا مه ۱۸۹۰) یعنی حدود دو سال بعد از دادن امتیاز به رویترا، امتیاز تأسیس بانک استقراضی رهنی را برای مدت ۷۵ سال را به دو نفر از اتباع روسیه به نام‌های پولیاکف و رافالویچ دادند.^۲

پولیاکف بخشی از سهام را به سرمایه‌داران روسی و بلژیکی فروخت و مؤسسه، با سرمایه ابتدایی دو کروور و ۲۵۰ هزار منات مسکوک طلا تخمیناً معادل ۶۰۰ هزار تومان پول نقره ایران، شروع به کار کرد. تأسیس این مؤسسه در آغاز، هیچ حساسیتی در محافل مالی ایران و انگلیس ایجاد نکرد، زیرا اهدافش تجاری و محدود بود و در برابر پرداخت وام‌های کوچک، جواهرات و کالاهای بازرگانی و اثاثیه خانه را به گرو برمی‌داشت.

عملکرد بانک زیر نظر دولت روسیه: هرچند در میان سهام‌داران این بانک افراد غیرروس هم حضور داشتند، اما این باعث نشد تا به‌زودی سایه سنگین دولت روسیه بر این بانک دیده نشود و دستوراتی از کرم‌لین برای هدایت بانک صادر نشود. ارزش این امتیاز برای روسیه آنقدر زیاد بود که پس از شروع کار و تحکیم موقعیت آن، بانک دولتی سن‌پترزبورگ سهام آن را خرید و در سال ۱۸۹۸ م. (۱۳۱۵ هـ ق) آن را به‌صورت شعبه‌ای از وزارت دارایی امپراتوری روسیه درآورد.^۳ سرمایه بانک نامحدود بود و آنچه لازم داشت از وزارت دارایی و خزانه روسیه دریافت می‌کرد و در معاملات اقتصادی و تجاری رقیب سرسخت بانک شاهنشاهی گردید.

در پایان سال ۱۹۰۷ م، این بانک در تهران، تبریز، رشت، مشهد، شعبه‌ها و در قزوین و همدان، انزلی، ارومیه، اصفهان، سیستان و سبزواری نمایندگی‌هایی دایر کرد. در سال ۱۳۱۹ هـ ق. پس از وام‌خواهی دوم مظفرالدین‌شاه، امتیاز احداث راه‌آهن، جلفا به قزوین نیز به این بانک داده شد. البته این خط‌آهن تا تبریز بیشتر امتداد نیافت و مطابق قرارداد ۸ اسفندماه ۱۲۹۹ (مودت ۱۹۲۱ م) به دولت ایران واگذار شد.^۴

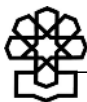
شعاع عمل این بانک به‌تدریج توسعه یافت و به دولت و پادشاه و شاهزادگان نیز وام می‌داد و بدین ترتیب علاوه بر آنکه از این طریق سود کلانی عاید بانک نمی‌شد، غالباً ضرر هم می‌داد، چون مقصود روس‌ها از تأسیس بانک استقراضی، توسعه نفوذ در ایران بود. مبالغ زیادی به درباریان و

۱. علی‌اکبر ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۳۲۵.

۲. غلامرضا علی بابایی، تاریخ سیاست خارجی ایران شاهنشاهی هخامنشی تا امروز، تهران، درس، ۱۳۷۵، ص ۱۵۵.

۳. علی‌رضا امینی، روابط خارجی ایران از قاجاریه تا سقوط رضاشاه، همان، ص ۱۳۹.

۴. علی‌اکبر ولایتی، همان، ص ۳۳۷.



اعیان و اربابان بانفوذ و علما قرض داد به نحوی که یک وقت وزارت دارایی روسیه متوجه شد که از ۳۰ میلیون منات سرمایه بانک بیش از ۳ میلیون باقی نمانده و بقیه وام داده شده است. بانک استقراضی هرچند همیشه اقدامات پرسود مالی انجام نداد ولی مع الوصف هدف سیاسی خود را که به خاطر آن تأسیس شده بود را به صورت عملی درآورد.^۱

اگرچه بانک استقراضی کار خود را با هدف معاملات رهنی آغاز کرد، در عمل، به امور مختلفی می پرداخت، از جمله، امتیاز انواع بیمه و حمل و نقل در ۱۳۰۹، امتیاز ساخت راه انزلی - قزوین در ۱۳۱۱، امتیاز ایجاد جاده تهران - همدان در ۱۳۱۴ و امتیاز ایجاد جاده تبریز - قزوین در ۱۳۱۹ را به دست آورد. از اهداف دیگر مدیران بانک استقراضی، ترویج کالاهای روسی در ایران و تهیه مواد مورد نیاز روسیه از ایران بود. این بانک با افزایش حجم بازرگانی بین دو کشور، می خواست معاملات ایران را در جهتی سوق دهد که مکمل اقتصاد روسیه باشد. بانک استقراضی در حقیقت، رقیب صرافان تبریز و مشهد بود که با روسیه دادوستد می کردند و تجارت خارجی آن نیز بیشتر با کشورهای اروپای شرقی بود، ولی چون هدف عمده فعالیت های آن سیاسی بود، نه اقتصادی، برای صرافان این مناطق خطری ایجاد نمی کرد.

روسیه نه تنها در برابر شاه و وزیران رشوه خوار او خوش خدمتی نشان می داد، بلکه خواست حُسن نیت همه را به خود معطوف دارد، به بانک استقراضی دستور داد همان حسن نظر و بذل و بخشش را که در حق شاه دارد به عموم نیز نشان دهد تا بدین ترتیب بانک انگلیس را از فعالیت های تجاری در ایران دور کنند و هم جانشین بانک شاهنشاهی در معاملات افراد گردد. بانک استقراضی در مورد تنزیل و ربح بروات تجاری و وام ها از بعضی جهات کمتر از بانک شاهنشاهی سخت گیر بود چنانچه روس ها در جمیع بازارها به خوش خدمتی و بی غرضی شهرت یافتند.^۲

بانک استقراضی علاوه بر این به معاملات تجاری، دادن امتیازات ملکی و امور رهنی نیز پرداخت و از برکت وام هایی که می داد و در مقابل آن وثیقه ای که به گرو می گرفت، مالک بسیاری از مستغلات گردید. قریب ۴۵ میلیون روبل به ایرانیان قرض داد و در مقابل گروه های ملکی گرفت. بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی سخت با یکدیگر رقابت می نمودند و با آنکه بانک شاهنشاهی امتیاز انحصاری بسیار گران بهای انتشار اسکناس را داشت، نمی توانست به آسانی در برابر اقداماتی که بانک استقراضی علیه آن می کرد، مقاومت کند. به همین جهت رئیس بانک شاهنشاهی اصرار می ورزید که دولت انگلستان اکثریت سهم بانک استقراضی را بخرد ولی این اصرار به جایی نرسید. رفتارهای بانک در قبال دولت ایران: بانک استقراضی در مقابل مشکل مالی دولت ایران و

۱. ابوالفضل لسانی، طلای سیاه یا بلای ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۴۱.

۲. علی رضا امینی و حبیب الله ابوالحسن شیرازی، همان، ص ۱۳۵.



استقراض دولت از آن، در زمان‌های مختلف، رفتارهای متفاوتی داشت، به‌هنگام لغو قرارداد تالبوت، که دولت دچار کسری مالی شد و بحران اقتصادی ادامه یافت، بانک استقراضی در ۱۳۱۸/۱۹۰۰، برای پیروزی بر رقیب (دولت بریتانیا و بانک شاهنشاهی)، وامی به مبلغ ۲۲،۵۰۰،۰۰۰ منات، با بهره ۵ درصد به مدت هفتادوپنج سال، در ازای عایدات گمرکات شمال، به دولت ایران تأدیه کرد، با این شرط که بانک پس از برداشت اقساط طلب خود از عواید گمرکات، باقیمانده آن را در ۶ ماه به دولت ایران بازگرداند و اگر گمرکات در پرداخت اقساط وام تأخیر کند، بانک مختار است که بر کار آن نظارت یا در آن مداخله کند. درخواست قرضه بعدی دولت ایران، در ۱۳۲۰/۱۹۰۲، به مبلغ ده میلیون روبل به وثیقه گمرکات شمال، با همان شرایط وام پیشین بود.

پس از انعقاد قرارداد ۱۳۲۵-۱۹۰۷ بین دولت‌های روسیه و انگلیس، این دو دولت در زمینه مالی به تبادل نظر دوستانه‌ای پرداختند و قرار گذاشتند که منابع پرداخت قروض را زیر نظر خود درآورند. با ادامه بحران مالی در ۱۳۲۸-۱۹۱۰ دولت ایران ناگزیر، تقاضای قرضه جدیدی از انگلیس و روس کرد، اما به‌دلیل تغییر سیاست دولت روسیه و بانک استقراضی که مبنی بر سهولت پرداخت وام بود، با پرداخت این وام مخالفت شد، تا این کشور از این راه بتواند به حضور نیروهای خود در شمال ایران ادامه دهد و دولت مشروطه ایران را زیر فشار سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار دهد و فقط زمانی دست از لجاج برداشت که دولت نوپای مشروطه حاضر شد وام‌های گذشته را به قرضی با بهره ۷ درصد تبدیل کند و مدت پرداخت نیز به پانزده سال تقلیل یابد. براساس قرارداد جدید، کلیه عایدات گمرک شمال در بانک استقراضی شعبه تهران باقی می‌ماند و بانک سالیانه دوبار با دولت تصفیه حساب می‌کرد.^۱ به‌علاوه، قرار شد که بانک استقراضی از بابت عایدات گمرک شمال، هزینه‌های متفرقه، قشون دولتی، مواجب ناصرالملک و شاپشال و اسمیرنوف و دربار و دولت را پرداخت کند.

دریافت قرضه‌های پیاپی از بانک استقراضی روسیه، سبب شد که دولت روسیه، در امور جزئی و خصوصی دولت ایران، به‌خود اجازه مداخله را بدهد، چنان‌که پس از شکست محمدعلی‌شاه، با آنکه دولت مشروطه دستور اخراج شاه مخلوع را داده بود، روسیه به بهانه بدهکاری شاه به بانک استقراضی از خروج او ممانعت کرد و دولت ایران را به پرداخت قروض شاه، در ازای تصرف املاک او مکلف کرد. همچنین دولت را واداشت تا مقرری سالیانه شاه به صد هزار تومان ارتقا یابد. مورگان شوستر پس از استخدام شدن به سمت خزانه‌داری کل کشور، بر اثر اخلاص‌های دولت روسیه در اقدامات او اخراج شد. شوستر، نحوه دریافت اقساط قرضه، نحوه تصفیه حساب بانک با دولت ایران - که با منات انجام می‌شد - تعیین نرخ برابری ریال و منات را که به‌عهده بانک

۱. ویلیام مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، ۱۳۵۱، ص ۳۲۴.



استقراضی بود، بررسی کرد.^۱ وسواس‌های او در امور مالی بانک، برای دولت روسیه خوشایند نبود و هنگامی که شوستر تصمیم گرفت املاک شعاع‌السلطنه را - که مبلغ ۲۲۵،۰۰۰ دلار به دولت بدهکار بود - مصادره کند، بانک، با ادعای اینکه املاک او را در گرو دارد، در برابر اقدامات شوستر ایستادگی کرد، اما نتوانست خزانه‌داری را از تصرف باغ شعاع‌السلطنه بازدارد. مخالفت شوستر با نظارت بانک بر نحوه مصرف قرضه چهار میلیون لیره‌ای، که بنا بود روس و انگلیس به ایران بدهند، بر اختلاف او و بانک استقراضی دامن زد و بر اثر اعمال نفوذ روسیه، مورگان شوستر از کار برکنار شد.

سیاست‌های توسعه‌طلبی بانک ادامه داشت تا آنکه پس از سقوط حکومت تزاری، به موجب ماده (۱۹) عهدنامه ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی، بانک استقراضی روس به ملت ایران واگذار و قرار شد که فقط ریزنی‌های (کنسولگری‌ها) شوروی، با اجازه دولت ایران، از ابنیه و عمارات و سایر ملزومات آن، استفاده کنند و در زمان عقد آن، از کل دارایی بانک تنها ۷۶/۰۵ قران در صندوق موجود بود. این بانک، پس از واگذاری به دولت ایران، بانک ایران نام گرفت و از آن پس، کوشش متصدیان آن صرف تصفیه محاسبات شد و بالاخره در ۱۳۱۲ ه. ش، به موجب اجازه تأسیس بانک فلاحتی و صنعتی (بانک کشاورزی ایران)، به دلیل فقدان سرمایه نقدی و مشکلات زیاد در وصول مطالبات، بانک ایران ضمیمه بانک کشاورزی ایران شد.

بانک استقراضی در اقدامات اقتصادی موفق نبود، زیرا تمام سرمایه‌اش به املاک و مستغلاتی تبدیل شده بود که از طریق رهن به تصرف درآورده بود و در نتیجه سرمایه‌اش رو به نقصان می‌رفت و به سبب درگیری دائمی با مردم، از مقبولیت عامه نیز بی‌بهره بود، اما با تصرف بسیاری از املاک و مستغلات دولتمردان ایران و تجار، نفوذ بسیاری در کشور برای خود به دست آورده بود.

میراثی که بانک استقراضی برای دولت ایران برجای گذاشت بسیار سنگین بود. به گونه‌ای که حتی پس از تأسیس بانک ایران و پیوستن آن به بانک کشاورزی، وصول مطالبات بسیار سخت شده بود. یک قسمت از بدهکاران بانک به مرور ایام، فوت یا ورشکسته شده بودند عده‌ای دیگر هم قبلاً املاک خود را به موجب نوشته‌های شرعی یا تعهدنامه‌ها ضامن تأمین بدهی خود قرار داده بودند، قسمتی از آن املاک مورد اختلاف و قسمت دیگر هم غیرقابل استفاده و به طور کلی وضعیت املاک در رهن بانک مجهول بود. قسمت دیگری از مطالبات بانک مربوط به معامله مال‌التجاره بود که اغلب بدهکاران نسبت به معامله با بانک معترض بودند و خود را طلبکار هم می‌دانستند. بعضی از آنها نیز نسبت به اسناد خود که در بانک ضبط بود، دعوی جعلیت و یا بی‌اطلاعی می‌کردند. از سوی دیگر بانک ایران خود نیز به افرادی بدهکار بود و همیشه از جانب آنان تحت فشار قرار داشت تا بدهی‌هایش را



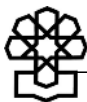
تصویه کند. این بانک که با بدهی‌های هنگفت تحویل دولت ایران شده بود، در این زمینه چنان مستأصل بود که حتی توان پرداخت وجه آب مصرفی خود را هم به اداره بلدیة نداشت. این درحالی بود که در مورد میزان مطالبات و بدهی‌های بانک، بین بدهکاران و طلبکاران با بانک اختلاف نظر شدید موجود بود. به‌منظور رفع این اختلاف‌ها کمیسیون‌های متعددی با شرکت نمایندگان وزارتخانه‌ها و بدهکاران و طلبکاران بانک تشکیل شد، اما نتیجه چندان از آنها حاصل نشد و چنان‌که از اسناد به‌جامانده از آن دوران برمی‌آید، پس از سال ۱۳۱۲ ه. ش که بانک ایران ضمیمه بانک کشاورزی، پیشه و هنر شد و حتی تا پایان دهه ۱۳۲۰ هنوز این اختلافات ادامه داشت.^۱

معاهده آخال

روس‌ها در ادامه توسعه مناطق تحت نفوذ خود در آسیای میانه طی لشکرکشی‌های متعدد خود را به این منطقه آغاز کردند. هدف تزارهای روس از این اقدام در دو مورد مهم نهفته بود، اول نزدیک شدن به سرزمین‌های تحت تصرف انگلیسی‌ها در شبه قاره هند و دیگر نیز توسعه متصرفات خود در آسیای میانه و به تعبیر خود گوشمالی دادن اقوام شورشی و طغیانگر این منطقه. روس‌ها برای کنترل این منطقه سرانجام دولت ایران را مجبور به امضای معاهده‌ای کردند که هرچند به اندازه ترکمانچای و گلستان خونین نبوده است، اما پرواضح است که در پی این معاهده سرزمین‌های بسیاری از ایران بدون هیچ‌گونه درگیری نظامی از ایران جدا و به خاک تزارها منضم شد.

از زمان سلطنت فتحعلی‌شاه، خوانین بخارا، مرو، خوارزم و سایر نواحی ترکستان تابع دولت ایران بودند و شاه فرمان حکومت آن نواحی را برایشان صادر می‌کرد، ایران نسبت به آن ناحیه حاکمیت صوری داشت. بعد از شکست‌های ایران از روسیه و تضعیف دولت مرکزی، نفوذ ایران در بعضی مناطق از جمله ماوراءالنهر و ترکستان کاهش یافت. خوانین خودمختار شده و دیگر توجهی به ایران نمی‌کردند. ترکتازی و قتل و غارتی که امرای ترکمان به همراه زورگویی مرزداران روسیه آرامش مردمان این ناحیه را سلب کرد، به همین علت بسیاری از مردم برای رهایی از این آشفته بازار به نواحی داخلی پناهنده شدند. در سال ۱۲۴۸ ه. ق، عباس‌میرزا توانست با کمک فرزندش خسرومیرزا تا حدودی آرامش را در این منطقه برقرار کند، آنها قلعه ترشیز، قوچان و سرخس را تصرف کردند. با فتح سرخس ترکمن‌ها تارومار شدند و چند هزار ایرانی دربند آزاد شد و خان خیوه که دیگر متحدی نداشت تسلیم ایران شد و خراجگذاری را پذیرفت. با فوت عباس‌میرزا و فتحعلی‌شاه، ترکمن‌های حوالی خراسان و استرآباد تجاوزات و شرارت‌های سابق را از سرگرفتند و به کاروان‌ها و مسافران دستبرد زده و آنان را به اسارت و بردگی می‌بردند. دولت ایران

۱. علیرضا اسماعیلی، اسنادی از اختلاف دعوی بانک ایران (بانک استقراضی)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۶.



نمی‌توانست به راحتی به این آشوب‌ها پایان دهد، زیرا هرگاه ترکمانان با قوای ایرانی روبرو می‌شدند و شکست می‌خوردند به پناهگاه‌های خود در دریای خزر روی می‌آوردند و این‌گونه از دست نیروهای دولتی رهایی می‌یافتند. برطبق عهدنامه ترکمانچای، ایران از کشتیرانی در خزر محروم بود به همین جهت به روس‌ها متوسل شد تا چند ناو جنگی به مدت ۱۵ روز در اختیار اردشیرمیرزا که از سوی محمدشاه مأمور سرکوبی ترکمانان شده بود قرار دهد. روس‌ها با این پیشنهاد موافقت کردند، اما چون نمی‌خواستند قدرت ایران در منطقه تقویت شود در اعزام کشتی‌تعلل ورزیدند تا بعد از تحلیل رفتن قوای ایران خودشان شورشیان را سرکوب کنند و موفقیت به نام آنان ثبت شود. پیش از آنکه روس‌ها به خلیج حسنقلی برسند اردشیرمیرزا موفق شد ترکمانان را سرکوب کند و منطقه را از شر آنها آسوده کند. فرماندهان روسی نه تنها هیچ کمکی به ایران نکردند حتی باب مراوده با سران ترکمن را باز کردند. در سال ۱۲۵۶ هـ. ق. دسته‌ای از کشتی‌های روس به بهانه جلوگیری از آشوب و ترکتازی ترکمن‌ها دست‌اندازی به سواحل خزر را آغاز کردند، جزیره آشوراده را اشغال و آن را مقر دریایی خود قرار دادند و پایگاه نظامی در جزیره تأسیس کردند. هرچند ایران به این اقدام اعتراض کرد، اما روسیه به آن توجهی نکرد و حتی به حاکم مازندران هشدار داد که از تحریک بومیان جزیره علیه اشغالگران خودداری نماید.

در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه، امیرکبیر صدراعظم با کفایت و اصلاح‌طلب تصمیم گرفت از طریق دوستی امرای خوارزم را که همواره مایل به تبعیت از دولت ایران بودند و تا زمان فتحعلی‌شاه هم از ایران تبعیت می‌کردند مطیع و فرمانبردار دولت مرکزی نماید. به همین منظور رضاقلی‌خان هدایت را برای ملاقات و مذاکره با محمدامین‌خان حاکم خیوه فرستاد، اما با قتل نابهنگام امیرکبیر این مأموریت نتیجه‌ای به همراه نداشت. در دوره صدارت آقاخان نوری نه تنها اقدامی جهت حفظ این مناطق صورت نگرفت، بلکه با اقدامات نسنجیده ایران را درگیر مسائل دیگری کرد که جدایی افغانستان مهمترین دستاوردش بود، اما اتفاق مهم دیگری که به زیان ایران تمام شد شکست روسیه در جنگ کریمه از فرانسه و انگلستان بود. تزار روس به این نکته پی برد که توسعه‌طلبی در غرب با موانع جدی روبرو است و شرق فرصت و امکانات بیشتری در اختیارش قرار می‌دهد. چنان‌که پیش از این در معاهده گلستان ۱۲۲۸ هـ. ق. و ترکمانچای ۱۲۴۳ هـ. ق. موفق شدند قسمت‌های وسیعی از خاک ایران را جدا کنند.

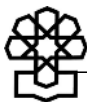
منطقه شرق خزر به محل منازعه ایران و روسیه تبدیل شد، دولت ایران با آنکه توانایی لازم را نداشت، اما نمی‌خواست به راحتی این قسمت را از دست بدهد. در سال ۱۲۷۰ پس از ناکامی ناصرالدین‌شاه در افغانستان و واگذاری آن منطقه به انگلستان درصدد برآمد به شورش‌های ترکستان پایان دهد. سلطان مرادمیرزا حاکم خراسان، سران ایلات یاغی را دستگیر و مرو را



تصرف کرد، محمدامین‌خان عامل اصلی ناآرامی‌ها در درگیری‌ها کشته شد، اما این موفقیت دوام چندانی نیاورد، حمزه‌میرزا جانشین سلطان مراد فاقد توانایی سلف خود بود به همین علت با قوام‌الدوله وزیر خراسان بر سر نوع برخورد با ترکمان‌ها اختلاف پیدا کرد، سران ترکمن از این فرصت بهره بردند و سپاه ایران در مرو شکست فاحشی خورد و متلاشی شد و مرو به دست تراکه افتاد. این آخرین زورآزمایی نظامی برای بازپس‌گیری منطقه بود. با وجود شکست، ایرانیان هدف مطیع ساختن ترکمن‌ها را ادامه دادند. میرزا حسین‌خان سپهسالار برای آخرین بار به تلاش‌هایی دیپلماتیک در این زمینه دست زد. او حاج میرزا رضی‌خان معظم‌الملک را مخفیانه به مرو فرستاد، پس از گفتگوهای مفصل ترکمن‌ها حاضر به تمکین از ایران شدند و حاکمی بر شهر مرو گماشته شد و ترکمن‌ها موافقت کردند ۲۰ نفر از سران را برای مذاکره و عقد قرارداد به دربار بفرستند. روس‌ها از این قضیه آگاه شدند و با تلاش بسیار مانع سفر سران به تهران شدند.

روسیه از ضعف ایران و گرفتاری انگلستان در شورش‌های هند نهایت بهره را برد، زیرا میدان را خالی از رقیب می‌دید، ابتدا ترکمن‌ها را تحریک به شورش علیه ایران کرد و سپس ماشین جنگی خود را به کار انداخت و به بی‌نظمی و هرج و مرج در منطقه پایان داد. در سال ۱۲۷۲ ژنرال کلو خوسکو هزار قشون خورقندی را در محل اوزون آقاج شکست داد و قلعه مستحکم آن به نام توقماق قلعه را تصرف کرد و قلعه نظامی قازالارا در ساحل سیحون برای نظامیان روس برپا کرد. این پیشروی موجب هراس انگلستان شد، بنابراین درصدد برآمد پیشروی را محدود کرده و از دست‌اندازی روسیه به افغانستان که طبعاً تهدیدی برای هند بود جلوگیری کند. پس از مذاکرات مفصل که بین لرد گرانویل و پرنس گورچاکف صورت گرفت دو کشور با هم توافقاتی کردند که طبق یکی از بندهای آن روسیه متعهد شد که از رود جیحون عبور نکرده و از هرگونه اعمال نفوذ در افغانستان خودداری نماید. بدیهی است که این توافق هم هیچ نفعی برای ایران نداشت. روسیه به تعهدات خود عمل نکرد و برای تثبیت موقعیتش در منطقه خط‌آهن کشید تا به راحتی نیروهای خود را جابجا کند.

ژنرال کافمان از طرف تزار به فرمانروایی آسیای میانه منصوب شد و لشکرکشی‌ها را با جدیت پیش برد. لازارف توسعه‌طلبی‌ها را ادامه داد و تا آغاز دهه ۱۲۹۰ هـ. ق. شهرهای بخارا، سمرقند، تاشکند، خیوه و مرو به‌طور کامل به تصرف روسیه درآمد و این‌گونه سرزمین و کرانه آمودریا و اراضی شمالی رود اترک از حاکمیت ایران خارج شد. اسکولف فرمانده روسی در سال ۱۲۹۸ گوگ‌ثیه آخرین پایگاه ترکمان‌ها را اشغال کرد و با خشونت تمام تکه‌ها را سرکوب کرد تا به جنگ و گریز و جنگ‌های نامنظم ترکمانان که صدمه زیادی هم به روس‌ها وارد کردند، پایان داده شود. ناصرالدین‌شاه از اینکه به ناامنی‌ها پایان داده شد خوشحال به‌نظر می‌رسید، اما باید به‌زودی پای میز مذاکره نشسته و او هم مانند نیایش ناحیه شرقی را به روسیه واگذار کند.



در ۲۶ محرم ۱۲۹۹ عهدهنامه آخال در چهار فصل به امضای میرزاسعیدخان مؤتمن‌الملک وزیر خارجه ایران و ایوان ذی‌نویف وزیر مختار روسیه رسیده طبق فصل یکم و دوم، دو طرف، رود اترک را به‌عنوان خط مرزی قرار دادند که از ناحیه چات تا خلیج حسنقلی امتداد داشت. فصل سوم دولت ایران متعهد شد ظرف مدت یک سال قلعه غلغلاب و گرماب را که در متصرفات روسیه قرار گرفته بود تخلیه کند. فصل چهارم اوج زورگویی یک دولت قدرتمند را نشان می‌دهد که طبق آن ایران حق نداشت در مسیر رودهایی که از کوه‌های ایران سرچشمه می‌گرفتند بیش از حد اراضی کشاورزی را مشروب کرده و یا روستایی تأسیس کند. در مرحله اول اجرای قرارداد برای پایان دادن به درگیری‌های مرزی ایران روستای فیروزه را به روسیه واگذار کرد و در عوض روستای حصار در غرب دریای خزر را که طبق ترکمانچای از ایران جدا شده بود ضمیمه خاک ایران شد. مرحله دوم با تخلیه «غلغلاب» و «گرماب» و اسکان اهالی آن در خاک ایران پایان یافت. انتقال ۲۴۰ خانوار و اسکان آنها هزینه مالی زیادی به حکومت ایران تحمیل کرد. رتق و فتق مسائل و مشکلات مرزی و اجرای مفاد قرارداد تا سال ۱۳۱۴ ادامه یافت.

بریگاد قزاق، بازوی نظامی روسیه در ایران

پیدایش بریگاد قزاق که در ظاهر پیامد دومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا به‌شمار می‌رود در واقع استمرار اندیشه اصلاحات نظامی با توجه به وضعیت نابسامان قشون ایران از یک‌سو و فقدان یک نیروی کارآمد امنیتی به‌ویژه برای مقابله با ناآرامی‌ها و شورش‌های داخلی از سوی دیگر بوده است. روس‌ها که جلوه‌های روان‌شناختی ناصرالدین‌شاه را به‌خوبی می‌شناختند، طی دومین سفر اروپایی شاه و به‌هنگام عبور وی از خاک روسیه نظر او را به یک مانور نظامی باشکوه جلب کردند. در واقع روس‌ها از این موقعیت استفاده نمودند و چون در صحنه سیاست ایران از رقیب سنتی خود (انگلستان) تا حدی عقب‌افتاده بودند با پذیرایی مجلل نظر شاه را جلب کردند.

در مانور نظامی که در سن‌پترزبورگ برای ناصرالدین‌شاه ترتیب دادند وضع لباس، اسلحه و انضباط قزاق‌های روسی مورد توجه وی قرار گرفت. لذا شاه با تحریک مستقیم عوامل تزار و همچنین پیشنهاد مشیرالدوله سپهسالار که از ملازمان شاه در این سفر به‌حساب می‌آمد خواستار تأسیس نیروی مشابه آن در ایران گردید و درصدد تربیت یک قسمت از سواره‌نظام ارتش ایران به سبک قزاق‌های روس برآمد.

محافل سیاسی روسیه که تشکیل نیروهای نظامی وابسته به‌خود را یک فرصت طلایی برای تحقق اهداف امپریالیستی خویش یافته بودند، بی‌درنگ در راه تشکیل آن اهتمام ورزیدند تا منافع آن کشور در ایران با پشتیبانی یک نیروی نظامی تضمین شود. از این‌رو تزار روسیه الکساندر دوم از این فکر



استقبال کرد و چون تمایل به نفوذ در ارتش ایران داشت، در پی این توافق در ژانویه ۱۸۷۹ (۱۲۹۶ ه. ق.) یک عده افسر قزاق به ریاست کلنل دومانتوویچ با هزار قبضه تفنگ و دو عراده توپ روانه ایران کرد تا با پشتیبانی مستقیم سفیر وقت روسیه به تأسیس قزاقخانه شاهنشاهی اقدام نمایند.^۱

دولت ایران که از تشکیل بریگاد قزاق چه به‌عنوان پیشقراول ارتش نوین ایران و چه به‌عنوان یک گارد محافظ سلطنت حمایت جدی می‌کرد، مساعی لازم را جهت تقویت این نیرو انجام داد. از این رو قزاقخانه شاهنشاهی که ابتدا از یک هنگ تشکیل می‌شد پس از مدتی مبدل به بریگاد (تیپ) و سپس دیویزیون (لشکر) قزاق گردید تا افسران و سربازان ایرانی تحت نظر افسران روسی به انجام وظیفه بپردازند.

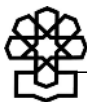
پس از کلنل دومانتوویچ به‌ترتیب سرهنگ چورکوسکی، ژنرال کاساکوفسکی، سرهنگ چرنوزوبوف و کلنل لیاخوف به سمت فرماندهی بریگاد قزاق نائل آمدند. اگرچه رسماً فرمانده قزاقخانه تحت امر وزارت جنگ بود، اما عملاً در امور نظامی و سیاسی با وزیر مختار روسیه در تهران مشورت می‌کرد و گزارش کارهای خود را به ستاد ارتش قفقاز می‌فرستاد. نیروهای روسی قزاقخانه که در زمان مظفالدین شاه به سبب تمایل امین‌السلطان (اتابک اعظم) به روس‌ها از اختیارات بیشتری برخوردار شده بودند، در مواقع قحطی اقدام به خرید و احتکار گندم و ارزاق عمومی می‌کردند و از این راه به چپاول مردم ایران و ثروت‌اندوزی خویش می‌پرداختند.

همچنین در آستانه جنگ جهانی اول، دولت روسیه با استفاده از ضعف دولت ایران واحدهای قزاق را نخست در تبریز و استرآباد و سپس در رشت، اصفهان، کرمانشاه، همدان، ارومیه و مشهد گسترش داد تا قزاقخانه یکی از مهمترین عوامل نفوذ دولت روسیه تزاری در ایران به‌شمار آید.

این وضعیت تا انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و قدرت‌یابی بلشویک‌ها ادامه یافت. در آن زمان دولت روسیه، فرماندهی دیویزیون قزاق را به کلرژه محول کرد، اما فرماندهی او دیری نپایید، زیرا نیروهای بریتانیایی که در ایران مستقر شده بودند کلنل استاروزلسکی را که از هواداران حکومت تزاری بود، به‌جای او منصوب کردند. از این زمان به بعد است که انگلیسی‌ها جایگزین روس‌ها می‌گردند و نفوذ خود را با کودتای رضاخان به حد اعلای می‌رسانند.

هرچند از زمان تشکیل نهایی قزاقخانه شاهنشاهی تا روزگار به‌سر آمدن سه دهه زمان است، اما در همین زمان نیز قزاق‌ها به‌عنوان نیرویی چپاولگر شناخته می‌شوند که غیر از تاراج مردم کار دیگری ندارند. نحوه استقرار هنگ‌های قزاق نیز به‌خوبی بیانگر آن است که هدف نهایی روس‌ها، استفاده از نظامیان ایرانی در جهت منافع خود بوده است. همان‌گونه که بانک استقراضی عامل نفوذ اقتصادی روس‌ها در ایران بود، قزاقخانه نیز بازوی نظامی روس‌ها به‌شمار می‌رفت. اقدامات خارج از عرف

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، همان، ص ۳۲۰.



قزاق‌ها تا جایی پیش رفت که در زبان فارسی قزاق معادل دزد گردید. قزاق‌ها در موارد متعددی در خدمت منویات بیگانگان قرار گرفتند، تا زمانی که زیر نظر افسران روس خدمت می‌کردند، منافع این کشور و پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ نیز با هدایت انگلیسی‌ها عامل کودتای ۱۲۹۹ شدند.

به توپ بستن مجلس: یکی از سیاه‌ترین اقدامات قزاق‌ها در طول دوران قدرت و حضورشان که تحت فرماندهی روسیه عمل می‌کردند، به توپ بستن مجلس شورای ملی بود. از آنجایی که فرماندهان لشکر قزاق دستورات عملیاتی خود را از سر فرماندهی قفقاز واقع در تفلیس می‌گرفتند، باید گفت به توپ بستن مجلس شورای ملی شاید به درخواست محمدعلی‌شاه صورت گرفته باشد، اما دستور نظامی و نهایی آن به تأیید مقامات روس رسیده بود و عملاً این روس‌ها بودند که مجلس ایران را به توپ بستند.

با به قدرت رسیدن محمدعلی‌شاه دامنه اختلافات وی با نمایندگان مجلس شورای ملی گسترده‌تر شد. این اختلافات که با دخالت آشکار روس‌ها و انگلیسی‌ها به سمت نابودی مشروطیت حرکت می‌کرد، با عدم احترام دوجانبه شاه و مجلس به جایگاه هم به نقطه تلاقی و درگیری رسید. نمایندگان مجلس در اجرای دستور محمدعلی میرزا که ضمن صدور اعلامیه‌ای خواهان تعطیلی سه‌ماهه مجلس شده بودند، وقعی ننهادند از این رو نخست با محاصره مجلس و سپس به توپ بستن آن مواجه شدند.

سرهنگ لیاخوف فرمانده روسی واحد مرکزی قزاق که از سوی محمد علی‌شاه به حکومت نظامی تهران منصوب شده بود و عملاً تهران را به تصرف نظامیان قزاق تحت فرماندهی افسران روسی درآورده بود، در روز دوم تیرماه ۱۲۸۷ هجری خورشیدی (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸) به همراه نیروهای قزاق نخست به محاصره مجلس و مدرسه سپهسالار پرداخت و سپس هنگامی که با مقاومت مجاهدان روبرو شد، مبادرت به گلوله باران ساختمان مجلس کرد. قزاق‌ها پس از تصرف مجلس به پارک امین‌الدوله حمله بردند و نمایندگان را مضروب و دستگیر کردند و به باغ شاه منتقل ساختند.

شواهد بسیاری وجود دارد که از دخالت مستقیم روس‌ها در کودتای محمدعلی‌شاه پرده برمی‌دارند. در این زمینه می‌توان به چهار نامه‌ای که لیاخوف در آن دوران به فرماندهی کل قفقاز فرستاده است و رد درخواست وام جدید از روسیه و برنامه‌ریزی جهت ایجاد یک بانک ملی اشاره نمود که وطن‌خواهی و بیگانه‌گری نمایندگان مجلس را نشان می‌داد و از این رو با منافع روس‌ها در تضاد بود.^۱

تقاضای رسمی پناهندگی محمدعلی‌شاه قاجار به سفارت روسیه در ۲۵ تیرماه ۱۲۸۸ که یک سال پس از به توپ بستن ساختمان مجلس صورت گرفت و در نهایت با خروج محمدعلی‌شاه از ایران در ۱۸ شهریور ماه ۱۲۸۸ با همراهی نیروهای قزاق خاتمه یافت نیز دلیل دیگری برای اثبات

۱. نیکی آرکدی، ریشه‌های انقلاب ایران، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.



ادعای دخالت مستقیم روس‌ها در کودتاست.

حداصل دو کودتا: در جریان جنگ جهانی اول، درحالی که ایران به صحنه تاخت و تاز بیگانگان درآمده بود و کابینه‌ها در ایران یکی پس از دیگری به دلیل مخالفت انگلیس‌ها و روس‌ها سقوط می‌کردند،^۱ توافقی توسط سپهسالار در اوت ۱۹۱۶ م با دو دولت صورت گرفت که طی آن از یک سو می‌باید کمیسیونی مرکب از طرفین جهت نظارت بر پرداخت کمک مالی ۲۰۰،۰۰۰ پوندی به دولت ایران تشکیل می‌گردید تا بدین ترتیب به توان قوای قزاق اضافه گردد و از سوی دیگر یک نیرو از قوای انگلیس که بعدها به «پلیس جنوب» شهرت یافت در جنوب کشور استقرار می‌یافت. روس‌ها که در دوره حکومت تزارها با نگاهی استعماری و توسعه‌طلبانه موفق به کسب انحصارات مالی نظیر دریافت امتیازات راه‌سازی، ماهیگیری، تأسیس بانک استقراری و همچنین کنترل نظامی تهران از طریق بریگاد قزاق شده بودند و نفوذ خود بر ایران را در برابر بریتانیا افزایش داده بودند، با وقوع انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ م. پاره‌ای از امتیازات خود را لغو و تصمیم به فراخوانی مستشاران و نظامیان خود گرفتند.^۲

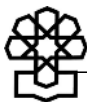
با انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ روسیه، عملاً میدان تاخت و تاز قزاقان روسی در ایران نیز پایان یافت ولی تا کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ همچنان افسران قزاق تربیت شده توسط روس‌ها در ساختار نظامی ایران حضور داشتند. این حضور نظامی که به حفظ برخی روابط نیز منجر شده بود در دوره رضاشاه نیز مشکلاتی را دربر داشت تا جایی که فردی مانند تیمورتاش که در آکادمی سلطنتی سن پترزبورگ به اتهام ارتباط با روس‌ها موقعیت خود را از دست داد و بعد از جنگ جهانی دوم و حضور ارتش سرخ در ایران، بسیاری از نظامیان ایرانی جذب حزب توده طرفدار شوروی شدند و سازمان افسران حزب توده را تأسیس کردند. این خود نشان از عمق حضور و نفوذ نظامی قزاق‌ها در شاکله نظامی ایران دارد.

قرارداد گمرکی و نابودی اقتصاد ایران

تا سال آخر قرن نوزدهم گمرکات ایران به صورت مقاطعه اداره می‌شد و تا این زمان قانون مشخص و مستندی بر گمرکات ایران حاکم نبود، در این زمان امین‌الدوله از صدراعظم‌های

۱. در همین زمینه سفیر انگلیس به وزیر مختار روسیه در ایران گفته بود: «مدتی است که سفیران روس و انگلیس تقریباً ایران را اداره می‌کنند، زیرا وزیران بدون مشورت آنها به هیچ اقدامی دست نمی‌زنند». برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: منصوره اتحادیه نظام مافی، احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ ق)، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۱، چاپ اول، ص ۲۰.

۲. پس از امضای قرارداد برست لیتوفسک، تروتسکی مفاد قرارداد را به اطلاع کاردار ایران در پتروگراد رسانید. در ژانویه همان سال تروتسکی برنامه پنج ماده‌ای حکومت شوروی برای تخلیه قشون روس از خاک ایران را در روزنامه «شورای کارگران و سربازان» انتشار داد. براساس این برنامه، بلشویک‌ها تصمیم گرفته بودند که افسران روس لشکر قزاق را نیز به روسیه احضار کنند.



مظفرالدین‌شاه تصمیم گرفت به امور گمرکی کشور سامانی داده و به این منظور اقدام به استخدام سه مستشار گمرکی از کشور بلژیک کرد. این سه نفر به ریاست شخصی به‌نام «نوز» وقتی به ایران رسیدند، دیگر امین‌الدوله در قدرت حضور نداشت، اما دولت اختیارات گسترده‌ای به آنها داد و آنها نیز شروع به سامان دادن گمرکات کشور کردند. چون نتیجه امتحان در دو ولایت کرمانشاه و آذربایجان با موفقیت روبرو شد، سال بعد اصول اجاره گمرک در تمام ایران منسوخ و اداره گمرکات به نوز بلژیکی واگذار شد. عایدات گمرکی در همان سال ۶۰ درصد افزایش یافت.^۱ نوز هم که ابتدا رئیس گمرکات تهران بود، چند ماه بعد به ریاست کل گمرکات ایران منصوب شد و پس از مدتی هم وزیر کل گمرکات ایران گردید.

با تلاش نوز مقدمات قرارداد گمرکی جدیدی بین ایران و روسیه فراهم شد تا اینکه روس‌ها یکی از شرایط پرداخت قرضه دوم به ایران را در سال ۱۳۱۹ هـ. ق/۱۹۰۱ م. عقد پیمان جدید بازرگانی عنوان کردند. قرضه دوم روس‌ها به ایران در پی هوس مظفرالدین‌شاه برای سفر به اروپا صورت گرفت. بانک استقراضی روس در ایران که منویات دولت متبوع خود را صورت می‌داد شرط دادن این وام را به گرو گذاشتن عایدات گمرکات کشور در نظر گرفت.^۲ قرارداد گمرکی ایران و روس در سال ۱۳۱۹ هـ. ق/۱۹۰۱ م. در تهران امضا شد و سال بعد، یعنی زمانی که مظفرالدین‌شاه در روسیه بود، تصدیق و در سال ۱۳۲۱ هـ. ق/۱۹۰۳ م. به اجرا گذاشته شد.^۳

عبدالله مستوفی در مورد عملکرد نوز در گمرکات و همچنین نقش او در قرارداد گمرکی بین ایران و روس و انگلیس می‌نویسد:

آمار گمرکی به او فهماند که می‌تواند در این کار خود دل‌بایع و مشتری، هر دو را به‌دست آورد، یعنی هم بر درآمد عمومی گمرک ایران بیافزاید و هم تجارت دولت‌های روس و انگلیس را در این کشور پیشرفت و آنها را حامی خود قرار دهد و میخ استقلال آینده خود را قرص کند. پس از قدری مذاکره با دولت ایران و سفارتین و تهیه زمینه مناسب برای این قصد، از طرف دولت ایران مأمور بستن قرارداد گمرکی با دولتین شد و تعرفه جدید، جانشین فصل گمرکی عهدنامه ترکمانچای گشت.^۴

در ارتباط با نقش عوامل داخلی در انعقاد این قرارداد می‌توان به امین‌السلطان، صدر اعظم مظفرالدین‌شاه اشاره کرد. امین‌السلطان که بیشترین امتیازات توسط او به بیگانگان واگذار شد، فردی منفعت‌طلب و خودخواه بود که به‌منظور حفظ مقام و موقعیت خود و غلبه بر رقبای سیاسی‌اش می‌کوشید تا به هر نحو ممکن موجبات رضایت دربار قاجار و دولتین روس و انگلیس را فراهم سازد.

۱. انتنر مروین، روابط بازرگانی روس و ایران، ترجمه احمد توکلی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۶۹، ص ۹۱.

۲. فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۴، ص ۳۴۴.

۳. محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان، برلین، کاوه، ۱۳۳۵، ص ۳۸.

۴. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، بی تا، ج ۲، ص ۵۱.



درواقع، امین‌السلطان بود که با اخذ وام‌های کلان و مکرر از روس‌ها زمینه انعقاد قرارداد گمرکی ایران و روسیه را مهیا کرد. روس‌ها یکی از شرایط پرداخت قرضه دوم خود به ایران را در سال ۱۳۱۹ هـ. ق/ ۱۹۰۱ م. عقد پیمان جدید بازرگانی عنوان نمودند. کسروی عنوان می‌کند که مذاکرات قرارداد گمرکی ایران و روس از زمان امین‌الدوله آغاز شده بود و یکی از علل برافتادن امین‌الدوله از صدارت نیز مخالفت با این قرارداد بوده است.

وی در ادامه می‌افزاید:

همسایه شمالی از سست‌نهادی شاه، و از ناپاکی امین‌السلطان و ناآگاهی توده، فرصت یافته، خواست خود را با دست بلژیکیان و دیگران پیش ببرد.^۱ بدین ترتیب می‌توان گفت که امین‌السلطان در آخرین ماه‌های صدارتش در دوره مظفردالدین‌شاه ضربه جبران‌ناپذیر دیگری بر پیکره اقتصادی و سیاسی جامعه ایران وارد آورد.

قرارداد گمرکی ایران و روس با تلاش‌های آرگیرو پولو وزیر مختار روس در تهران و زمینه‌سازی‌های نوز بلژیکی وزیر گمرکات ایران، در زمان صدارت امین‌السلطان در سال ۱۳۱۹ هـ. ق. ۱۹۰۱ م. بین دو کشور منعقد شد. این قرارداد، هفت ماده داشت که خلاصه مواد آن به شرح ذیل است:

۱. تعیین میزان دریافت حقوق گمرکی از مال‌التجاره اتباع روس و ایران و حذف شدن تعرفه‌های پیش‌بینی شده در معاهده ترکمانچای،

۲. تعلق گرفتن حقوق گمرکی به مال‌التجاره خارج شده از روسیه در موقع ورود به ایران و تغییر آن از صدی پنج به صدی یک‌ونیم درصد،

۳. موقوف و متروک شدن حقوق صادره صدی پنج در خروج مال‌التجاره و متعه در ایران به‌استثنای موارد خاص،

۴. تعهد دولت ایران برای جلوگیری از دریافت حقوق راهداری به‌منظور حفظ و نگهداری راه‌ها،

۵. تأسیس گمرک‌خانه در بخش‌های مهم راه‌های ارتباطی برای دریافت حقوق مساوی از مال‌التجاره‌ها و همچنین محافظت از کالاهای تجار،

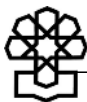
۶. دریافت حقوق کالای ورودی به روس به پول معمول آن کشور،

۷. تعهد دولت ایران برای اجرای کامل مفاد قرارداد در تمام نقاط سرحدی ایران.^۲

در فصل پنجم این قرارداد عنوان شده بود که اداره گمرک باید یک «نظامنامه عمومی با رضایت سفارت روس» تهیه کند. از آنجا که مدتی بعد انگلستان چنین قراردادی را با ایران امضا کرد، این نظامنامه با رضایت دولتین روس و انگلیس نوشته شد. مواد این نظامنامه همچنان که در

۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، نگاه، چ دوم، ۱۳۸۴، ص ۴۳.

۲. ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات ایران، تهران، اقبال و شرکا، ۱۳۲۲، صص ۴۰۰-۴۰۳.



فصل پنجم قرارداد گمرکی هم ذکر شده بود فقط در راستای منافع دولتین و جلب رضایت آنها بود و توجهی به منافع و حیثیت دولت ایران نشده بود.

تحلیل و بررسی پیامدهای قرارداد گمرکی ایران و روس: قرارداد گمرکی ایران و روسیه حلقه‌های سلطه همه‌جانبه روسیه را بر ایران تکمیل می‌کرد، روس‌ها که قبلاً با تشکیل بریگاد قزاق و بانک استقراضی، نیروی اجرایی و سرمایه لازم را برای توسعه نفوذ خود در ایران فراهم کرده بودند، اکنون با این قرارداد نیز سلطه اقتصادی - سیاسی بر ایران پیدا می‌کردند. روسیه تزاری در همه امتیازاتی که از ایران می‌گرفت در پی اهداف سیاسی بود و رؤیای سلطه بر خلیج فارس را که از زمان پتر کبیر شروع شده بود، در سر می‌پروراند.

روزنامه «بیرژویه و دموستی» چاپ سن پترزبورگ در سال ۱۳۲۲ هـ. ق/ ۱۹۰۴ م. در برابر تلاش‌های نفوذ نوشت: «تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ امکان ندارد، زیرا ایران و آب‌های ساحلی آن باید در حمایت مادی و معنوی روسیه باقی بماند». یکی دیگر از روزنامه‌های روسی نیز نوشت: «بگذارید انگلستان بداند که ما هندوستان را نمی‌خواهیم، بلکه تنها خلیج فارس را می‌خواهیم».^۱

بعد از اجرای قرارداد گمرکی ۱۳۲۱ هـ. ق/ ۱۹۰۳ م. تجارت روسیه با ایران روندی صعودی در پیش گرفت. این قرارداد طوری تنظیم شده بود که کاملاً منافع روس‌ها را تأمین می‌کرد و در اندک مدتی باعث شد که روس‌ها بیش از نیمی از تجارت خارجی ایران را به خود اختصاص دهند. کالاهایی مانند چای، قند، شکر، نفت سفید و منسوجات پنبه‌ای با عوارض ناچیز و در برخی گمرکی کالاهایی که عمدتاً به روسیه صادر می‌شد، نظیر پنبه و برنج، کاهش یافت و یا حذف شد. تسهیلاتی که برای کالاهای روسی در نظر گرفته شد موجب رونق کالاهای این کشور در ایران در برابر کالاهای وارداتی از دیگر کشورهای غربی شد.^۲

در بین کالاهایی که روسیه به ایران صادر می‌کرد قند مقام اول را داشت. در سال ۱۳۲۸ هـ. ق/ ۱۹۱۰ م، ۸۴ درصد از قند مصرفی ایران از روسیه وارد می‌شد که از لحاظ ارزش معادل ۴۳/۷ درصد از صادرات روسیه به ایران بود. منسوجات، دومین کالای صادراتی روس‌ها به ایران بود که پس از انگلستان مقام اول را داشت. کالاهایی مانند چای، نفت و آهن نیز در رده‌های بعدی قرار داشت.

نفت از جمله کالاهایی بود که تا قبل از سال ۱۳۳۰ هـ. ق/ ۱۹۱۲ م. تماماً از روسیه وارد می‌شد، ولی با استخراج نفت از چاه‌های نفت ایران که از سال مزبور شروع شد، میزان واردات نفت از روسیه به سرعت تنزل پیدا کرد. وضعیت کالاهای صادراتی ایران از این هم بدتر بود. پنبه که از اوایل قرن بیستم مهمترین محصول صادراتی ایران بود و چیزی حدود یک‌پنجم از صادرات ایران

۱. فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، همان، ص ۳۸۱.

۲. میرزا ابراهیم شیبانی، (صدیق‌الممالک)، منتخب التواریخ، زیر نظر ایرج افشار، تهران علمی، ۱۳۶۶، صص ۳۹۶-۴۰۰.



را دربر می‌گرفت، تقریباً تمام آن به روسیه صادر و مقدار ناچیزی به هند و عثمانی فروخته می‌شد. در سال ۱۳۲۵-۱۳۲۶ هـ. ق/۱۹۰۸ م. مجموع پنبه صادراتی ایران ۴۵،۰۸۸،۲۰۲ قران بود که ۴۲،۹۳۴،۴۴۹ قران آن به روسیه صادر شده بود. میوه و خشکبار ایران نیز که دومین صادرات ایران بود، چهارپنجم آن به روسیه صادر می‌شد. صادرات برنج نیز تماماً منحصر به روسیه بود چنان‌که از ۴۳۸،۴۳۰،۰۰۰ قران برنج صادراتی ایران در سال مزبور ۲۳،۷۷۰،۷۶۰ قران آن به روسیه صادر شده است.^۱

درحالی که در سال ۱۳۱۳ هـ. ق/۱۸۹۵ م. روس‌ها ۱۵ درصد از واردات ایران را در اختیار داشتند، این رقم در سال ۱۳۲۳ هـ. ق/۱۹۰۵ م. یعنی ده سال بعد، چیزی حدود ۵۵ درصد برآورد شده است. در سال ۱۳۲۸ هـ. ق/۱۹۱۰ م. مجموع تجارت خارجی ایران حدود ۸۶۰،۰۰۰،۰۰۰ قران بوده ۵۶ درصد آن، یعنی ۴۸۲،۰۰۰،۰۰۰ قران مربوط به تجارت با روسیه است. در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ هـ. ق/۱۹۱۰-۱۹۱۱ نزدیک به ۷۰ درصد از صادرات ایران به روسیه بود.^۲ لیکن رقم مجموع تجارت ایران را با روسیه در سال ۱۳۱۸-۱۳۱۹ هـ. ق/۱۹۰۱-۱۹۰۲ م. ۶۲۵،۱۷۵،۲۰۲ قران ذکر کرده است که این مبلغ در سال ۱۳۳۰-۱۳۳۱ هـ. ق/۱۹۱۲-۱۹۱۳ م. به ۹۰۰،۸۵۷،۶۲۹ قران افزایش می‌یابد و ۶۲ درصد از تجارت ایران را دربر می‌گیرد. البته قرارداد گمرکی تنها عامل این همه رونق دادوستد روسیه با ایران نبوده، بلکه عواملی مانند فعالیت‌های بانک استقراضی، نزدیکی روسیه به بازارها و مراکز پرجمعیت ایران، سهولت حمل‌ونقل و احداث جاده‌های شوسه توسط روس‌ها در مناطق شمالی ایران در این افزایش بازرگانی مؤثر بوده است.

یکی از عوارض قرارداد گمرکی ایران و روسیه سرازیر شدن کالاهای ارزانقیمت روسی به ایران بود که صنایع تازه‌تأسیس داخلی توانایی رقابت با آنها را نداشتند. قرارداد مزبور طوری تنظیم شده بود که تعرفه گمرکی کالاهای تولیدی و صنعتی ایران که به روسیه صادر می‌شد افزایش می‌یافت، ولی حقوق گمرکی کالاهای وارده از روسیه، به‌خصوص کالاهای مصرفی، فوق‌العاده کاهش می‌یافت.^۳

روس‌ها به این امر هم بسنده نکردند، بلکه برای متوقف ساختن کارخانه‌های ایران، بعضی از محصولات تولیدی خود را در ایران پایین‌تر از قیمت تمام شده در روسیه عرضه می‌کردند. به‌عنوان مثال، روس‌ها برای ورشکست کردن کارخانه قند کهریزک، قند روسیه را در ایران به بهایی بسیار کمتر از بازارهای روسیه به فروش می‌رساندند. سرانجام «قند روسی در ایران ارزان‌تر از روسیه»

۱. پیتر آوری و دیگران، «تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار»، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه مرتضی ثاقب فر، ص ۴۹۶.

۲. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۲ ص ۲۲۹.

۳. همان، ص ۲۲۶.



به فروش می‌رسید، «در قماش هم همین معامله را مجری می‌داشتند».

بدین ترتیب اگر سرمایه‌داران داخلی موانع فراوان داخل را پشت سر می‌گذاشتند و به تأسیس کارخانه یا کارگاهی اقدام می‌کردند دچار دسیسه و کارشکنی‌های خارجی‌ان، به‌خصوص روس و انگلیس می‌شدند. به جرئت می‌توان گفت که تقریباً تمامی کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که توسط سرمایه‌داران داخلی یا حتی توسط خارجیانی غیر از این دو کشور تأسیس می‌شد، یا در میانه راه متوقف می‌شد و یا در اندک مدتی ورشکستگی و تعطیلی انتظارش را می‌کشید از جمله کارخانه‌هایی که به وسیله روس‌ها متوقف شد عبارت است از:

کارخانه ریسمان‌بافی که توسط محمودخان ناصرالملک از مسکو خریداری شده بود، کارخانه‌های بلورسازی که توسط بلژیکی‌ها و امین‌الضرب ساخته شد، کارخانه چینی‌سازی امین‌الضرب در تهران و کارخانه حاجی‌عباسعلی و حاجی‌رضا در تبریز، کارخانه ابریشم‌تابی در رشت، کارخانه قند کهریزک تهران و کارخانه ریسمان‌ریسی که در سال ۱۳۱۲ هـ. ق/ ۱۸۹۴ م توسط مرتضی قلی‌خان صنایع‌الدوله احداث شد. بدین ترتیب قرارداد گمرکی ایران و روسیه را می‌توان یکی از علل انحطاط صنایع نوپای ایران دانست.

قرارداد گمرکی ایران و روس با ضرر و زیانی که متوجه بازرگانان و صنایع داخلی نمود، موجب اعتراض‌ها و نارضاایتی‌هایی شد که قشرهایی از مردم ایران را در مبارزه برای انقلاب مشروطه مصمم‌تر ساخت. با توجه به زمان اجرایی این معاهده که از سال ۱۳۲۱ هـ. ق/ ۱۹۰۳ م شروع شد، این قرارداد را می‌توان از عوامل تحریک و بیداری مردم ایران در انقلاب مشروطه دانست. نوز و زیردستانش که از چند ماه قبل از انعقاد قرارداد گمرکی ایران و روس، گمرکات ایران را به دست گرفته بودند، چنان در جهت منافع روس‌ها حرکت می‌کردند که موجبات نارضاایتی و خشم مردم ایران را فراهم کردند.^۱ از سوی دیگر، ایرانیان بر این عقیده بودند که نوز و همکارانش زمینه انعقاد قرارداد گمرکی جدیدی را فراهم نمودند و اصولاً روس‌ها آنها را آورده بودند تا این کار را برایشان انجام دهند و ترقی سریع و رسیدن او به مقام وزیر گمرکات ایران نیز به همین دلیل بود. از این رو، ایرانیان در پی بهانه‌ای بودند تا موجبات اخراج بلژیکی‌ها را از ایران فراهم آورند. این بهانه با عکسی که در سال ۱۳۲۲ هـ. ق/ ۱۹۰۴ م از نوز در لباس روحانیت به دست آمد، فراهم شد. با آنکه عکس، مربوط به دو سال قبل بود، ولی مردم که در این زمان از قرارداد «گمرک و کارکنان بلژیکی آن سخت آزاده بودند» به دستاویز اینکه نوز «به اسلام استهزا و به علما توهین کرده» به ناله و نكوهش برخاستند و خواهان اخراج او از ایران شدند.

همچنان که در اوایل قرن نوزدهم دیگر کشورها به تبعیت از عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای

۱. ادوارد براون، انقلاب ایران، ترجمه و حواشی احمد پژوه، تهران، معرفت، چ دوم، ۱۳۲۸، صص ۱۰۸-۱۱۰.



روابط تجاری خو را با ایران تنظیم کردند، قرارداد گمرکی ایران و روس در اوایل قرن بیستم نیز مبنایی برای بقیه کشورها قرار گرفت. طبق معمول، رقیب سنتی روس‌ها، یعنی انگلستان اولین کشوری بود که خواهان انعقاد قراردادی مشابه با قرارداد روس‌ها شد. جالب اینکه در روزی که خبر قرارداد گمرکی ایران و روس در روزنامه‌های روسیه منتشر شد در همان روز، هیئت مخصوصی از طرف ادوارد هفتم پادشاه انگلستان، در قصر تهران نشان زانوبند را به شاهنشاه ایران تسلیم می‌کرد.^۱

انگلیسی‌ها اعتقاد داشتند با انعقاد قرارداد گمرکی ایران و روسیه به شدت سطح مبادلات بازرگانی آنها با ایران آسیب خواهد دید و در عوض، روس‌ها تجارت خارجی ایران را قبضه خواهند کرد. به همین دلیل هم پس از اینکه از مفاد قرارداد گمرکی باخبر شدند به شدت کارگزاران ایرانی قرارداد، خصوصاً امین‌السلطان را سرزنش کردند و سرانجام با وعده و وعید توانستند تنها با فاصله چند ماه آنها نیز در سال ۱۳۲۰ هـ. ق/ ۱۹۰۳ م. قرارداد مشابهی را با قاجارها به امضا برسانند. نکته جالب توجه سرعت عمل انگلیسی‌ها در اخذ این امتیاز بازرگانی بود، بدین صورت که هنوز پنج روز به موعد بهره‌برداری از قرارداد گمرکی جدید توسط رقیب استعماری‌شان باقی مانده بود که آنها نیز موفق به انعقاد قرارداد گمرکی جدید با ایران شدند. دو دولت استعماری پس از اینکه امتیاز مشابه بازرگانی را به دست آوردند، به‌طور مشترک، نظامنامه گمرکی جدید - را بنابر فصل پنجم قرارداد گمرکی - برای اجرای این قرارداد تهیه کردند و این دو برای تحکیم سلطه استعماری خود بر ایران در کنار هم قرار گرفتند.^۲

روس‌ها اینچنین در اوایل دو قرن متوالی نه تنها استقلال گمرکی ایران را از بین بردند، بلکه سرنوشت تجارت خارجی ایران را با دیگر کشورها مشخص کردند. با این تفاوت که اگر روس‌ها در عهدنامه تجاری ترکمانچای تعهدات متقابلی را در برابر ایران پذیرفتند، در قرارداد جدید هیچ‌گونه حقوقی برای ایران قائل نبودند و کاملاً به‌طور یکجانبه شرایط خود را تحمیل کردند.

رضا صفی‌نیا در کتاب استقلال گمرکی ایران در رابطه با مضرات قرارداد گمرکی ایران و

روس می‌نویسد:

قرارداد گمرکی ایران و روس مضار بزرگی را دارا بوده حتی می‌توان گفت که این قرارداد از عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای به مراتب بدتر بود. در گلستان و ترکمانچای با اینکه ایران مغلوب شده بود مع‌هذا این‌طور دست‌بسته تسلیم نگردیده بود و به‌طوری که نوشته‌ایم در عهدنامه‌های سابق تعهدات ایران در باب گمرک، تعهد متساوی و متقابل بود، ولی قرارداد گمرکی ۱۹۰۲ م. کاملاً

۱. ابراهیم تیموری، همان، ص ۴۰۵.

۲. همان، صص ۴۰۷-۴۰۹.



یک طرفی و فقط به نفع روسیه بود. قرارداد جدید از سه لحاظ برای ایران مضر و کمرشکن بود: اولاً از لحاظ سیاسی، اختیارات ایران را در امور گمرک خود سلب می‌کرد، دولت ایران نه می‌توانست تعرفه خود را تغییر دهد و نه حقوق صادرات و واردات را کم یا زیاد نماید و نه نظامنامه گمرکی خود را بدون رضایت سفارت روس بنویسد. بنابراین هر هفت فصل قرارداد به‌منزله هفت قید و بندی بود که به سر و گردن و دست و پای ایران بسته می‌شد و ایران را در موقعی قرار می‌داد که می‌توان گفت از موقع دولت تحت‌الحمایه، حتی مستعمرات هم بدتر بود.

ثانیاً از لحاظ اقتصادی، انعقاد این قرارداد موجب زوال پاره‌ای از صنایع ایران گردید، زیرا دولت روسیه فقط درصد جلب مواد خام ایران بود، مانند پشم و پنبه و کنف و پوست دباغی نشده و... ولی مصنوعات و منسوجات ایرانی را یا از ورود به روسیه ممنوع کرده یا تابع حقوق سنگین قرار داده بود... .

ثالثاً از لحاظ مالی، در تعرفه جدید اولاً ۳۴ قلم از واردات که چند قلم آن هم از واردات عمده محسوب می‌شد از ادای حقوق گمرکی معاف شده بودند. ثانیاً حقوق معینه برای امتعه وارده از روسیه بسیار نازل بود مخصوصاً حقوق واردات عمده به ایران از قبیل قند و منسوجات و نفت و شکر و... . تعرفه جدید را اگر تعرفه (اختناق اقتصادی ایران) نام دهیم تصور می‌کنیم راه اغراق نپیموده‌ایم، زیرا که صفت ممیزه آن ترویج تجارت و فلاح روسیه در ایران و جلوگیری از تجارت ایران در روسیه و از بین رفتن آنها مستلزم تصرف بازار ایران به‌وسیله صنعت و تجارت روسیه تزاری^۱.

مقاصد سیاسی و اقتصادی روس‌ها از قرارداد گمرکی ایران و روس را می‌توان در دستورالعمل وزارت خارجه روسیه به وزیر مختار این کشور، اشپایر مشاهده کرد. این دستورالعمل که یک سال پس از اجرای قرارداد گمرکی، یعنی در سال ۱۳۲۲ هـ. ق/ ۱۹۰۴ م نوشته شده، بدین شرح است:

حفظ تمامیت و تجاوزناپذیری قلمرو شاه، بی‌آنکه خواسته باشیم چیزی بر متصرفات ارضی خود بیافزاییم، بی‌آنکه برتری و استیلای دولت سومی را جایز شماریم... به‌عبارتی دیگر، وظیفه ما آن است که ایران را از نظر سیاسی در دست خود مبدل به آلتی کنیم مطیع و سودمند، یعنی به حد کافی قوی و از نظر اقتصادی حفظ بازار بزرگ ایران برای خودمان تا بتوانیم کار و سرمایه روسی را در آنجا آزادانه به‌کار ببریم. نتایج سیاسی و اقتصادی که قبلاً گرفته‌ایم و ارتباط نزدیک و تأثیر متقابلی که آنها نسبت به هم دارند زمینه استواری را فراهم خواهد ساخت که باید بر روی آن کار و کوشش ثمربخش خود را در ایران توسعه دهیم.^۲

۱. همان، صص ۴۰۳-۴۰۴.

۲. فیروز کاظم‌زاده، همان، صص ۴۳۹-۴۴۰.



درواقع، روس‌ها در این زمان به این نتیجه رسیده بودند که «یک همسایه ضعیف و ورشکسته» به یک کشور ضمیمه شده ارجحیت دارد. با کمترین هزینه و مسئولیت همه آن منافعی را که در یک کشور ضمیمه شده می‌توان بدان دست یافت در ایران به‌ظاهر مستقل به‌دست می‌آوردند.

ارزیابی قرارداد گمرکی: روس‌ها با قرارداد گمرکی ۱۳۲۱ هـ. ق. ۱۹۰۳ م. ایران را از لحاظ اقتصادی به کشوری کاملاً ورشکسته و وابسته تبدیل کردند. ایران به تولیدکننده مواد خام و اولیه مورد نیاز روس‌ها تبدیل شد و در عوض واردکننده کالاهای مصرفی و تولیدات صنعتی روسیه بود. بعد از انعقاد این قرارداد نزدیک به دوسوم از تجارت خارجی ایران به انحصار روس‌ها درآمد. روسیه تزاری قصد داشت با نابود کردن اقتصاد ایران، هرچه بیشتر کشور را از لحاظ اقتصادی به خود وابسته سازد و به‌دنبال آن از لحاظ سیاسی نیز ایران به‌صورت تحت‌الحمایه روسیه درمی‌آمد. انتخاب این روش نیز به این دلیل بود که روس‌ها با کنار گذاشتن شیوه خشونت‌آمیز گذشته خود یا دستکم کاهش آن، از احساس تنفر و کینه ایرانیان نسبت به خود می‌کاستند و از سوی دیگر خطر رویارویی با انگلستان را نیز از میان برمی‌داشتند.

بخش چهارم - از ۱۹۰۷ تا توافقنامه ۱۹۲۱

روس‌ها موفق شدند در قرن نوزدهم موارد مهم استیلای خود بر ایران را محکم کنند. رقابت میان دو قدرت انگلیس و روسیه در قرن نوزدهم در ایران و خاورمیانه و رسیدن هر دو قدرت به تعادل در امتیازات در دوران صلح مسلح، رقبای سرسختی را برای آنها در اروپا شکل داد. در این رقابت که هر لحظه امکان جنگ و درگیری بود، اروپا به بشکه باروتی می‌ماند که منتظر جرقه‌ای بود تا همه‌جا را به آتش بکشد. در اواخر قرن نوزدهم تا پایان دهه اول قرن بیستم چند تحول مهم در صحنه بین‌المللی روی داد که تأثیرات مستقیمی بر ایران گذاشت. این تحولات هم برای روسیه بسیار سنگین بود و هم برای انگلیس.

توافقنامه ۱۹۰۷ و تقسیم ایران

تلاش دوساله انگلیس در جنگ بوئرها در آفریقای جنوبی با مقاومت عجیب دهقانان مهاجر هلندی که در این منطقه حضور داشتند، ضربه سنگینی بر حیثیت امپراتوری این کشور وارد کرد، چه اینکه انگلیسی‌ها در بسیاری دیگر از مناطق جهان نیز با ساکنان مستعمرات خود مشکل داشتند. روس‌ها نیز در سال ۱۹۰۵ در نبرد دریایی با ارتش ژاپن شکست سهمگینی خوردند و به حیثیت ارتش این کشور که برای نخستین بار در برابر یک ارتش آسیایی متحمل شکست شده بود، صدمات



جبران ناپذیری وارد آمد. در این میان قدرت‌گیری روزافزون آلمان در قلب اروپا تهدید جدی برای روسیه و انگلیس به وجود آورده بود. این تهدید همزمان که برای فرانسه نیز وجود داشت باعث شد تا این کشور که روابط بسیار نزدیکی با روس‌ها داشت و همزمان نیز روابط خوبی با لندن به هم زده بود، میان دو کشور به عنوان میانجی حاضر شده و در روزگار ائتلاف‌های نظامی و اقتصادی و سیاسی وزن خود در اروپا را در برابر اتحاد آلمان - اتریش مستحکم کند.

در پی این رایزنی‌ها مقامات روس و انگلیس برای پایان دادن به اختلافات دامن‌دار خود در آسیا، وارد مذاکره‌ای طولانی در سن پترزبورگ شدند که در نتیجه آن قراردادی موسوم به ۱۹۰۷ در ادبیات تاریخی ایران شکل گرفت. قرارداد ۱۹۰۷ که دامنه گسترده‌ای داشت و تمام شئونات روابط دو کشور را دربر می‌گرفت، چند بند نیز در مورد تقسیم حوزه‌های قدرت داشت که یک منطقه از آن نیز شامل ایران می‌شد.

بند مربوط به ایران: در بند مربوط به ایران در قرارداد مذکور چنین آمده است:

از آنجایی که دولتین بریتانیای کبیر و روسیه در برابر یکدیگر متعهد شده‌اند که تمامیت و استقلال ایران را محترم شمرده و صمیمانه مایل به حفظ نظم در تمام قلمرو این مملکت و نمو صلح جویانه آن و همچنین طالب استقرار دائمی منافع تجاری و صنعتی سایر ملل می‌باشند و نظر به اینکه هریک از دو دولت از لحاظ ترتیبات جغرافیایی و اقتصادی ذینفع در استقرار صلح و امنیت در بعضی از ایالات متصله و یا همسایه سرحد روسیه از طرفی و مجاور سرحدات افغانستان و بلوچستان از طرف دیگر می‌باشند و نظر به اینکه می‌خواهند از هرگونه موجبات اختلال و کشمکش که ممکن است در منافع طرفین در ایالات مذکوره ایران بروز نماید اجتناب کنند، به مقررات ذیل موافقت نمودند:

ماده (۱)

دولت بریتانیای کبیر تعهد می‌کند که در ماورای خطی که از قصر شیرین به اصفهان و یزد و خواف ممتد شده به یک قطعه در سرحد ایران که در محل تقاطع دو خط سرحدی روس و افغان منتهی می‌شود تقاضای هیچ‌گونه امتیاز سیاسی و تجاری از قبیل امتیاز راه آهن، بانک، تلگراف، طرق، حمل و نقل، بیمه و... برای خود و یا تبعه دولت ثالثی ننماید و با درخواست این قبیل امتیازات از طرف دولت روسیه در منطقه فوق الذکر مستقیماً یا غیرمستقیم مخالفتی ابراز ننماید. بدیهی است که امکان فوق الذکر در جزء منطقه‌ای است که دولت بریتانیای کبیر خودداری از تقاضای امتیازات فوق خواهد نمود.



ماده (۲)

دولت روسیه به نوبه خود تعهد می‌کند که در منطقه واقعه در آن طرف خطی که از سرحد افغانستان از قاذیک (مشرق بیرجند) و بیرجند و کرمان ممتد شده و به بندرعباس منتهی می‌شود تقاضای هیچ‌گونه امتیاز سیاسی و تجارتي از قبیل امتیاز راه آهن، بانک، تلگراف، راه شوسه، حمل و نقل، بیمه و... برای خود و اتباع خود و یا تبعه دولت ثالثی ننماید و با درخواست این قبیل امتیازات از طرف دولت انگلیس در منطقه فوق‌الذکر مستقیماً مخالفتی ابراز ننماید بدیهی است که امکانه فوق‌الذکر در جزء منطقه‌ای است که دولت روسیه خودداری از تقاضای امتیازات فوق خواهد نمود.

ماده (۳)

دولت روسیه از طرف خود متعهد می‌شود که پیش از موافقت نظر با دولت انگلیس، هیچ‌گونه مخالفتی با تفویض هرگونه امتیازات به یکی از تبعه بریتانیا در نواحی ایران واقعه در بین دو خط مذکور در ماده (۱) و (۲) ننماید. دولت انگلیس نیز نظیر تعهد فوق را درخصوص تفویض هرگونه امتیازی در نواحی مذکوره ایران به اتباع روسیه برعهده می‌گیرد. کلیه امتیازاتی که در موقع انعقاد این عهدنامه در مناطق مذکوره در ماده (۱) و (۲) وجود دارد به حال خود باقی خواهد ماند.

ماده (۴)

توضیح آنکه کلیه عواید گمرکی ایران به استثنای عواید گمرکی فارس و خلیج فارس که وثیقه برای تأدیه منافع و استهلاك قروض شاه ایران به بانک استقراضی روس که تا تاریخ امضای این معاهده به عمل آمده است می‌باشد برای اجرای منظور فوق اختصاص خواهد داشت همچنین عواید گمرکی فارس و خلیج فارس به انضمام عواید صید ماهی آن قسمت دریای خزر که متعلق به ایران است و عواید حاصله از پست و تلگراف کمافی‌السابق برای تأدیه و استهلاك قروض شاه ایران در مقابل بانک شاهنشاهی انگلیس که تا تاریخ امضای این معاهده به عمل آمده است اختصاص خواهد داشت.

ماده (۵)

در مواردی که مرتباً تأدیه منافع و یا قسط استهلاك قروض که دولت ایران در مقابل بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی انگلیس تا تاریخ امضای این معاهده برعهده دارد صورت نگیرد و هرگاه برای دولت روسیه لازم شود که نظارتی در موضوع منافع عایداتی که وظیفه تأدیه منافع قرض دولت ایران در مقابل بانک استقراضی است و در جزء منطقه مذکور در ماده (۲) می‌باشد برقرار نماید و یا دولت بریتانیای کبیر خواسته باشد که نظارتی در موضوع منافع عایداتی



که وثیقه تأدیه منافع قروض ایران در مقابل بانک شاهنشاهی است و در منطقه مذکوره در ماده (۱) معاهده واقع باشد بنماید، دولتین انگلیس و روس تعهد می‌کنند که قبلاً به‌طور دوستانه تبادل نظری به‌عمل آورده و متفقاً وسایلی را که برای انجام نظارت مذکوره لازم است اتخاذ نمایند و از هرگونه مداخله‌ای که موافق با اصول مندرجه در این معاهده نباشد اجتناب ورزند...

اولتیماتم به ایران

در پی توافقنامه ۱۹۰۷ روسیه - انگلیس، دو کشور تلاش کردند تا موارد توافقی را به‌سرعت اجرا کنند که در این میان عجله روس‌ها بیش از طرف انگلیسی بود. روس‌ها که از سرکوبی مشروطه‌خواهان ناامید شده و پادشاه طرفدار خود را فراری دیدند، دست به اقدامات متعددی زدند تا حضور خود در ایران را پررنگ کنند. مجلس دوم مشروطه که پس از تصرف تهران توسط مجاهدین تشکیل شده بود، نیز تصمیم برآن داشت تا اقتصاد ایران را رونق دهد. از این روی طرح‌هایی گذرانده شد و قرار بر آن بود تا با دعوت از یک مستشار مالی خارجی بی‌طرف مشکلات اقتصادی ایران هموار گردد بدین ترتیب مورگان شوستر و چهار مستشار آمریکایی دیگر برای اصلاح امور دارایی، خزانه‌داری، دادگستری و ژاندارمری استخدام شدند و پس از عقد قرارداد با دولت ایران در ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۰ هـ.ش همراه با خانواده‌های خود وارد ایران شدند.

هیئت همراه در زمان حیات مجلس دوم مشروطه توسط بعضی دولتمردان، ظاهراً برای ساماندهی امور اداری و اصلاح اوضاع مالی ایران وارد کشور شدند. اما حضور روسیه و انگلستان در ایران مانع از آن شد که این اقتصاددان آمریکایی بتواند اهداف و طرح‌های خود را در سیستم اداری و مالی کشور به اجرا درآورد. به همین دلیل مدت زمان مأموریت وی و هیئت همراه در داخل کشور بیش از ۸ ماه دوام نیافت و وی متعاقب اولتیماتم روسیه، ناچار شد به اتفاق همراهانش، ایران را ترک کند.

شوستر در ایران علاوه بر آنکه با کارشکنی‌های متعدد دولتمردان و فن‌سالاران مالیه ایران که منافعشان را در خطر می‌دیدند مواجه شد، مشکل عمده دیگری نیز داشت و آن کنترل همه‌جانبه روسیه و انگلیس بر گمرکات کشور بود. زمانی که مورگان شوستر فعالیت خود را در ایران آغاز کرد، میزان موجودی خزانه کشور از ۶۰۰ هزار تومان تجاوز نمی‌کرد. علاوه بر این دولت روسیه عواید گمرکات کشور به‌استثنای گمرکات بنادر خلیج فارس را بابت قرضه‌هایی که در سال‌های ۱۲۷۹ هـ.ش و ۱۲۸۱ هـ.ش به دولت ایران پرداخت کرده بود، به وثیقه برداشته و به مستشاران بلژیکی که گمرکات ایران را در اختیار داشتند نیز دستور داده بود قبلاً حق السهم روسیه را برداشت نموده، بقیه آن را به دولت ایران بپردازند. انگلیسی‌ها هم کلیه گمرکات جنوب را در گرو قرضه ۵۰۰



هزار لیره‌ای که در ۱۲۷۱ ه. ش بابت بازخرید امتیاز رژی به ناصرالدین‌شاه داده و همچنین قرضه دیگری به مبلغ ۱،۲۵۰ میلیون لیره که در ۱۰ خرداد ماه ۱۲۹۰ به دولت مشروطه پرداخت کرده بود، قرار داده بودند.

از این رو وقتی مورگان شوستر تصمیم گرفت عوائد گمرکی کشور را به خزانه دولت سرازیر سازد خشم روسیه را در شمال و خشم انگلیسی‌ها را در جنوب ایران برانگیخت. وزیر مختار روسیه رسماً اعلام که مستشاران بلژیکی در گمرکات بنادر شمال حق اطاعت از دستورالعمل شوستر را ندارند و تهدید کرد که در غیر این صورت روسیه گمرکات شمال را مستقیماً تصرف خواهد کرد. مورگان شوستر زمانی روس‌ها را عصبانی تر ساخت که برای جمع‌آوری مالیات‌های خود گارد ویژه‌ای موسوم به «ژاندارمری خزانه» را تشکیل داد. گاردی که اساساً اجازه ورود به قلمرو مصوب پیمان ۱۹۰۷ برای روسیه را نداشت.

شوستر با انگلیسی‌ها نیز مشکلات مشابهی داشت. اکتشاف نفت در جنوب ایران توسط انگلیسی‌ها - خرداد ماه ۱۲۸۷- و استقرار تأسیسات نفتی در این مناطق و مهمتر از آن مشارکت دولت انگلیس در شرکت نفت ایران و انگلیس، رویدادهایی بودند که دولت انگلستان را واداشت تا مناطق جنوبی کشور را از قلمرو طرح‌های اقتصادی مورگان شوستر خارج سازد. حمایت انگلیس از جایگاه شیخ خزعل در خوزستان و تشویق وی به جدا کردن این منطقه از دایره نفوذ دولت مرکزی با همین هدف صورت گرفت.

یکی از دلایل ناخشنودی انگلیسی‌ها و روس‌ها از مورگان شوستر اقدامات وی در افزایش سوءاستفاده‌های آنان از قرارداد ۱۹۰۷ بود. در شرایطی که آنان در قرارداد یاد شده احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را مورد تأکید قرار داده بودند ولی عملاً در قلمرو تحت نفوذ خود در شمال و جنوب ایران مانع اجرای طرح‌های اقتصادی دولت می‌شدند. آنان هر طرح اقتصادی یا سیاسی در قلمرو تصریح شده در پیمان ۱۹۰۷ میلادی را گامی در جهت نقض این پیمان می‌دانستند. مهمترین وجه پیمان یاد شده تقسیم ایران به سه منطقه شمالی تحت نفوذ روس‌ها، جنوبی تحت نفوذ انگلیسی‌ها و مرکزی تحت نفوذ دولت ایران بود. آنها حتی با نیروهای «ژاندارمری خزانه» که ابزار دست مورگان شوستر برای اخذ مالیات بود، مقاومت می‌کردند و در برابر آنها جبهه می‌گرفتند و یا به رویارویی و خلع سلاح آنها می‌پرداختند.

طی مدت زمانی که مورگان شوستر در ایران فعالیت می‌کرد، روسیه و انگلیس که هیچ سهمی برای رقیب سوم قائل نبودند، دائماً نقش بازدارندگی در مسیر اقدامات وی ایفا می‌کردند. آنها به‌عنوان دو قدرت رقیب، در پس اقدامات مورگان شوستر، اراده آمریکا برای ورود به عرصه اقتصادی و سیاسی ایران را می‌دیدند.



انتصاب یک افسر انگلیسی به فرماندهی ژاندارمری خزانه ایران نه تنها حلال مشکل مورگان شوستر نگردید، بلکه این انتصاب به مکاتبات رسمی بین دولتین انگلیس و روسیه و دخالت مستقیم تزار نیکلای دوم در این مسئله انجامید. وزیر خارجه انگلیس برای جلوگیری از بروز بحران در روابط انگلستان با روسیه به وزیر انگلیس در تهران نوشت به «ماژور استوکس» ابلاغ کند تا وقتی که در خدمت ارتش انگلیس است نمی‌تواند سمتی را در دولت ایران بپذیرد. استوکس در واکنشی قهرآمیز تصمیم گرفت از خدمت در ارتش انگلیس استعفا کند، ولی استعفای او پذیرفته نشد. مورگان شوستر که «استوکس» را با توجه به تسلط او به زبان فارسی و آشنایی وی با جامعه ایرانی مناسب‌ترین فرد برای تصدی ژاندارمری خزانه می‌دانست برای حل این مشکل شخصاً به ملاقات وزیر مختار روسیه در ایران رفت تا موافقت او را برای انتصاب «استوکس» به ریاست ژاندارمری خزانه فقط برای مدت ۶ ماه جلب کند. اما این موافقت حاصل نشد و به این ترتیب پرونده «استوکس» با عزل وی بسته شد.

با این همه نه دشمنی روس‌ها با ژاندارمری خزانه خاتمه یافت و نه کارشکنی‌های آنها در برابر دولت مرکزی پایان گرفت. روس‌ها محمدعلی‌شاه را که در ۱۲۸۸ توسط مشروطه‌خواهان از قدرت خلع شده و به روسیه گریخته بود، تحریک به حمله به ایران کردند. براساس این نقشه، محمدعلی‌شاه و برادرش شعاع‌السلطنه از دو نقطه شمالی کشور و سالارالدوله برادر دیگر آنان از ناحیه کرمانشاه حمله بزرگی را در تابستان ۱۲۹۰ برای تصرف تهران آغاز کردند. این حمله به شکست انجامید و تعداد زیادی از رجال، نمایندگان و مقامات طرفدار محمدعلی‌شاه در دولت برکنار شدند. در پی این شکست، دولت دستور توقیف اموال شعاع‌السلطنه و سالارالدوله (برادران محمدعلی‌میرزا) را صادر کرد و مورگان شوستر در اجرای این تصمیم، در مهرماه ۱۲۹۰ ژاندارمری خزانه را مأمور توقیف اموال آنان نمود. اقدامات شوستر برای توقیف املاک و اموال شعاع‌السلطنه با اعتراض شدید سفارت روس مواجه شد، زیرا بنا بر ادعای سفارت روس اموال شعاع‌السلطنه در گرو بدهی او به بانک استقراضی روس بود. در ادامه این کشمکش دولت روسیه نیروهای تازه‌ای وارد ایران کرد و روز هشتم آذرماه ۱۲۹۰ طی اولتیماتمی به دولت ایران چهل‌وهشت ساعت برای قبول این سه شرط مهلت داد:

۱. اخراج مورگان شوستر و هیئت مستشاران آمریکایی از ایران،
 ۲. کسب موافقت قبلی دولتین روس و انگلیس برای استخدام اتباع خارجی در ایران،
 ۳. پرداخت هزینه و خسارت لشکرکشی روسیه به ایران.^۱
- وثوق‌الدوله وزیر خارجه وقت ضمن گزارش امر و قرائت متن اولتیماتم دولت روسیه در جلسه

۱. درگاه اینترنتی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مقاله تحت عنوان «مورگان شوستر».



فوق العاده مجلس، با توجه به وخامت اوضاع و تهدید روس‌ها برای اشغال پایتخت، تقاضای قبول اولتیماتم را کرد. مجلس ابتدا مردد بود که در برابر این تهدید چه پاسخ بدهد ولی پس از اظهارات پرشور مرحوم سیدحسن مدرس و سپس موضع‌گیری چند تن از نمایندگان به اتفاق آرا اولتیماتم روسیه را رد کرد. مورگان شوستر خود در کتاب «اختناق در ایران» چنین می‌نویسد:

«... این اولتیماتوم در حالت سکوت تام نمایندگان خوانده شد. پس از ختم آن ۷۶ نفر از وکلای حاضر در پارلمان از پیر و جوان علما و پیشوایان مذهبی و وکلای عدلیه و اطبا و شاهزادگان در جای خود مثل اشخاص سگته کرده بی‌حس و بی‌حرکت ماندند یک عالم محترم اسلامی ایستاده و در موقعی که وقت به سرعت می‌گذشت و هیچ رأیی نمی‌توانستند بدهند آن بنده خدا نطق مختصر و مناسب حال و به موقعی نمود و گفت «شاید مشیت خداوند بر این امر قرار گرفته که آزادی و استقلال ما به زور از ما سلب شود در چنین حالتی سزاوار نیست که ما خودمان به امضای خود ... از دست داده و ترک کنیم» سپس دست‌های مرتعش خود را برای دادخواهی و تظلم به سمت نمایندگان حرکتی داده و در جای خود نشست ...

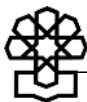
شوستر اضافه کرد: «پس از آن عده‌ای به مخالفت با اولتیماتم برخاستند و سپس تقاضای رأی با ورقه انجام شد و نتیجه چنین خوانده شد: تماماً از پیشوایان روحانی و سایر طبقات کعبتین تقدیر خود را بر صفحه اظهار انداختند و از طرف ملت از جان گذشته پایمال شده خود که آینده ظلمانی خطرناکی در پیش داشتند به اتفاق آرا اولتیماتم روس را رد کردند. به خطر انداختن جان خود و خانواده و کسان خویش و گرفتار شدن به چنگال و دندان خرس بزرگ شمالی را بر فدا کردن عزت، شرافت، حقوق، آزادی و استقلال موکلین خود که تازه تحصیل نموده بودند ترجیح دادند»^۱.

به‌دنبال رد اولتیماتم دولت روسیه سربازان روس از تبریز و رشت به سمت قزوین حرکت کردند و سفارت روس طی یادداشت شدیدالحنی در روز ۲۴ آذرماه ۱۲۹۰ مجدداً به دولت ایران اولتیماتم داد که اگر دولت شرایط روسیه را نپذیرد روسیه ظرف ۶ روز چهار هزار سرباز را وارد تهران خواهد کرد.

در آن زمان احساسات مردم ایران علیه روسیه به اوج رسیده بود و علمای نجف و کربلا نیز به حمایت از مردم ایران برخاستند. حتی به‌دنبال صدور چند فتوی از جانب مراجع وقت نجف، موجی از علما و روحانیون عراقی از طریق کرمانشاه به سمت تهران به راه افتادند. دو روز پس از مطرح شدن اولتیماتم، وزیر مختار روسیه در یادداشتی برای دولت ایران جهت پذیرش اولتیماتم تهدید کرد که نظامیان روس به فرمان دولت تزاری تهران را اشغال خواهند کرد.

در پی این تهدید وثوق‌الدوله، که خود از متحدان سیاست‌های انگلیس در ایران بود، وزیر

۱. مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، آذرماه ۱۳۶۶، علی مدرس، ج اول، صص ۸-۹.



مختار انگلیس را در جریان قرارداد و با وی مشورت کرد. اما «ادواردگری» سفیر انگلیس توصیه کرد که ایران به سرعت اولتیماتم را بپذیرد.^۱

حداکثر اقدام بازدارنده انگلیسی‌ها آن بود که به روس‌ها گفتند «حمله آنها به تهران اثر بدی در جهان اسلام خواهد داشت و مسلمانان را تحریک می‌کند» سپس توصیه کردند که «به جای فشار نظامی به تهران گمرکات شمالی ایران را تصرف کند و به اداره مالیات تبریز دست بگشاید تا شوستر تحت فشار قرار گیرد».^۲

سپس وثوق الدوله به آمریکایی‌ها متوسل شد، ولی پاسخ آمریکایی‌ها نیز سرد بود: «با توجه به مشکل پیش آمده برای ایران وزیر خارجه آمریکا مناسب نمی‌داند هیچ‌گونه پیشنهادی را تقدیم کند». اولتیماتم روس‌ها با واکنش منفی و خشم گسترده مردم روبرو شد، ولی سرانجام دولت به درخواست انگلیسی‌ها در برابر این تهدید تسلیم شد و ناصرالملک و صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزرا در این شرایط بحرانی از پیرم خان رئیس‌نظمیه خواستند که ساختمان مجلس را محاصره و تهدید کند که اگر نمایندگان حاضر به قبول اولتیماتم روس‌ها نشوند مجلس را خواهد بست. مجلس به یک هیئت پنج نفری اختیار تام داد که در این مورد با دولت مذاکره کند و این هیئت سرانجام قانع شد که چاره‌ای جز قبول اولتیماتم روس نیست. دولت بی‌درنگ قبول اولتیماتم را به سفارت روس اعلام کرد و عصر روز ۲۸ آذر ماه ۱۲۹۰ به مورگان شوستر ابلاغ شد که از سمت خزانه دار کل معزول شده و باید هرچه زودتر از ایران خارج شود. در پی این تحولات حملات شدید به روسیه و انتقاد از دولت که تسلیم فشار روس‌ها شده است در جلسات علنی مجلس ادامه داشت.

به همین جهت در جلسه فوق‌العاده هیئت دولت که با حضور ناصرالملک نایب‌السلطنه تشکیل گردید تصمیم به انحلال مجلس گرفته شد. پیرم‌خان ارمنی - و مجری حکم اعدام شیخ‌فضل‌الله نوری مجاهد معروف مشروطیت - و رئیس‌نظمیه وقت و مجری حکم اعدام شیخ‌فضل‌الله نوری مأمور بستن مجلس شد و این وظیفه را نیز مانند کارهای دیگری که قبلاً به او محول شده بود با خشونت هرچه تمام‌تر انجام داد. روز ۳ دی ماه ۱۲۹۰ مأموران مسلح پیرم به عمارت بهارستان ریختند و با وضع توهین‌آمیزی وکلای مجلس را بیرون ریختند و درب مجلس را قفل کردند!

مورگان شوستر با این نتیجه‌گیری که دولت‌های متفقین، منافع متقابل و مصالح کلان خود را قربانی زدوبندهای ناپایدار با دولت‌های جهان سوم نمی‌کنند، در ۲۲ بهمن ماه ۱۲۹۰ با نارضایتی دریافت خسارت ایران را ترک کرد. وی سپس در آمریکا کتاب خاطرات خود را تحت عنوان «اختناق روسی در ایران» به رشته تحریر درآورد.

۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، نشریه مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره ۱۷، صص ۹۳ و ۹۴.

۲. رحیم رضازاده ملک، فصلنامه، همان، به نقل از انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت خارجه انگلیس، ص ۵۱۰.



با فشار روس‌ها به دولت و مجلس ایران آنچه که انتظار می‌رفت با عنوان رهایی نسبی ایران از مشکلات بیانجامد نیز راه به‌جایی نبرد. درحالی که اروپا بوی خون می‌داد و بالکان به صحنه درگیری خونین کشورهای این منطقه با عثمانی تبدیل شده بود، روس‌ها تلاش می‌کردند تا به آنچه مایملک خود در ایران می‌شمردند، سریع‌تر برسند. از این‌رو نه تنها پس از اولتیماتم و عقب‌نشینی دولت و دربار ایران نیروهای خود را از ایران خارج نکردند، بلکه با گسترش نیروهای خود به‌صورت مقطعی و آرام تمام مناطق مورد نظر در قرارداد ۱۹۰۷ را نیز به‌صورت قدم به قدم تا شروع جنگ اول جهانی به اشغال خود درآوردند.

اشغال شمال ایران توسط ارتش روسیه

با شروع جنگ جهانی اول، هرچند دولت ایران بلافاصله اعلام بی‌طرفی کرد، اما دامنه جنگ به ایران نیز کشیده شد. ایران در نقطه تلاقی عثمانی، روسیه، انگلیس قرار داشت که در این مسیر گاهی اوقات آلمانی‌ها نیز حضور می‌یافتند. با وجود آنکه ایران در ضمن توافقنامه ۱۹۰۷ به مناطق نفوذ تقسیم شده بود، اما تنها ۸۰ روز پس از اعلام بیطرفی ایران در جنگ، درحالی که ایران مورد تهاجم قوای سه کشور همسایه قرار گرفته بود، بار دیگر توافقنامه‌ای را میان خود امضا کردند تا مهر تأییدی زده باشند بر تمایلات استعماری خود. براساس این توافق که تنها پس انقلاب بلشویکی مفاد آن منتشر شد و جزء اسناد فوق سری به‌شمار می‌رفت:

۱. هریک از طرفین اجازه یافتند پس از جنگ منطقه نفوذ اقتصادی خود را رسماً ضمیمه خاک خود کنند.

۲. انگلستان متعهد شد پس از شکست عثمانی، بندر استانبول و تنگه‌های بسفر و داردانل را به روسیه بدهد.

۳. روسیه موافقت کرد منطقه بی‌طرف ایران به انگلستان داده شود.^۱

تنها شانس‌هایی که ایرانیان در این زمینه داشتند وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه و خروج ارتش سرخ از ایران بود. هرچند که شکست‌های سنگین ارتش تزار در برابر آلمان توان ماشین جنگی این کشور را به‌شدت پایین آورده بود، اما هدف نهایی روس‌ها رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و شکل‌دهی نظم نوینی در منطقه براساس توانایی‌های خود بودند.

آنچه در طول جنگ اول جهانی ایران شاهد آن بود سر کار آمدن ۱۶ دولت در تهران بود که قدرت آنها فراتر از پایتخت نمی‌رفت و در همین شهر نیز سفرای روسیه و انگلیس برای آنها تعیین تکلیف می‌کردند.

۱. الهه کولایی، فدراسیون روسیه (مجموعه کتاب‌های سبز)، انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۲۸۸.



رفتار نظامیان روس در ایران هنگام اشغال مناطق شمالی کشور نیز به گونه‌ای بود که علاوه بر قتل عام هزاران نفر در درگیری‌های خونین با ارتش عثمانی، در شهر تبریز نیز با مردم وارد درگیری‌های خونینی شدند که در نتیجه آن افرادی چون ثقه‌الاسلام تبریزی توسط نظامیان روس به چوبه دار سپرده شدند. ارتش روسیه در کرمانشاه نیز به نظامیان دولت نظام مافی که تحت نظارت ارتش عثمانی مسلح شده بودند، حمله کرده و عملاً تمام توان نظامی ایران را از بین بردند. قحطی فراگیر که بر اثر خرید گسترده مواد غذایی سراسر ایران را در خود فرو برده بود، در نیمه شمالی نیز خود را نشان داد که نه تنها روس‌ها اقدامی برای برطرف کردن آن نکردند، بلکه بر اثر ماهیت رفتاری آنها در قبال مردم ایران، موجبات تشدید قحطی نیز شدند.

انقلاب بلشویکی و رهایی ایران موقت ایران: ضعف ساختاری روسیه و تضادهای درونی آنکه با استبداد سختگیرانه تزارها همراه بود و از یک قرن پیش اعتراضاتی را در این کشور به همراه داشت، بالاخره در ۱۹۱۷ نتیجه داد و علیرغم تمام انتظارات نیروهای بلشویک موفق شدند با به زیر کشیدن نهایی تزار، قدرت را در این کشور به دست بگیرند. لنین در دسامبر ۱۹۱۷، یک‌ماه پس از تصدی قدرت در روسیه در اعلامیه‌ای خطاب به مسلمانان شرق، پایان دوران استعمار روسیه را اعلام کرد. او با انقلاب روسیه این کشور را در کنار ملل آزاد شده جهان معرفی کرد. او توافقنامه‌های روسیه و انگلستان را با ایران، از جمله قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ را باطل اعلام کرد. سپس دولت جدید روسیه خواستار مذاکره با دولت ایران شد.

به دنبال انقلاب اول روسیه و استعفای تزار که در اواخر اسفندماه ۱۲۹۵ روی داد وثوق‌الدوله هیئتی را به ریاست یک روزنامه‌نگار جوان به نام سیدضیاءالدین طباطبایی به روسیه فرستاد تا درباره تحولات روسیه تحقیق به عمل آورده و موجبات نزدیکی به حکومت جدید روسیه را فراهم آورد. در این هیئت نمایندگانی از وزارتخانه‌های مختلف عضویت داشتند، که از آن جمله می‌توان به میرزا باقرخان مذهب‌السلطنه نماینده وزارت خارجه و کنل کاظم‌خان نماینده وزارت جنگ و میرزا یوسف‌خان مشاور اعظم نماینده وزارت داخله اشاره نمود. این هیئت هرچند خود را به روسیه رساندند، اما دولت ایران وقعی به درخواست‌های لنین نگذاشت تا به این ترتیب ایران یکپارچه در اختیار انگلستان باشد. در این زمان و با خروج نظامیان روس، مقدمات امضای قرارداد ۱۹۱۹ آماده می‌شد.

معاهده ۱۲۹۹-۱۹۲۱

در پی ناکامی دولت انگلیس در به نتیجه رساندن قرارداد ۱۹۱۹ و همزمان با آن شکست روس‌های سفید از ارتش سرخ در تمام خاک روسیه که اکنون اتحاد جماهیر شوروی خوانده می‌شد، ایران و شوروی برای کنار گذاشتن اختلافات خود بارها وارد مذاکره شده و سفرایی نیز رد و بدل کردند



که تا چهار سال پس از انقلاب بلشویکی این تلاش‌ها به نتیجه‌ای ختم نشد. در ایران نیز درحالی که دولت مرکزی در نهایت ضعف و فتور خود به سر می‌برد و عملاً کشور در دست قدرت‌های محلی بود، انگلیسی‌ها به این نتیجه رسیدند که تنها راه مقابله با کمونیست‌های قدرتمند در روسیه و جلوگیری از اشاعه تفکر کمونیستی در ایران، شکل‌دهی یک ایران توانمند و مقتدر است که بتواند امنیت داخلی را تأمین کرده و با کمونیست‌ها نیز مقابله کند. با این رویکرد در سال ۱۲۹۹ ژنرال آبرون‌ساید فرمانده انگلیسی حاضر در ایران دست به کار شد و مقدمات شکل‌دهی کودتایی را در ایران فراهم آورد. وی برای این کار دست به دامان قزاق‌هایی شد که دست‌پروده روس‌ها بودند و اوضاع و احوال مناسبی نداشتند و دست به غارت و چپاول مردم می‌زدند. مقدمات کودتا در زمستان ۱۲۹۹ فراهم شد و به این منظور رضاخان میرپنج به‌عنوان فرمانده نظامی کودتا و سیدضیاءالدین طباطبایی هم به‌عنوان مهره سیاسی کودتا در سوم اسفند وارد تهران شدند تا قدرت را به دست بگیرند. کنترل تهران توسط دوستان انگلیس این اجازه را به مقامات ایرانی که برای عقد قرارداد مودت راهی مسکو شده بودند داد تا این قرارداد را امضا کنند. این قرارداد که از جمله مهمترین توافقنامه‌های امضا شده در تاریخ معاصر ایران است، در تاریخ ۸ حوت ۱۲۹۹ هجری مطابق ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی در مسکو از طرف دولت ایران: علیقلی خان مشاورالممالک و از طرف دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه: که ارکی واسیلیویچ چیچرین و لومیخائیلویچ کاراخان به امضا رسید.

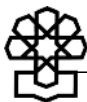
متن این قرارداد مهم که به سلطه استعماری روسیه بر ایران پایان می‌داد به این شرح است:

وکلاهی مختار پس از ارائه اعتبارنامه‌های خود که موافق قاعده و ترتیبات مقتضیه بوده در آنچه ذیلاً ذکر می‌شود توافق نظر حاصل کردند.

فصل اول

دولت شوروی روسیه مطابق بیانیه‌های خود راجع به مبانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ یانوار ۱۹۱۸ و ۲۶ ایون ۱۹۱۹ یک مرتبه دیگر رسماً اعلان می‌نماید که از سیاست جابراجه که دولت‌های مستعمراتی روسیه که به اراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت به ایران تعقیب می‌نمودند قطعاً صرف‌نظر می‌نماید.

نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق به اینکه ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارایی خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهای را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد کرده و حقوق ملت ایران را تضییع می‌نمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان می‌نماید.



فصل دوم

دولت شوروی روسیه از سیاست دولت‌های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تأمین استقلال ملل مزبور با سایر ممالک اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد می‌نمودند که در نتیجه منجر به استملاک آن می‌گردد اظهار تنفر می‌نماید، این سیاست جنایتکارانه را که نه تنها استقلال ممالک آسیا را منهدم می‌نمود، بلکه ملل زنده شرق را طعمه حرص غارتگران اروپایی و تعدیات مرتب آنها قرار می‌داد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی نفی می‌نماید.

نظر به آنچه گفته شد و مطابق اصول مذکوره در فصل اول و چهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامی که منجر به تضعیف و محفوظ ماندن سیادت ایران بشود اعلان نموده و کلیه معاهدات و قراردادهایی را که دولت سابق روسیه با ممالک ثالثی به ضرر ایران و راجع به آن منعقد نموده است ملغی و از درجه اعتبار ساقط می‌داند.

فصل سوم

دولتین معظمتین متعاهدتین رضایت می‌دهند که سرحد مابین ایران و روسیه را مطابق تعیین کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱ تصدیق و رعایت نمایند، ضمناً به واسطه عدم میلی که دولت شوروی روسیه از استفاده از ثمره سیاست غاصبانه دولت تزاری سابق روسیه دارد از انتفاع از جزایر آشوراده و جزایر دیگری که در سواحل ولایت استرآباد ایران واقع می‌باشند، صرفنظر کرده و همچنین قریه فیروزه را با اراضی مجاوره آن که مطابق قرارداد ۲۸ مای ۱۸۹۳ از طرف ایران به روسیه انتقال داده شده است به ایران مسترد می‌دارد.

دولت ایران از طرف خود رضایت می‌دهد که شهر سرخس معروف به سرخس روس یا سرخس کهنه با اراضی مجاور آنکه منتهی به رودخانه سرخس می‌شود در تصرف روسیه باقی بماند. طرفین معظمین متعاهدین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی بهره‌مند خواهند شد و ضمناً برای تنظیم قطعی مسئله انتفاع از آب‌های سرحدی و برای حل کلیه مسائل متنازع فیهای سرحدی و اراضی یک کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد.

فصل چهارم

با تصدیق اینکه هریک از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع و آزادانه حل نماید هریک از طرفین متعاهدتین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرفنظر کرده و جداً خودداری خواهد کرد.

فصل پنجم

طرفین معظمتین متعاهدتین تقبل می‌نمایند که:

۱. از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروپ‌ها) به هر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبوره مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحده با



روسیه باشد در خاک خود ممانعت نمایند و همچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیزات نفرات برای صفوف قشون و یا قوای مسلحه تشکیلات مزبوره در خاک خود ممانعت نمایند.

۲. به کلیه ممالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد نباید اجازه داده شود که به خاک هریک از طرفین معظمتین متعاهدتین تمام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود وارد نموده و یا عبور دهند.

۳. با تمام وسایلی که به آن دسترس باشد از توقف قشون و یا قوای مسلحه مملکت ثالث دیگری در صورتی که احتمال برود توقف قوای مزبوره باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر می شود باید در خاک خود و متحدین خود ممانعت نماید.

فصل ششم

طرفین معظمتین متعاهدتین موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالک ثالثی بخواهند به وسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحادی شوروی روسیه خودش نتواند این خطر را رفع نماید دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را به عمل آورد دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلاد رنگ قشون خود را از حدود ایران خارج نماید.

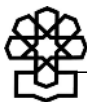
فصل هفتم

نظر به اینکه ملاحظات مذکوره در فصل ششم می توانند همچنین در باب امنیت در دریای خزر مورد پیدا نمایند، لذا طرفین معظمتین متعاهدتین موافق هستند که اگر در جزء افراد بحریه ایران اتباع ثالثی باشند که از بودن خود در بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت به روسیه استفاده نمایند دولت شوروی حق خواهد داشت که انفصال عناصر مضره مزبوره را از دولت ایران بخواهد.

فصل هشتم

دولت شوروی روسیه انصراف قطعی خود را از سیاست اقتصادی که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب می نمود و به دولت ایران نه از نقطه نظر توسعه اقتصادی و ترقی ملت ایران، بلکه برای اسارت سیاسی ایران پول می داد اعلان می نماید.

بنابراین دولت شوروی روسیه از هر نوع حقوق خود نسبت به قروضی که دولت تزاری به ایران داده است صرف نظر کرده و اینگونه استقراضها را نسخ شده و غیرقابل تأدیه می شمارد و همچنین دولت شوروی روسیه از تمام تقاضاهای راجع به انتفاع از عوائد مملکتی ایران که وثیقه استقراضهای مذکوره بودند صرف نظر می نماید.



فصل نهم

دولت شوروی روسیه نظر به اعلان نفی سیاست مستعمراتی سرمایه‌داری که باعث بدبختی‌ها و خون‌ریزی‌های بی‌شمار بوده و می‌باشند از انتفاع از کارهای اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آنها اسارت اقتصادی ایران بوده صرف‌نظر می‌نماید.

بنابراین دولت شوروی روسیه تمام نقدینه و اشیای قیمتی و کلیه مطالبات و بدهی بانک استقراضی ایران را و همچنین کلیه دارایی منقول و غیرمنقول بانک مزبور را در خاک ایران به ملکیت کامل ایران واگذار می‌نماید.

توضیح آنکه در شهرهایی که مقرر است قونسولگری‌های روسیه تأسیس شوند و در آنجاها خانه‌های متعلقه به بانک استقراضی ایران وجود داشته و مطابق همین فصل منتقل به دولت ایران می‌شود دولت ایران رضایت می‌دهد که یکی از خانه‌ها را مجاناً برای استفاده مطابق انتخاب دولت شوروی روسیه برای محل قونسولگری روسیه واگذار نماید.

فصل دهم

دولت شوروی روسیه کوشش سیاست مستعمراتی دنیا را که در ساختن راه‌ها و کشیدن خطوط تلگرافی در ممالک غیر برای تأمین نفوذ نظامی خود بر توسعه تمدن ملل ترجیح می‌دهد نفی کرده و مایل است که وسایل مراودات و مخابرات که برای استقلال و تکمیل تمدن هر ملتی لزوم حیاتی دارد به اختیار خود ملت ایران واگذارده شود و ضمناً هم به قدر خسارات وارده به ایران به واسطه قشون دولت تزاری جبران شود، لذا دولت شوروی روسیه مؤسسات روسی ذیل را بلاعوض به ملکیت قطعی ملت ایران واگذار می‌نماید.

(الف) راه‌های شوسه از انزلی به تهران و از قزوین به همدان با تمام اراضی و ابنیه و اثاثیه متعلق به راه‌های مذکوره.

(ب) خطوط راه‌آهن از جلفا به تبریز و از صوفیان به دریاچه ارومیه با تمام ابنیه و وسایل نقلیه و متعلقات دیگر.

(ج) اسکله‌ها و انبارهای مال‌التجاره و کشتی‌های بخاری و کرجی‌ها و کلیه وسایل نقلیه در دریاچه ارومیه با تمام متعلقات آنها.

(د) تمام خطوط تلگرافی و تلفنی با تمام متعلقات و ابنیه و اثاثیه که در حدود ایران به توسط دولت سابق تزاری ساخته شده است.

(و) بندر انزلی (پر) با انبارهای مال‌التجاره و کارخانه چراغ برق و سایر ابنیه.



فصل یازدهم

نظر به اینکه مطابق اصول بیان شده در فصل هشتم این عهدنامه منعقد در دهم فورال ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمانچای نیز که فصل هشتم آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است، لذا طرفین معظمین متعاهدین رضایت می‌دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق کشتیرانی آزاد در زیر بیرق‌های خود در بحر خزر داشته باشند.

فصل دوازدهم

دولت شوروی روسیه پس از آنکه رسماً از استفاده از فواید اقتصادی که مبتنی بر تفوق نظامی بوده صرفنظر کرد اعلان می‌نماید که علاوه بر آنچه در فصول ۹ و ۱۰ ذکر شد سایر امتیازات نیز که دولت سابق تزاری عنقا برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از درجه اعتبار ساقط می‌باشند.

دولت شوروی روسیه از زمان امضای این عهدنامه تمام امتیازات مذکوره را اعم از آنکه به موقع اجرا گذارده شده باشند و تمام اراضی را که به واسطه آن امتیازات تحصیل شده‌اند به دولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار می‌نماید.

از اراضی و مایملکی که در ایران متعلق به دولت تزاری سابق بوده محوطه سفارت روس در تهران و در زرگنده با تمام ابنیه و اثاثیه موجوده در آنها و همچنین محوطه‌ها و ابنیه و اثاثیه جنرال قونسولگری‌ها و قونسولگری‌ها و ویس قونسولگری‌های سابق روسیه در ایران در تصرف روسیه باقی بماند. توضیح آنکه دولت شوروی روسیه از حق اداره کردن قریه زرگنده که متعلق به دولت سابق تزاری بود صرفنظر می‌نماید.

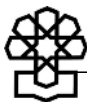
فصل سیزدهم

دولت ایران از طرف خود وعده می‌دهد که امتیازات و مایملکی را که مطابق این عهدنامه به ایران مسترد شده است به تصرف و اختیار و یا استفاده هیچ دولت ثالث و اتباع دولت ثالثی واگذار ننموده و تمام حقوق مذکوره را برای رفاه ملت ایران محفوظ بدارد.

فصل چهاردهم

با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه دولت ایران پس از انقضای اعتبار قانونی تقبلات فعلی خود نسبت به شیلات مزبوره حاضر است که با اداره ارزاق جمهوریت اتحادی اشتراکی شوروی روسیه قراردادی در باب صید ماهی با شرایط خاصی که تا آن زمان معین خواهد شد منعقد نماید.

همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی روسیه داخل مطالعه و مسایلی که حالیه



نیز تا رسیدن موقع شرایط مذکوره در فوق امکان رساندن مواد شیلات مزبور را به روسیه در نظر ادارات ارزاق جمهوری اشتراکی روسیه تأمین بنماید بشود.

فصل پانزدهم

دولت شوروی روسیه نظر به اصول اعلام شده خود در باب آزادی عقاید مذهبی مایل است به تبلیغات مذهبی که مقصود باطنی از آن اعمال نفوذ سیاسی در توده مردم و کمک به دسایس سبعانه تزاری بوده در ممالک اسلامی خاتمه دهد.

بنابراین دولت شوروی روسیه انحلال تمام هیئت‌های روحانی را که در ایران دولت سابق تزاری تأسیس کرده بود اعلان می‌نماید و اقدام خواهد نمود که بعدها از روسیه به ایران این‌گونه هیئت‌ها اعزام نشوند.

دولت شوروی روسیه اراضی و ابنیه و دارایی هیئت ارتدکس را در ارومیه و همچنین تمام دارایی سایر مؤسسات سنخ هیئت مزبوره را بلاعوض به ملکیت دائمی ملت ایران که دولت ایران نماینده آن است واگذار می‌نماید دولت ایران اراضی و ابنیه و دارایی مزبور را به مصرف ساختن مدارس و سایر مؤسسات معارفی خواهد رساند.

فصل شانزدهم

نظر به مندرجات مراسله دولت شوروی به تاریخ ۲۵ ایون راجع به ابطال قضاوت قونسول‌ها اتباع روسیه ساکن ایران و همچنین اتباع ایران ساکن روسیه از تاریخ امضای این معاهده دارای حقوق مساوی با سکنه محلی بوده و محکوم قوانین مملکت متوقف فیها خواهند بود و به تمام کارهای قضایی آنها در محاکم محلی رسیدگی خواهد شد.

فصل هفدهم

اتباع ایران در روسیه و همچنین اتباع روسیه در ایران از خدمت نظامی و تأدیه هر نوع مالیات نظامی با عوارض نظامی معاف هستند.

فصل هجدهم

اتباع ایران در روسیه و اتباع روسیه در ایران در آزادی مسافرت در داخله مملکت دارای حقوقی می‌باشند که به اتباع دول کامله الوداد به غیر از دول متحده با روسیه واگذار می‌شود.

فصل نوزدهم

طرفین معظمتین متعاهدتین در مدت قلیلی پس از امضای این عهدنامه اقدام در تجدید روابط تجارتي خواهند نمود.

وسایل تنظیم واردات و صادرات مال‌التجاره و تأدیه قیمت آن و همچنین طرز دریافت و میزان



حقوق گمرکی که از طرف ایران بر مالالتجاره روس تعلق می‌گیرد مطابق قرارداد خاص تجارتي که به وسیله کمیسیون خاص از نمایندگان طرفین تشکیل خواهد شد.

فصل بیستم

طرفین معظمتین متعاهدتین متقابلاً به همدیگر حق ترانزیت می‌دهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه به ممالک ثالثی مالالتجاره حمل نمایند ضمناً برای مالالتجاره حمل شده عوارض بیش از آنچه از مالالتجاره دول کامله الوداد غیر از ممالک متحده با جمهوری اتحاد شوروی روسیه اخذ می‌شود نباید تعلق بگیرد.

فصل بیست و یکم

طرفین معظمتین متعاهدتین در اقل مدت پس از امضای این عهدنامه اقدام در استقرار روابط تلگرافی و پستی مابین ایران و روسیه خواهند نمود، شرایط روابط مذکوره در قرارداد خاص پستی و تلگرافی معین خواهد شد.

فصل بیست و دوم

برای تثبیت روابط ودادیه همجواری و تهیه موجبات درک حسن نیت همدیگر که پس از امضا این عهدنامه فی مابین برقرار می‌شود هریک از طرفین معظمتین متعاهدتین در پایتخت طرف مقابل نماینده مختار خواهند داشت که چه در ایران و چه در روسیه دارای حق مصونیت خارج از مملکت (اکستری توریالیته) و سایر امتیازات مطابق قوانین بین‌المللی و عادات و همچنین قواعد و مقررات جاریه در مملکتین نسبت به نمایندگان سیاسی خواهند بود.

فصل بیست و سوم

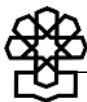
طرفین معظمتین متعاهدتین به نیت توسعه روابط مملکتی متقابلاً در نقاطی که به رضایت طرفین معین خواهد شد تأسیس قونسولگری‌ها خواهند نمود. حقوق و صلاحیت قونسول‌ها در قرارداد مخصوصی که بلا تأخیر پس از امضای این عهدنامه منعقد خواهد شد و همچنین مطابق قواعد و مقررات در هر دو مملکت نسبت به مؤسسه قونسول‌ها معین خواهد شد.

فصل بیست و چهارم

این عهدنامه باید در ظرف سه ماه تصدیق شود مبادله تصدیق‌نامه‌ها در شهر تهران حتی الامکان در مدت قلیلی به عمل خواهد آمد.

فصل بیست و پنجم

این عهدنامه به زبان فارسی و روسی در دو نسخه اصلی نوشته شده در موقع تفسیر آن هر دو نسخه معتبر می‌باشد.



فصل بیست و هشتم

این عهدنامه فوراً پس از امضا دارای اعتبار خواهد شد. برای تصدیق آنچه گفته شد امضاکنندگان ذیل این عهدنامه را امضا کرده و به امهار خود مهور نمودند در شهر مسکو در ۲۶ فورال ۱۹۲۱ تحریر شد. با امضای این عهدنامه مودت، ایران خود را فارغ‌البال می‌دید، اما اهداف و منافع همسایه شمالی که تنها در ماهیت قدرت تغییراتی ایجاد کرده بود زیاد تفاوتی با گذشته نداشت و همچنان به فکر اهداف استعماری خود بود. از این رو است که با وجود چنین عهدنامه مهم و همه‌جانبه‌ای که باید روابط ایران و شوروی را به هم نزدیک می‌کرد در طول سال‌های بعد از آن نه تنها این مهم روی نداد، بلکه با توجه به خواست‌های مسکو و اهداف و اغراض آن در تمام سال‌های بعد تا اشغال ایران در خلال جنگ جهانی دوم روابط دو طرف تیره بود.

بخش پنجم - روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه

مهمترین حوادث روابط ایران و روسیه تا سلطنت رضاشاه همه تحت تأثیر قراردادهای گلستان و ترکمانچای بود که با قرارداد تقسیم ۱۹۰۷ با انگلیس و سپس معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی وارد مرحله تازه‌ای شد.

پس از استقرار حکومت بلشویکی در پی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، حاکمان جدید روسیه سعی داشتند تا با ایران مناسبات جدیدی برقرار کنند، اقدام آنها در لغو تمام امتیازات سابق روسیه تزاری، انتشار برخی اسناد که نقش مشترک روس و انگلیس را در استثمار ایران آشکار می‌ساخت، محترم شمردن حقوق ایران از طریق تلاش برای برقراری روابط دیپلماتیک، از این‌گونه اقدامات بود. هرچند با امضای قرارداد ۱۹۲۱ میان طرفین انتظار می‌رفت اوضاع آرام شود ولی این امر چندان در برابر سیاست‌های رو به توسعه شوروی و اندیشه صدور کمونیسم با استفاده از کمینترن چندان سازگار نبود.

پس از کودتای اسفندماه ۱۲۹۹ تا تاجگذاری رضاشاه، علاوه بر اختلافات مرزی، روابط تجاری طرفین نیز موجب برخی اختلافات شده بود. از درگیری بر سر امتیاز نفت شمال تا مشکلات گمرکی و همچنین مسائل مهاجران و پناهندگان در روابط دو کشور وجود داشتند. اما باید دانست که پس از تاجگذاری رضاشاه، شوروی دومین کشوری بود که نظام جدید را به رسمیت شناخت.^۱

این شناسایی از هر روی بوده، صورت پذیرفت ولی از قرائن چنین برمی‌آید که روس‌ها دل خوشی از سلطنت رضاشاه نداشته‌اند، زیرا بعد از مدتی مهاجرین ایرانی مقیم بادکوبه و سایر

۱. اسناد روابط ایران و شوروی، به کوشش محمود طاهراحمدی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲، ۱۳۷۴.



شهرهای قفقاز بر علیه تغییر سلطنت در ایران حرکاتی انجام دادند که از چشم ایرانی‌ها دور نماند.^۱ در آغاز سلطنت نیز با وجود شرایط به‌ظاهر دوستانه، هنوز مسئله بازرگانی بین دو کشور و ترانزیت کالاهای ایرانی از خاک شوروی و نیز مسئله شیلات دریای خزر حل نشده بود و بندر انزلی همچنان در اختیار روس‌ها قرار داشت و یک ناوچه توپدار شوروی در آن بندر قرار داشت.^۲ «از نظر سیاسی شوروی‌ها حکومت رضاشاه را به‌عنوان عامل دست‌اندرکار ایجاد ثبات در منطقه تأیید کردند و امید داشتند دستکم از این ناحیه به نیروهای مخالف شوروی اجازه تعرض به خاک آن کشور داده نشود و در بهترین حالتش شاید رژیم ایران با امپریالیسم بریتانیا به مخالفت برمی‌خاست».^۳

مهمترین نکته‌ای که در دوره پهلوی باید در ارتباط با شوروی‌ها به آن اشاره کرد یکی گسترش نفوذ کمونیسم و دیگری مسائل تجاری و اقتصادی بود. در اینجا ما ابتدا نفوذ کمونیسم را در قالب مسائل سیاسی روابط دو کشور بررسی خواهیم کرد و سپس به مسائل تجاری خواهیم پرداخت.

روابط سیاسی

شوروی‌ها هرچند می‌دانستند که ایران زیر نفوذ انگلیسی‌هاست، ولی در تلاش پیگیر بودند که به هر صورت ممکن دوباره در همان مناطقی که در گذشته به‌عنوان مناطق نفوذ دولت تزاری شناخته می‌شد یکبار دیگر حضور پیدا کنند. فقط مدتی بعد از تاجگذاری رضاشاه بود که کمیته‌ای در قفقاز شکل گرفت که هدف آن یکی نمودن آذربایجان ایران با آذربایجان قفقاز بود، این تشکل هرازچندگاهی افرادی را با پول جهت تبلیغ به تیریز می‌فرستاد.^۴ هرچند براساس پیمان ۱۹۲۷ / ۱۳۰۶ دو دولت تعهد کردند در امور داخلی یکدیگر مداخله نکنند.^۵ شوروی در این راستا حتی در مناطق نفوذ سابق خود دست به تشکیل گروه‌های کمونیستی می‌زدند که مأمورین دولت ایران نیز به سرعت فعالیت آنها را کشف و گزارش می‌دادند.^۶ در یک مورد این تبلیغات که دامنه‌اش به شهرهای جنوبی ایران نیز کشیده شده بود رسوایی به بار آورد و باعث فراخواندن کنسول شوروی از شیراز گردید.^۷ در عوض تبلیغات و فعالیت‌های شوروی دولت ایران هم بیکار نشسته و در برابر اعتراض مقامات سیاسی شوروی در ایران مبنی بر جلوگیری از فعالیت ارامنه‌اشناک، این

۱. همان، سند شماره ۳.

۲. مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، همان، ص ۲۷.

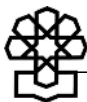
۳. جان فوران، تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۸۱، ص ۳۶۷.

۴. اسناد روابط ایران و شوروی، همان، سند شماره ۱۷۰.

۵. جان فوران، همان، ص ۳۶۷.

۶. اسناد روابط ایران و شوروی، همان، اسناد شماره ۴۱ تا ۴۴.

۷. همان، اسناد شماره ۴ تا ۱۳.



فعالیت‌ها را کم‌اهمیت جلوه می‌داد.^۱

دولت ایران بر سخت‌گیری نسبت به اتباع شوروی دقت کافی داشت و در برخی مواقع اعضای ایرانی کنسولگری‌ها را بازداشت می‌کرد (مانند بازداشت کشاورز مترجم کنسولگری شوروی در کرمانشاه)^۲ از طرف دیگر شوروی‌ها براساس اسناد موجود، از هر عملی برای برهم‌زدن نظم عمومی در صفحات شمال غربی ایران روی گردان نبوده و حتی اسلحه را نیز در آن مناطق توزیع می‌کردند.^۳ آنان همچنین ایرانی‌های مقیم آن کشور - به‌خصوص قفقاز را - مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند، به‌طوری که در اسفندماه ۱۳۱۶ پس از آنکه اعضای یک تشکیلات کمونیستی دستگیر شدند این آزار و اذیت‌ها افزایش بیشتری یافت.^۴ «یکی از علل سردی روابط با شوروی رفتار رضاشاه با کمونیست‌های ایرانی بود. وی حتی قبل از تصویب قانون ۱۳۱۰، دست به سرکوبی کمونیست‌های ایرانی زده و تا جایی پیش رفته بود که به‌کار بردن واژه کارگر را در روزنامه‌ها ممنوع ساخته بود...» پس از اجرای قانون ۱۳۱۰ کمونیست‌های ایرانی دچار مضیقه بیشتری شدند. در سال ۱۳۱۴، مجله دنیا، تنها مجله کمونیستی ایران که قبلاً ۱۲ شماره از آن منتشر شده بود و نویسندگانش توانسته بودند ماهیت کمونیستی خود را پنهان کنند به توصیه بخش مطبوعاتی سفارت بریتانیا در تهران توقیف شد. در سال ۱۳۱۶، پنجاه‌وسه نفر از اعضای یک شبکه کمونیستی بازداشت شدند.^۵

براساس اسناد موجود، یکی از مشکلاتی که مدام میان ایران و شوروی وجود داشته، مسئله مهاجران بود، این مسئله به‌خصوص در مورد اتباع شوروی صدق می‌کند که می‌خواستند از تصفیه‌های شدید استالین فرار کنند، البته این پناهندگان در دسرهای فراوانی هم برای ایران تولید کرده‌اند گاه می‌شد که میان آنها جاسوس‌های دولت شوروی هم وجود داشته‌اند، که این به‌خصوص برای اداره اطلاعات ارتش و نظیمه مشکلات چندی را به‌وجود می‌آورد.

روابط اقتصادی

در طول دوره حکومت رضاشاه، دولت ایران خواه ناخواه باید با همسایه بزرگ و قدرتمند خود کنار می‌آمد. بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. / ۱۲۹۶ هـ. ش شوروی، تجارت بین دو کشور دچار وقفه شد، اما در سال ۱۹۲۷ م. / ۱۳۰۶ هـ. ش شوروی یک بار دیگر بازار اصلی برنج، دخیانیات، خشکبار، پنبه و پشم مناطق شمالی ایران شد و تجارت دو کشور بار دیگر به سطح قبل از ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۳ هـ.

۱. همان، اسناد ۵۴ تا ۶۰.

۲. همان، سند شماره ۶۷.

۳. همان، سند شماره ۶۸.

۴. همان، اسناد شماره ۷۸ تا ۸۰.

۵. مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، همان، ص ۲۳.



ش. برگشت.^۱ اما قبل از امضای قرارداد ۱۳۰۶، شوروی مرزهای خود را بر روی صادرات ایران بسته و مانع از عبور کالاهای ایرانی به مقصد اروپا می‌شد، ولی در عوض توانسته بود با صادرات بیش از حد بازار ایران را در کنترل خود بگیرد. این رفتار مقامات شوروی عکس‌العمل‌های شدیدی را میان طبقه تجار ایران برانگیخت. در تمام ایالات شمالی که با شوروی هم‌مرز بودند، از مقامات مسئول کشور تقاضا می‌شد که دولت باید مقابله به مثل کرده و از وارد شدن کالاهای شوروی به ایران جلوگیری کند. این عمل شوروی‌ها کسبه و تجار رشت را به شدت عصبانی و در مضیقه گذاشته بود، به طوری که آنها مجبور شدند برای مقابله اتحادیه‌هایی تشکیل دهند به نام «نهضت اقتصاد» که تجمعات و میتینگ‌های مختلفی را هم تشکیل می‌داد.^۲

شوروی‌ها برای آنکه جهت معاملات بازرگانی خود در ایران دچار کم‌پولی نگردند، بعد از امضای قرارداد تجاری میان طرفین در مهرماه ۱۳۰۶ شمسی، اقدام به تأسیس بانک در ایران کردند. شعبه‌های بانک ایران و روس در شهرهای شمالی ایران تأسیس شد، برطبق اسناد این بانک گوی را از بانک ملی ایران و بانک شاهنشاهی ربوده و با تخفیف‌هایی که می‌داد، عده‌ای زیاد از بازرگانان و تجار را به طرف خود کشیده و از این کار هدفی جز تبلیغ مرام کمونیستی نداشت.^۳

در سال ۱۳۱۱ یکبار دیگر روابط ایران و شوروی گره خورد به طوری که این بار نیز تجار ایرانی به خصوص در رشت قصد تحریم تجارت را با شوروی گرفتند که این امر با اعتراض شدید نمایندگان سیاسی شوروی مواجه شد.^۴

اما در مورد نفت، شوروی‌ها هنوز هم به دنبال نفت ایران، به خصوص نفت شمال بودند. سفیر آن کشور در تهران معتقد بود: «در شمال ایران باید قاعدتاً نفت وجود داشته باشد و برجسته‌ترین کارشناس روسی این نظر را تأیید کرده است. مدت‌هاست که مذاکره برای تشکیل یک شرکت مختلط روس و ایرانی برای اکتشاف و استخراج جریان دارد. هرگاه در این توفیق حاصل شود می‌توان نفت را به کمک خط لوله‌ای تا دریای خزر رساند و از آنجا برای تصفیه با کشتی‌های نفت‌کش به باکو حمل کرد.»^۵ با این اوصاف، این نکته مشخص می‌شود که مقامات شوروی هنوز هم می‌خواسته‌اند پایه‌پای شرکت نفت انگلیس و ایران پیش رفته و امتیازی را همانند آن به دست آورند. براساس همین رویکرد بود که در ماجرای اختلاف ایران و شرکت نفت، مقامات شوروی جانب ایران را گرفتند.

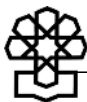
۱. جان فوران، همان، ص ۳۶۷.

۲. اسناد روابط ایران و شوروی، همان، اسناد شماره ۱ تا ۳۱.

۳. همان، اسناد شماره ۷۲، ۷۰، ۶۹ و ۶۸.

۴. همان، اسناد شماره ۸-۱۶۷.

۵. بلوشر، پیشین، ص ۱۸۶.



پس از بازگشت تیمور تاش از سفر اروپایی‌اش که از راه مسکو صورت گرفت در سال ۱۳۱۱، در یکی از جلسات هیئت دولت امتیاز نفت خوریان مطرح می‌شود و قرار بود امتیاز استخراج خوریان به روس‌ها واگذار گردد ...، تصویب‌نامه امتیاز نفت شمال با ۹ رأی موافق و ۲ رأی مخالف از هیئت دولت گذشت:

«هیئت وزرا در جلسه پنجم شهریورماه ۱۳۱۱، به رئیس کل عنایت و فلاحت اختیار دادند، قرارداد بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت شوروی راجع به تشکیل شرکت نفت کویر خوریان به امضا با سفیر کبیر شوروی به نمایندگی از طرف دولت متبوعه خود امضا می‌کند، مبادله نماید»^۱.
مهدی قلی هدایت. نخست‌وزیر. ۶ شهریورماه ۱۳۱۱

تیمور تاش که در سفر اروپایی‌اش، نتوانسته بود دستاوردی برای ایران داشته باشد، هنگام اقامت در مسکو با مقامات شوروی به توافق رسید و پس از بازگشت به تهران دست به یک بازی خطرناک دیپلماتیک زد تا مقامات شرکت نفت ایران و انگلیس را بترساند، یا نه، مقصود و منظور او همان دادن امتیاز بود؟ امری که بالاخره جاننش را برسر این قمار خطرناک نهاد.

پس از قتل تیمور تاش، مقامات شوروی درصدد برآمدند تا به روابط خود با ایران ادامه دهند. در سال ۱۳۱۲ با ورود کاراخان قائم‌مقام وزارت خارجه شوروی مذاکراتی بین طرفین صورت گرفت که بیشتر حول محور تجارت بود، از جمله مسائلی که در این گفتگوها مطرح شد مسئله نفت کویر خوریان بود.^۲ هرچند کاراخان از این سفر طرفی نبست، اما همین امر باعث شد تا آنها مجدداً ایران را در فشار قرار دهند. از جانب دیگر انحصار دولت شوروی بر تجارت کشور خود، بر سرعت گرفتن کنترل انحصاری دولت ایران بر تجارت خارجی‌اش افزود و بازرگانی هر دو کشور هرچه بیشتر به سوی شیوه پایاپای حرکت کرد. در دهه ۱۹۳۰ م. / ۱۳۱۰ ه. ش که شوروی سیاست صنعتی کردن پر دامنه کشور را در پیش گرفت، در واردات ایران به آن کشور وقفه‌ای ایجاد شد. مازاد جدید بازرگانی شوروی عاملی بود که اقتصاد شمال ایران را به بحران دچار کرد. در دهه ۱۹۳۰ م. / ۱۳۱۰ ه. ش، دادوستد کشور با نوسان‌هایی همراه بود: ۲۴ درصد صادرات و ۲۸ درصد واردات ایران با شوروی بود و در ۱۹۳۸ م. / ۱۳۱۷ ه. ش، ۳۸ درصد بازرگانی خارجی ایران به شوروی اختصاص داشت. با این جهش، شوروی در تجارت با ایران از بریتانیا پیشی گرفت. بازرگانی در سال‌های ۱۹۳۸-۱۹۳۹ م. / ۱۳۱۷-۱۳۱۸ ه. ش افت‌نمایی پیدا کرد و در سال بعد عملاً به صفر رسید. در سال ۱۹۴۰ م. / ۱۳۱۹ ه. ش، پیمان بازرگانی جدیدی به امضا رسید و ایران

۱. مهدی فرخ، خاطرات سیاسی فرخ، به اهتمام پرویز لوشانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۷، صص ۲۷-۳۲۵.

۲. اسناد روابط ایران و شوروی، همان، سند شماره ۱۷۱.



امیدوار بود بتواند با استفاده از خاک شوروی روابط تجاری خود با آلمان را تقویت کند، اما جنگ مانع اجرای این طرح شد. عمده‌ترین سرمایه‌گذاری شوروی در ایران امتیاز شیلات دریای خزر بود. این امتیاز بار دیگر در سال ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ م. / ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ هـ. ش به مدت ۲۵ سال تمدید گردید. مسکو از طریق این انحصار به سود کلانی دست می‌یافت. در مجموع رابطه اقتصادی ایران و شوروی عمدتاً نابرابر باقی ماند و نیازها و مقتضیات اقتصاد شوروی تعیین‌کننده آهنگ تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران بود.^۱

با شروع جنگ جهانی دوم شوروی به ایران فشار بسیاری وارد آورد تا بتواند یکی از امتیازات مورد علاقه خود را اخذ کند. اما در سال ۱۳۱۹/۱۹۴۰ برای مدت کوتاهی امتیازی نصیب ایران شد، یعنی در قرارداد شوروی و آلمان ماده‌ای گنجانده شد، مبنی بر اینکه کالاهای صادراتی ایران به مقصد آلمان می‌توانند بدون پرداخت عوارض ترانزیت از خاک روسیه عبور نمایند، تا تجارت ایران و آلمان با تسهیلات بیشتری صورت گیرد.^۲ هرچند این تسهیلات با حمله آلمان به شوروی از بین رفت و ایران نتوانست از آن طرفی ببندد.

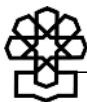
از دیگر مسائل و مشکلات مابین ایران و شوروی اختلافات مرزی طرفین بود که ریشه در دوره قاجار داشت و در دوره سلطنت رضاشاه دوباره سر برآورد. براساس اسناد موجود، شکایت و گزارش مأموران مرزی ایران در مرزهای خراسان به صورت امری روزمره درآمده بود. مرزبانان شوروی در صورت امکان اتباع ایرانی را می‌ربوده‌اند، یا اینکه با تیراندازی از راه دور آنها را مضروب یا مقتول می‌کرده‌اند. براساس همین اسناد، این نوع اتفاقات و حوادث موضوع مذاکرات مفصل و مبسوط میان سفیر ایران در مسکو با وزارت خارجه شوروی و سفیر شوروی در تهران با مقامات وزارت خارجه ایران بوده است. این مذاکرات تا سال ۱۳۱۶ ادامه داشت تا اینکه در این سال بالاخره برخی از مشکلات مرزی و سرحدی رفع شده و میله‌های مرزی دوباره نصب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

روابط ایران و روسیه - شوروی در طول پنج قرن گذشته آمیخته‌ای از تضادهای چندگانه است که در خود روابط متفاوتی را شکل داده است، به گونه‌ای که این مسایل را نمی‌توان در میان دیگر همسایگان ایران دید. به وضوح ثابت است که در طول این سده‌های متوالی آنچه بر روابط دو کشور سایه افکنده است، نیازها و خواست‌های راهبردی روسیه به‌عنوان یک قدرت اروپایی برای به

۱. فوران، همان، ص ۳۶۸.

۲. پیتز آوری، تاریخ معاصر ایران، پیشین، ص ۱۱۷.



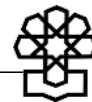
دست آوردن مستعمرات و مناطق نفوذ بیشتر از یکسو و مقاومت ایرانی‌ها به اشکال مختلف برای مصون ماندن از این سیاست‌ها.

روسیه تا زمان تزارها سیاستی تهاجمی و خصمانه نسبت به ایران داشت. این عامل را شاید بتوان به این شکل تفسیر کرد که روسیه از دوران برافتادن صفویه تا برآمدن پهلوی در ایران از فرصت تاریخی بسیار مغتنمی بهره گرفت تا بتواند سیاست‌های استعماری خود در مناطق تحت نفوذ ایران را به مرحله اجرا درآورد. محاصره شدن روسیه در میان قدرت‌های بزرگی چون عثمانی و امپراتوری اتریش - هنگری، امپراتوری مقدس روم و پادشاهی لهستان که باعث عدم دسترسی این کشور به آب‌های آزاد می‌شد این کشور را واداشت تا سیاست‌های موسوم به رسیدن به آب‌های گرم را عملی سازد. این سیاست که به اعتباری نه چندان موثق به پطر یکی از تزارهای روسیه نسبت داده می‌شود در همین دوره زمانی برشمرده شده در بالا اساس کار و سیاست این کشور در قبال برخورد با ایران قرار گرفت.

سیاست برخورد با ایران که در چند مرحله شکل گرفته است، در طول دوره‌ای که بیش از یک قرن زمان برد، ایران را از کشور مستقل تا کشوری که باید میان روسیه و انگلیس تقسیم شود پیش برد. این موضوع که چرا روس‌ها دست از دشمنی با مردم ایران برنداشتند - و این علیرغم اختلافات بسیار فرهنگی و زبانی بود - به خواست‌های راهبردی این کشور برمی‌گشت که در آن ایران به‌عنوان کشور فرهنگی برتر مانع بزرگی در برابر توسعه طلبی از نوع روسی آن قرار می‌گرفت.

رفتار تزارها در قفقاز و آسیای مرکزی در برابر فرهنگ ریشه‌ای ایرانی در این منطقه درست مانند رفتاری است که انگلیسی‌ها با زبان فارسی در شبه قاره کردند و از این روی می‌توان هر دو کشور را دارای سیاستی مشترک در این زمینه برشمرد. برتری فرهنگی ایران که ریشه در مشترکات فرهنگی ایران و مناطق جدا شده از کشور داشت، روس‌ها را به این نتیجه رساند که باید ریشه این حمایت فرهنگی خشکانده شده و از این روی حرکت به سمت جنوب و نابودی کامل ایران در رأس برنامه‌های تزارها قرار گرفت. هرچند این سیاست در ادامه خود با خوش اقبالی ایرانیان با آغاز جنگ جهانی اول و انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ راه به جایی نبرد، اما سیاست‌های توسعه‌طلبانه روس‌ها در ایران در دوره استقرار کشور شوراهای و نظام کمونیستی نیز بر همان روال بود که خلاصه‌ای از این سیاست‌ها را می‌توان در گزارش مشروح «پان ترکیسم و فرقه دمکرات آذربایجان» به وضوح مشاهده نمود.

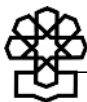
بررسی تاریخچه روابط ایران و روسیه در طول پنج قرن گذشته باعث شناخت بیشتر و بهتر خواست‌های این قدرت همسایه از ایران می‌شود. به نظر می‌رسد این خواست‌ها به هیچ عنوان نه تنها پایانی نخواهد داشت بلکه تجربه حکومت کمونیستی در شوروی نیز نشان داد که میراث‌خواران



تزارها نیز به همان اندیشه‌اند که تزارها بوده‌اند و از این روی است که بازخوانی تاریخ روابط دو کشور که سرشار از مداخلات و سوءاستفاده این کشور از موقعیت ایران بوده، می‌تواند به‌عنوان آموزه‌ای تاریخی و عبرت‌آموز در اختیار مخاطبان قرار گیرد.

پرواضح است که روسیه امروز نیز به ایران به چشم یک رقیب و نه شریک نگاه می‌کند. اگر روسیه امروز را به جای روسیه قرن نوزدهم و آمریکا را هم به جای انگلیس در یک بازسازی تاریخی قرار دهیم، علاوه بر رقابت‌های سیاسی و اقتصادی این دو قدرت به خوبی می‌توان به هماهنگی‌ها و اشتراک نظر آنها در بسیاری از مسائل کلیدی منطقه‌ای پی برد. به شکلی دیگر می‌توان گفت سرشت تاریخی روسیه در قبال ایران بازی با کارت ایران در صحنه بین‌المللی است، همانگونه که روس‌ها در ابتدای قرن نوزدهم از همراهی انگلیسی‌ها در امضای دو معاهده مهم گلستان و ترکمانچای بهره بردند و سپس به رقابتی سازش‌ناپذیر یکدیگر در عرصه سیاسی ایران تبدیل شدند، در ابتدای قرن بیستم از در دوستی درآمده و نه تنها ایران را میان خود تقسیم کردند که نقشه‌های شومی نیز برای خاورمیانه در سر پروراندند.

در بعد دیگر، نگاه روسیه دوگانه است، روس‌ها نگاه به شرق خود را با قدرت حفظ کرده‌اند حفظ و احیای تسلط بر آسیای مرکزی حضور در خزر و تأثیرگذاری محسوس در سیاست‌های آذربایجان و کنترل رفتارهای باکو، حفظ نفوذ سنتی و اثرگذار در ارمنستان و جنگ بر سر حفظ سلطه بر مدخل قفقاز در گرجستان. سیاست روس‌ها در مورد ایران هم کماکان معطوف به تلاش در جهت حفظ موازنه تاریخی قدرت به نفع روس‌هاست یعنی یک ایران بدون خطر برای آنها. نگاه دوم نگاه به غرب است که از سویی برقراری مجدد موازنه با غرب را دنبال می‌کنند و از طرفی هم سعی دارند تا از طریق مشارکت در ترتیبات و برنامه‌های امنیتی اروپا مرزهای غربی خود را از تهدیدات ناشی از توسعه اتحادیه اروپا در درون سرزمین‌های سنتی روسیه محفوظ نگاه دارند. اگرچه روند جاری در صورت تداوم ظرف ۱۰ سال آینده می‌تواند به هضم روسیه در ساختار سیاسی و اقتصادی جهان غرب منجر شود البته اگر تا ۱۰ سال آینده ساختار فعلی غرب باقی بماند. بنابراین دور نیست که در این نتیجه‌گیری تاریخی این نکته را مد نظر داشته باشیم که ایران به‌عنوان یک کشور با ثبات بالای منطقه‌ای و برخوردار از پشتوانه محکم تاریخی که حضوری دراز در صحنه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی منطقه دارد همچنان به‌عنوان یک منبع خطر برای روسیه به‌شمار می‌رود، چنانکه همین کشور می‌تواند به‌صورت هم‌زمان شریک مطمئن اقتصادی برای مسکو باشد. رفتار سیاسی روسیه در طول یک دهه گذشته نشان داده که این کشور بیشتر از آنکه پایبند روابط خود با ایران باشد، به روابط خود با غرب به خصوص آمریکا و ناتو نگاه می‌کند که شاید برای این کشور از سود بالاتری هم برخوردار باشد. اذعان صریح مسئولان بلندپایه مبنی بر



تقدم و تفوق منافع ملی آنان در قبال منافع و مسائل ایران به‌ویژه پس از فسخ قرارداد فروش سیستم پدافند هوایی S300 و رأی مثبت این کشور به قطعنامه ضدایرانی در شورای امنیت، آشکارا مهر تأییدی است بر تداوم سیاست تاریخی روس‌ها بر علیه منافع ملی ایران.

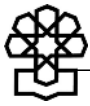
بنابراین باید گفت آنچه که در روابط ایران و روسیه از بعد تاریخی به‌نظر می‌رسد پایان‌ناپذیری درخواست روس‌ها از ایران باشد. آنها همچنان نگاه گذشته خود به ایران را داشته و از این مسیر تلاش می‌کنند تا نه تنها از نفوذ بیش از اندازه ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جلوگیری کنند، که در صورت امکان برآند تا خواست‌های استعماری خود را همچنان به ایران از راه‌های مختلف اعمال کنند.

منابع و مأخذ

۱. اتحادیه، منصوره. احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ ق)، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲. اتکین، میوریبل. روابط ایران و روس: ۱۸۲۸-۱۷۸۰، ترجمه محسن خادم، تهران، ۱۳۸۲.
۳. تاج‌بخش، احمد. ایران در زمان صفویه، تبریز، ۱۳۴.
۴. اسماعیلی، علیرضا، اسنادی از اختلاف دعاوی بانک ایران (بانک استقراضی)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۵. اسناد روابط ایران و شوروی، به کوشش محمود طاهر احمدی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴.
۶. افشار یزدی، محمود، سیاست اروپا در ایران، ترجمه دهشیری، تهران، بنیاد، ۱۳۵۸.
۷. امینی، علیرضا و حبیب‌الله ابوالحسن‌شیرازی. تحولات سیاسی اجتماعی ایران از دوران قاجار تا رضاشاه، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۲.
۸. امینی، علیرضا. روابط خارجی ایران از قاجاریه تا سقوط رضاشاه، تهران، خط سوم، ۱۳۸۲.
۹. انتنر، مروین. روابط بازرگانی روس و ایران، ترجمه احمد توکلی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۶۹.
۱۰. ایوانف، م.س. انقلاب مشروطه ایران، ترجمه کاظم انصاری، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۴.
۱۱. آر.کدی، نیکی. ریشه‌های انقلاب ایران، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۷۷.
۱۲. براون، ادوارد. انقلاب ایران، ترجمه و حواشی احمد پژوه، تهران، معرفت، چ دوم، ۱۳۳۸.
۱۳. بریان شانی‌نوف. تاریخ از آغاز تا انقلاب اکتبر، ترجمه خانبابا بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۱۴. بیانی، خانبابا. پنجاه سال تاریخ ناصری، تهران، نشر علم، ج ۲، ۱۳۷۵.
۱۵. حبیب‌الله، تحولات سیاسی اجتماعی ایران از دوران قاجار تا سقوط رضاشاه، تهران، قومس، ۱۳۸۲.
۱۶. پطروشفسکی، تاریخ ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، دنیا، بی‌تا.
۱۷. پطروشفسکی و دیگران، تاریخ ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، نشر پیام، ۱۳۵۴.
۱۸. پیترآوری و دیگران. «تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار»، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر.
۱۹. پیترآوری، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمدرفعی مهری آبادی، تهران، عطایی.
۲۰. تیموری، ابراهیم. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران، تهران، اقبال و شرکاء، ۱۳۳۲.



۲۱. جمالزاده، محمدعلی. گنج شایگان، برلین، کاوه، ۱۳۳۵.
۲۲. جهانگیرمیرزا، تاریخ نو: شامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری، چاپ عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۲۷.
۲۳. حسام معزی، نجفقلی. تاریخ روابط سیاسی ایران، تهران: دینا، ۱۳۲۴.
۲۴. سایکس، سرپرسی. تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، وزارت فرهنگ، ج ۲، ۱۳۳۳ ش.
۲۵. سپهر، محمدتقی لسان‌الملک. ناسخ‌التواریخ (بخش قاجار)، به کوشش محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامی، ج ۱، ۱۳۵۸ ق.
۲۶. شمیم، علی‌اصغر. ایران در دوره قاجار، تهران، افکار، ۱۳۷۴.
۲۷. شوستر، ویلیام مورگان. اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، ۱۳۵۱ ش.
۲۸. شیانی، میرزاابراهیم (صدیق‌الممالک). منتخب‌التواریخ، زیر نظر ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۶.
۲۹. عبدالحسین نوایی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، تهران: نشر بنیاد فرهنگ، ۱۳۶۰.
۳۰. عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی. مآثر سلطانی: تاریخ جنگ‌های اول ایران و روس، چاپ غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، ۱۳۸۳.
۳۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۳۲. علی‌بابایی، غلامرضا. تاریخ سیاست خارجی ایران شاهنشاهی هخامنشی تا امروز، تهران، درسا، ۱۳۷۵.
۳۳. عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آرژند، تهران، گستره، ۱۳۶۲.
۳۴. فتح‌الله عبدالله‌یف، گوشه‌ای از مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در ایران در آغاز قرن نوزدهم، ترجمه غلامحسین متین، تهران، ۱۳۵۶.
۳۵. فصلنامه تاریخ روابط خارجی نشریه مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره ۱۷.
۳۶. فوران، جان. تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی ایران، ترجمه سعد تدین، تهران، رسا، ۱۳۸۱.
۳۷. فضل‌الله بن عبدالنبی خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، چاپ ناصر افشارفر، ج ۱، تهران، ۱۳۸۰.
۳۸. قوزانلو، جمیل، جنگ ایران و روس، بی‌جا، شرکت مطبوعه مطبوع.
۳۹. کاظم‌زاده، فیروز. روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۴.
۴۰. کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران، تهران، نگاه، چ دوم، ۱۳۸۴.
۴۱. کولایی، الهه. فدراسیون روسیه (مجموعه کتاب‌های سبز)، انتشارات وزارت امور خارجه.
۴۲. لسانی، ابوالفضل. طلای سیاه یا بلای ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۴۳. لورنس لاکهارت. انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
۴۴. ریاحی، محمدمین. سفارت‌نامه‌های ایران (گزارش‌های مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران)، تهران: نشر طوس، ۱۳۶۸.
۴۵. مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، علی مدرس، ج اول، صفحات هشت و نه، ۱۳۶۶.
۴۶. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من، بی‌تا، ج ۲.
۴۷. مکی، حسین. تاریخ بیست‌ساله ایران، تهران، نشر ناشر، ج ۴، ۱۳۶۳.
۴۸. مکی، حسین. زندگانی امیرکبیر، تهران، انتشارات سازمان چاپ محمدعلی علمی، ۱۳۳۷.
۴۹. منشور گرگانی، محمدعلی. رقابت روسیه و انگلیس در ایران، تهران، عطائی، ۱۳۶۸.
۵۰. مهدی فرخ. خاطرات سیاسی فرخ، به اهتمام پرویز لوشانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۷.



۵۱. ولایتی، علی اکبر. تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.



شماره مسلسل: ۱۰۶۲۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: نگاهی به تاریخ روابط ایران و روسیه (از آغاز تا امروز)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: کریم جعفری

ناظر علمی: حمید صفری

مقتضی: احمد توکلی (رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۱/۴